



تیرها

مقاومت علیه نازی‌ها
به روایت یک آمریکایی

آیاماه

همیشه پنهان است؟



۸

مزایا و معایب کار داوطلبانه
در نوجوانی

پله‌هایی کوتاه در

نوجوانی، پیش از صخره

نوردی بزرگسالانه

اواسط تیرماه یکی از اعضای
نوجوان کتابخانه درخواست کرد
دو روز در هفته برای کمک و کار
داوطلبانه به کتابخانه بیاید.



۱۳

همتی نوین از دانشمندان
سلول‌های بنیادی

داروی درمان لک و پیس

ایرانی، آماده برای صادرات

ریکالرسل به عنوان داروی جدید درمان
بیماری لک و پیس یکی از تولیدات
جدید کشور در حوزه سلول‌های
بنیادی است که اخیراً در سفر رئیس
دولت امارات معرفی و در خصوص
تولید آن در ابوظبی هم اندیشی شد.

۱۴

روایتی از مراسم اختتامیه
چهارمین سوگواره روضه‌های
داستانی در قم

وقتی داستان نویسان
روضه می‌گویند

۲۶

زنان در اوج

بازی‌های آسیایی

بررسی نحوه عملکرد و نیازهای
تیم بانوان ایران در بازی‌های
آسیایی هانگکونگ چین



۳۱

تک‌نگاری ایران جمعه از فرمانده در سایه فلسطینی که مغز متفکر
عملیات اخیر علیه اشغالگران است

۳۰

مهمان مرموز

+

پرنده مرگ سال‌هاست میان
مردم غزه جولان می‌دهد

۷

واقع‌نگاری نبردهای ضد صهیونیستی

هشت دهه مقاومت مقدس

۶

نگاهی به آمار طولانی‌ترین دفاع خونین

جنگ میراث‌داران طالوت و جالوت

۷

روایت جنگ چهار نسل برای وطن

فلسطین در زخم داوود

۱۱

خبر باختش

عده‌ای که روی اسب بازنده شرط‌بندی کرده
بودند، عادی‌سازی روابط خود را متوقف کردند

۲۰

جنگ روایت‌ها در نوار غزه

رسانه‌ها کدام طرف جنگ را

خشن می‌خوانند؟

۲۵

سکوت فراگیر سلبریتی‌ها

در برابر جنایات صهیونیست‌ها

۲۶

گزارش

پرنده مرگ

سال هاست میان مردم غزه جولان می دهد



قرارداد تشکیل دولت یهود را سال ها قبل خودشان امضا کردند، فقط معلوم نیست بادل خونی که یهودی های صهیونیست از نازی ها دارند، آلمان ها این وسط چه می کنند؟

حالا هم که آتش این جنگ ۷۵ ساله شعله ورتر شده و فلسطینی ها انگیزه ای بیشتر برای جنگیدن بر سر خاک مادری شان دارند، این چند کشور دلسوزی خاله خرسه شان گل کرده و بیانیه داده اند که به غزه کمک می رسانیم، اما از حق اسرائیل برای دفاع از خود حمایت می کنیم.

بیانیه ای که می گوید: ما به عنوان متحد و دوستان مشترک اسرائیل، در روزهای آینده متحد و هماهنگ می مانیم تا اسرائیل بتواند از خود دفاع کند و سرانجام شرایط برای یک خاورمیانه آرام و یکپارچه فراهم شود. یکی به نعل زدن و یکی به میخ زدن اروپایی ها آنجا آن روی خودش را نشان می دهد که طنزگونه ادعا می کنند همه ما خواسته های مشروع مردم فلسطین را به رسمیت می شناسیم و از عدالت و آزادی برابر برای اسرائیلی ها و فلسطینی ها حمایت می کنیم. اما اشتباه نکنید: حماس نماینده این خواسته ها نیست و جز ترور و خونریزی بیشتر هیچ چیزی برای مردم فلسطین ندارد.

به اسلام ربطی ندارد، پرچم حق همیشه بالاست

دلخور و ناراحت نشوند و البته بقای ایالات متحده در عرصه سیاست خارجی استراتژیک ترین منطقه دنیا به خطر نیفتد.

پس بهترین راه این است، چشم برکشته شدن کودکان در غزه بندیم و بگویم حق با رژیم صهیونیستی است و برایشان سلاح و موشک و پهپاد حواله کنیم. وزیر دفاع آمریکا هم چندی پیش در کنفرانسی اعلام کرد: حمایت آمریکا از اسرائیل راسخ است و هماهنگی های تنگاتنگی را با آن، برای آزادی اسیرانی که حماس به اسارت درآورده است انجام می دهیم. کمک های بیشتر در راه است. مطمئن خواهیم شد که اسرائیل نیازمندی های دفاعی خود را در اختیار داشته باشد. البته او هم مثل سایر سران غرب وحشی بدون اشاره به حق فلسطینیان در دفاع از خود و بازپس گیری سرزمین خودشان از اشغالگران صهیونیست گفت: اسرائیل حق دارد از خود دفاع کند. ما از این حق حمایت می کنیم.

بنشینید سر جایتان، ما می گویم حق با اسرائیل است
اپیزود دوم: قاره سبز، یک میزگرد و نوشیدنی و سران کشور اروپایی که کمر همت بسته اند در کنار بانکی هادر حمایت از صهیونیست ها قد علم کنند.

هر چه باشد ۳۶۵ روز سال را وادار این رژیم جعلی هستند و حتی

آرزو نوروز جم
نویسنده



راکت های حماس راه نشستن بر دیوارهای حائل شهرک های صهیونیستی را انتخاب کرد، راکت هایی که شلیک شد تا خبر از یک قیام بزرگ و نوید بخش را به اهالی غزه بدهد، خیلی از شهرهایشان را پس گرفتند، اما حالا در کنار از دست رفتن فوج فوج کودک و خردسال روی دست پدر و مادرهایشان، سیاستمداران قاره سبز بیانیه می دهند که فلسطینیان هیچ اصل کاری اسرائیل است.

اپیزود اول: سخنگوی شورای امنیت ملی کاخ سفید: «ایالات متحده آمریکا به صراحت حملات بی دلیل تروریست های حماس علیه غیرنظامیان اسرائیلی را محکوم می کند.»

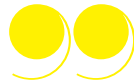
بوی تعفن حمایت از اسرائیل

حرف های آدرین واتسون که اگر چه در این مقطع کنونی جنگ، جدید است اما عجیب بوی کهنگی می دهد، حرف هایی که سال هاست تکرار می شود تا خدای نکرده لابی های صهیونیستی



وزیر دفاع آمریکا: حمایت آمریکا از اسرائیل راسخ است و هماهنگی های تنگاتنگی را با آن، برای آزادی اسیرانی که حماس به اسارت درآورده است انجام می دهیم

با تشدید حملات حماس از ۱۵ مهر امسال، حالا رؤسای چند کشور اروپایی به مردم خود اعلام کرده‌اند برگزاری هرگونه تجمع اعتراضی در حمایت از مردم غزه، غیرقانونی است و آنها باید آنجا را ترک کنند



بیمارستان‌های غزه دیگر ظرفیت پذیرش زخمی و مجروح ندارد، سردخانه‌ها هم پر شده از اجساد

کودکان و زنان، کودکانی که عمر خیلی هایشان به بیشتر از دوسه بهار قد نمی‌دهد، مردان مات و مبهوت برویانه خانه‌هایشان زل زده‌اند و برای زندگی از دست رفته‌شان آه می‌کشند، تقریباً جای سالمی بر پیکره شهر نمانده و همه جا بوی خون و دود و آتش می‌دهد

که حتی خبرنگارشان هم اعتراف می‌کند بی سابقه است، حالا میان این همه تشویش، نگرانی و دست و پنجه نرم کردن برای زنده ماندن، اعلامیه‌هایی از آسمان غزه روی شهر سرازیر شده است که به غیرنظامیان می‌گوید فوراً خانه‌های خود را ترک کنند.

اعلامیه‌هایی از سوی رژیم صهیونیستی خطاب به ساکنان شهر غزه، که در آن گفته است: سازمان‌های تروریستی جنگ علیه اسرائیل را آغاز کرده‌اند. شهر غزه به میدان جنگ تبدیل شده است. شما باید فوراً خانه‌های خود را تخلیه کنید و به سمت جنوب بروید.

نسل کشی، مهر خشک نشده حکم سال‌ها تجاوز

فرمانی که حتی صدای نهاد‌های بین‌المللی و برخی کشورهای عربی اسلامی را هم در آورده و آن را مردود دانسته‌اند. وزارت بهداشت غزه همچنین اعلام کرده تعداد شهدا اینقدر بالاست که ناچاریم همه را در یک گور جمعی دفن کنیم. آژانس امدادسانی و کارایی برای آوارگان فلسطینی در خاور نزدیک سازمان ملل (UNRWA) هشدار داد که زندگی بیش از ۲ میلیون نفر به دلیل تمام شدن آب در غزه در معرض خطر است. به گفته این آژانس در بحبوحه محاصره غزه توسط اسرائیل، یک هفته است که هیچ کمک بشردوستانه‌ای وارد غزه نشده است. این آژانس همچنین گفت که پس از توقف کار نیروگاه آب غزه و شبکه عمومی آب، آب آشامیدنی و پاکیزه رو به اتمام است. سازمان بهداشت جهانی فرمان اسرائیل مبنی بر تخلیه ۲۲ بیمارستان در منطقه شمالی نوار غزه را محکوم کرده و طی بیانیه‌ای اعلام کرد: «اجبار ۲ هزار بیمار به انتقال به جنوب غزه، جایی که در حال حاضر ظرفیت تمام تأسیسات بهداشتی و بیمارستان‌های آن تکمیل شده و از بستری این تعداد کثیر بیماران ناتوان است، می‌تواند به مثابه حکم اعدام تلقی شود.»

حالا هر چند ساکنان قاره سبز متحد شده‌اند تا برای اسرائیل نقش دایه مهربان تراز مادر را بازی کنند و او را برای ناسازگاری‌هایش سرزنش نکنند، اما آنچه از روزهای غزه و حال و احوال مردمانش مشخص است، آنها حاضرند جان بدهند اما دیگر خاک ندهند.



بیانیه‌ای که می‌گوید: ما به عنوان متحد و دوستان مشترک اسرائیل، در روزهای آینده متحد و هماهنگ می‌مانیم تا اسرائیل بتواند از خود دفاع کند و سرانجام شرایط برای یک خاورمیانه آرام و یکپارچه فراهم شود. یکی به نعل زدن و یکی به میخ زدن اروپایی‌ها آنجا آن روی خودش را نشان می‌دهد که طنزگونه ادعا می‌کنند همه ما خواسته‌های مشروع مردم فلسطین را به رسمیت می‌شناسیم و از عدالت و آزادی برابر برای اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها حمایت می‌کنیم. اما اشتباه نکنید: حماس نماینده این خواسته‌ها نیست و جز ترور و خونریزی بیشتر هیچ چیزی برای مردم فلسطین ندارد.

امریکا: نگرانیم! ایران نباشد، ما مقاومت را شکست می‌دهیم

مشاور امنیت ملی کاخ سفید هم در گفت‌وگویی با رسانه‌های امریکایی ادعای ورود احتمالی ایران به درگیری‌ها بین نیروهای حماس و رژیم صهیونیستی را مطرح کرد و گفته که از تشدید جنگ بین اسرائیل و حماس و احتمال دخالت مستقیم ایران بیم دارد.

هر چند خودشان یک پای مداخله در درگیری میان جنبش مقاومت و اسرائیل هستند، اما از آن طرف دنیا نسخه می‌پیچند که ایران‌پای پیش را از این درگیری بیرون بکشد و کنار بایستد. براساس آنچه رویترز به نقل از براون گزارش کرده او اگر چه به مداخله کشورش در جنگ و ارائه کمک‌های نظامی به تل‌آویو، اذعان داشته اما از ایران خواسته وارد این درگیری نشود، رئیس ستاد مشترک ایالات متحده همچنین گفته: «ما می‌خواهیم پیام محکمی بفرستیم. نمی‌خواهیم این موضوع گسترش پیدا کند و پیشنهاد می‌شود ایران این پیام را آشکارا دریافت کند.» در حالی از سوی مقامات امریکایی برای ایران خط و نشان کشیده می‌شود که ارتش امریکا تجهیزات دفاعی جدید، مهمات و دیگر کمک‌های امنیتی را برای کمک به رژیم صهیونیستی برای پاسخ به حمله حماس به اراضی اشغالی سرازیر می‌کند.

غزه داغدار است اما همچنان استوار

اپیزود آخر: بیمارستان‌های غزه دیگر ظرفیت پذیرش زخمی و مجروح ندارد، سردخانه‌ها هم پر شده از اجساد کودکان و زنان، کودکانی که عمر خیلی هایشان به بیشتر از دوسه بهار قد نمی‌دهد، مردان مات و مبهوت برویانه خانه‌هایشان زل زده‌اند و برای زندگی از دست رفته‌شان آه می‌کشند، تقریباً جای سالمی بر پیکره شهر نمانده و همه جا بوی خون و دود و آتش می‌دهد.

وزارت بهداشت نوار غزه هم یکشنبه گذشته از افزایش شمار شهدای فلسطینی در پی حملات رژیم صهیونیستی خبر داده و اعلام کرد: شمار شهدای فلسطینی تا آن روز به ۳۳۲۹ و تعداد مجروحان هم به ۹۰۲۴ نفر رسیده که اکثر آنها زن و کودک هستند.

همه چیز از یک نسل‌کشی حمایت می‌کند، کشتاری

اپیزود سوم: مردم اروپا اما حال و هوایشان با سران کشورهایشان از زمین تا آسمان فرق دارد، آنها می‌دانند که کشتار کودکان و زنان، بهتر است بگوییم غیر نظامی‌ها در همه جای دنیا محکوم است، چه برسد به اهالی غزه که نزدیک به یک قرن است با خون بچه‌هایشان شب را به صبح می‌رسانند.

حالا با شروع حملات فلسطینیان علیه شهرک نشینان و رژیم صهیونیستی، زیاد شدن این فاصله خودش را بیشتر نشان داده است، آن طور که نظرسنجی‌ها نشان داده است درصد بیشتری از مردم اروپا از فلسطین و مبارزات آنها حمایت می‌کنند. به عنوان مثال، نظرسنجی Ifop در فرانسه نشان داد که ۵۷ درصد از مردم فرانسه در سال ۲۰۲۰ از فلسطین به عنوان یک کشور حمایت کردند، در مقایسه با ۳۸ درصد که از اسرائیل حمایت کردند. همان نظرسنجی همچنین نشان داد که ۶۹ درصد از مردم فرانسه سیاست‌های اسرائیل را نسبت به فلسطینیان به عنوان نوعی آپارتاید در نظر می‌گیرند.

با تشدید حملات حماس از ۱۵ مهر امسال، حالا رؤسای چند کشور اروپایی به مردم خود اعلام کرده‌اند برگزاری هرگونه تجمع اعتراضی در حمایت از مردم غزه، غیرقانونی است و آنها باید آنجا را ترک کنند.

آنها حتی اعلام کرده‌اند به اهتزاز در آوردن پرچم فلسطین ممنوع است، همه این محدودیت‌ها در حالی اجرایی می‌شود که اعتراض حامیان اسرائیل در همه این کشورها آزاد و قانونی است و نیاز به اجازه ندارد.

سکوت مجامع بین‌المللی حکم قتل عام دنیای کودکان

اپیزود چهارم: پرنده‌آبی صلح در میانه این دعوا اما تصمیم گرفته به جای پرواز بر بالای سر مردم غزه، سکوت پیشه کند و نگاه کند که زمان چه چیزی را برای مردم غزه انتخاب می‌کند.

هر چند معاون دبیر کل سازمان ملل در امور بشردوستانه هشدار داد که شیخ مرگ بر غزه سایه افکنده است و هزاران نفر در نوار غزه بدون برق، غذا و دارو به کام مرگ کشانده خواهند شد، اما آنتونیو گوترش در لفظی از اسرائیل خواسته که به این جنگ و کشتار پایان دهد و جنبش مقاومت اسرای اسرائیلی را آزاد کند، از سویی دیگر اعلام کرده چند کشور اروپایی کمک‌های بشردوستانه خود را که از طریق این سازمان برای غزه ارسال می‌شد را قطع کرده‌اند و این سازمان هم همین گونه نشسته و دست به سینه نگاه کرده است.

نهاد‌های بین‌المللی همچون شورای حقوق بشر سازمان ملل، دیوان کیفری بین‌المللی، دیوان بین‌المللی دادگستری و یکی از ارکان سازمان ملل متحد همه در قلمرو قدرت و قضاوت سازمان ملل هستند.

اما خب از طرفی هم بزرگ‌ترین و مهم‌ترین پشتیبان مالی سازمان ملل ایالات متحده امریکا است که تأمین ۲۲ درصد منابع مالی سازمان ملل را تأمین می‌کند بعد از آن ژاپن با ۱۰،۸۳، آلمان ۷،۱۴، فرانسه ۵،۵۹ و انگلیس ۵،۱۸ درصد نیازهای مالی سازمان ملل را این کشور تأمین می‌کنند.

ثروت بهتر است یا فلسطین؟

اگر هر یک از این نهاد‌های وابسته به سازمان ملل جنایات اسرائیل را در غزه قتل عام و نسل‌کشی بخوانند، در واقع به اصلی‌ترین سهامدار خود انتقاد می‌کنند و این انتقاد به دلیل شریک جرم بودن امریکا در این جنایات است.

این سازمان اگر چه فقط لفظی محکوم می‌کند اما به طور جدی وقایع برای جلوگیری از جنایات در حال وقوع در غزه، نسل‌کشی و آدم‌کشی اسرائیلی‌ها هیچ اقدامی نکرده است.

اما آنچه مسلم است ثروت و قدرت در میدان سیاست خارج اروپا و امریکا و اسرائیل حرف اول را می‌زند نه اقدامات بشردوستانه.

اپیزود پنجم: اروپا و امریکا از رژیم صهیونیستی و آنچه در غزه می‌گذرد، حمایت می‌کنند آن هم جانانه و بی‌بدیل، اما این کشورها به جز حملات حماس و پیروزی‌های پی در پی آنها در بازپس‌گیری اراضی فلسطین، نگرانی دیگری هم دارند.



تاریخ



واقعه نگاری نبردهای ضد صهیونیستی

هشت دهه مقاومت مقدس

محمد مهدی اسلامی
نویسنده و پژوهشگر تاریخ



در سال ۱۹۲۹م.
هاگانا در سرکوب
انتفاضه فلسطینیان
مشارکت وبه
خانه ها و مستغلات
عرب ها حمله کرد
وراهپیمایی هایی برای
ارباب شهروندان
عرب به راه انداخت

یافت. از جمله در اردیبهشت ۱۳۲۷ کشتار روستای عین الزیتون بود که طی آن ۷۰ اسیر فلسطینی به قتل رسیدند و نیز روستای دوایمه که محل تجمع برخی از آوارگان بود و طی آن ۴۵۵ تن کشته شدند که ۱۷۰ نفر از آن ها زن و کودک بودند. بجز این موارد، حجم زیادی از کشتار و ارباب هیچ گاه ثبت و ضبط نگردیدند. اینگونه اسرائیل بر خون های به زمین ریخته شکل گرفت.

اولین شکست رسمی

چهار ماه قبل از اقدام «بن گوریون» در اعلام رژیم اسرائیل، دولت چکسلواکی به دستور استالین رهبر وقت شوروی، ۶۰ هزار قرضه تفنگ در اختیار صهیونیست ها قرار داد. کشورهای عربی هم نیروهایی برای جلوگیری از تشکیل اسرائیل اعزام کردند اما طبق گفته محمود ریاض دبیرکل اسبق اتحادیه عرب، آمار آنها ۱۴ هزار نفر بود که آذوقه همراه آن ها تنها کفاف یک روز را می داد اما طرف مقابل چندین برابر نیرو داشت. روزنامه «هآرتس» در شماره نهم مه سال ۲۰۰۶ نوشت هنگام اشغال فلسطین، ۱۱۷ هزار سرباز در قالب گروه های نظامی (صهیونیستی) به کار گرفته شدند. آنها امکانات جنگی فراوان همچون ۲۵ فروند هواپیمای جنگنده «مسراشمیت» و ۵۶ جنگنده «اسپیت فایر» (هر دو ساخت آلمان) در اختیار داشتند. با همه این موارد اندکی پس از آغاز جنگ، آتش بس اعلام شد. موشه دایان در خاطراتش می نویسد: در جنگ ۱۹۴۸ کاملاً در محاصره بودیم و شاید تنها توان یک روز مقاومت را داشتیم، اما آتش بس به داد ما رسید.

با ادامه درگیری های پراکنده تا سال ۱۹۴۹ میلادی، اشغالگران به تدریج ۲۶ درصد بیش از قطعه نامه ۱۹۴۷ به اشغال خود درآورد. طبق آمار منتشره از این دو سال، ۶۳۷۳ صهیونیست کشته شده و نیز ارباب حدود ده هزار شهید داشته اند. آمار اسرای این جنگ مشخص نیست اما گفته شده صدها اسیر از دو طرف در فاصله کمی مبادله شدند.

«لحی» یک گروه شبه نظامی زیرزمینی دیگر بر پایه تفکر صهیونیسم بود که از سال ۱۹۴۰ ترورهای خود را آغاز کرد و معروف ترین آنها ترور فولک برنادوت، میانجی سازمان ملل بود که به منافع اعراب ساکن در فلسطین نیز، نگاه داشت. وی در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۴۸ میلادی، در حالی که سوار بر خودروی سازمان ملل متحد در حال عبور از بیت المقدس بود، توسط چند تن از اعضای گروه لحی به قتل رسید.

بعد از روز نکبت و برپائی نیروهای دفاعی رسمی برای اشغالگران، هر سه جنبش زیرزمینی هاگانا، اتسل و لحی در ارتش ادغام شدند اما گاهی عملیات هایی داشتند. حزب کارگر در واقع وارث هاگانا و لیکودبها نیز وارثان اتسل هستند.

کشتار این واحدها، بخشی از برنامه ارباب و آواره سازی فلسطینیان برای غصب خانه های آنها پس از فروپاشی عثمانی بود که آمار دقیقی از تعداد کشته ها در دست نیست. این کشتار در زمستان ۱۳۲۶ شمسی شدت یافت و زمینه ساز اعلام کشور جعلی اسرائیل در بهار ۱۳۲۷ شمسی را فراهم ساخت. از مشهورترین این کشتارها، به خاک و خون کشیدن کد خدا و اهالی روستای الخصاص در شمال شهر صفد در ۲۰ آذر ۱۳۲۶ و نیز مردم روستای بلد الشیخ در شمال کوه کرمل در ۹ دی ۱۳۲۶ که همراه با تخریب چندین منزل و کشتار زنان و کودکان بود توسط هاگانا انجام شد. همچنین دو گروه اتسل و لحی به صورت مشترک کشتار روستای دیر یاسین در بلندی های مشرف به بیت المقدس را مرتکب شدند که با پرتاب نارنجک به داخل در و پنجره ها، خانه به خانه را پس از کشتار، اشغال کردند. تجاوز به نوامیس و غارت پول، طلا و اموال مردم این روستا توسط رسانه ها تبلیغ شد و این ارباب، یکی از عوامل رها کردن خانه و آوارگی دسته جمعی بیش از ۷۰۰،۰۰۰ یا حدود نیمی از جمعیت بومی فلسطین در سال ۱۹۴۸ گردید. این رویکرد تروریستی تا اعلام حکومت جعلی اسرائیل ادامه

از ۱۹۳۱ تا ۱۹۴۸ در فلسطین تحت قیومیت انگلستان فعالیت می کرد. شعار و نشان این گروه، عبارت «فقط با اسلحه» است که در زیر آن عبارت «فقط همین» نیز نقش بسته است. نقشه ای که در نشان گروه آمده، محدوده جغرافیایی قیومیت بریتانیا بر فلسطین را نشان می دهد که علاوه بر مناطق اشغالی کنونی توسط صهیونیست ها، شامل محدوده نوار غزه، کرانه غربی و اردن نیز هست.

سال ۱۹۲۹م. هاگانا در سرکوب انتفاضه فلسطینیان مشارکت وبه خانه ها و مستغلات عرب ها حمله کرد و راهپیمایی هایی برای ارباب شهروندان عرب به راه انداخت. سازمان نظامی ملی در سرزمین اسرائیل که صهیونیست ها از آن با اتصال سرواژه ها، به نام اتسل یاد می کنند، یک گروه شبه نظامی زیرزمینی بر پایه تفکر صهیونیسم بود که با انشعاب از سازمان هاگانا،

«هاشومیر» در سال ۱۸۷۸م. از سوی صهیونیست ها تشکیل شد و انگلیس حامی آن بود تا نیروی های آموزش دیده و مسلح یهود تشکیل شود؛ پس از توسعه نظامی هاشومیر، تشکیلات قبلی تعطیل و «هاگانا» در ماه مه سال ۱۹۲۰م. تشکیل شد و نخستین فرمانده آن «یاهو کولومب» نام داشت. پس از صدور «اعلامیه بالفور» در سال ۱۹۱۷م. عملیاتی در فلسطین داشت. در

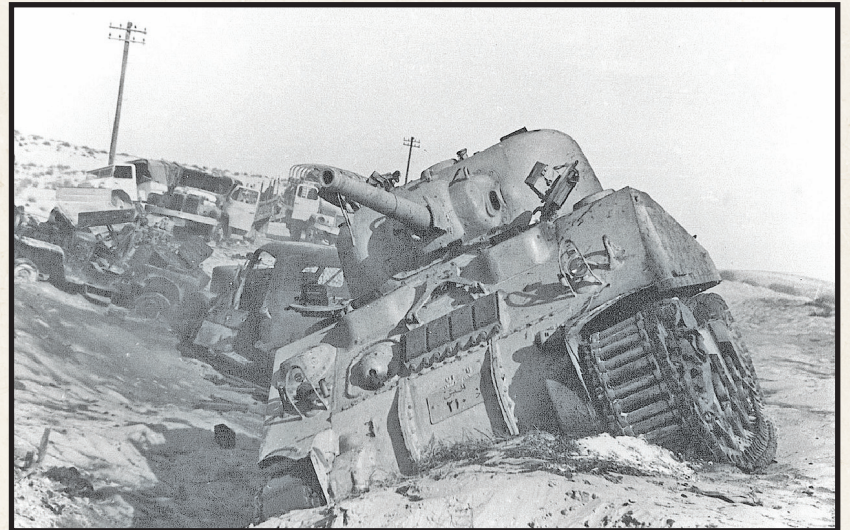


کشتار روستای عین الزیتون ۱۹۴۸

سال ۱۹۷۳ جبهه ضداسرائیل توانست برای جبران جنگ شش روزه، با هماهنگی میان خود جنگ یوم کیپور را که همزمان با جشن و تعطیلات صهیونیست‌ها بود رقم بزند. در این جنگ آمار صهیونیست‌ها ۲۶۸۸ نفر و شهدای ضد صهیونیست حدود ۱۹۰۰۰ نفر اعلام شد



در مجموع مدافعان عرب فلسطین، در جنگ شش روزه ۱۸۳۰۰ شهید دادند در حالی که آمار کشته‌های صهیونیست کمتر از ۸۰۰ نفر بود



آزادی چهار سرباز اسرائیلی که در همان جنگ اسیر شده بودند، آزاد کرد. همچنین در ۱۲ دسامبر ۱۹۶۳ رژیم صهیونیستی و سوریه در یک قرارداد مبادله اسیران، ۱۱ صهیونیست را با ۱۵ اسیر سوری مبادله کردند. تلفات اسرائیل ۲۳۱ کشته و ۸۹۹ مجروح بود و حدود ۳۰۰۰ نفر از نظامیان و غیرنظامیان مصری به شهادت رسیدند و ۴۹۰۰ نفر مجروح شدند. ۱۶ انگلیسی و ۱۰ فرانسوی نیز از مجموع حدود ۸۰ هزار نفر نیروی نظامی این کشورها که به حمایت از اسرائیل در جنگ حاضر بودند، کشته شدند.



جنگ‌های فرسایشی تا ۱۹۷۰

نبردهای پراکنده
در سال‌های اول پس از اشغال، نبردهای پراکنده‌ای شکل گرفت که اغلب منجر به گرفتن اسیر مصری و سوری در دو عملیات مختلف در کانال سوئز و بلندی‌های جولان ۱۵ نظامی رژیم اشغالگر را اسیر کردند. مصر ۱۰ اسیر اسرائیلی را آزاد کرد اما سوریه مدتی بعد چهار اسیری که نزد خود داشت را با ۴۱ سوری که در سال ۱۹۵۶ اسیر شده بودند مبادله کرد؛ و اسیر پنجم صهیونیست در اسارت فوت کرد. تلفات ثبت شده در این سالها شامل ۹۶۷ کشته صهیونیست در عملیات‌های مختلف «فداییان



غافلگیری صهیونیست‌ها در جشن ۱۹۷۳

عزاده توپ، ۱۰ هزار دستگاه خودرو، ۳۰۵ فروند هواپیما (از مجموع ۳۶۰ هواپیمای این کشور) در جنگ نابود شد. نیروهای اردنی نیز شش هزار کشته و ۷۹۲ زخمی داشتند و ۱۵۰ دستگاه تانک این کشور از میان رفت. ارتش سوریه نیز در این نبرد، حدود یک هزار کشته و ۵۶۰ اسیر داشت و ۶۰ فروند هواپیما (از مجموع ۱۲۰ فروند هواپیمای این کشور) به همراه ۷۰ دستگاه تانک ارتش این کشور منهدم شد.

در مجموع مدافعان عرب فلسطین، در این جنگ ۱۸۳۰۰ شهید دادند در حالی که آمار کشته‌های صهیونیست کمتر از ۸۰۰ نفر بود. شمار زخمی‌های صهیونیست‌ها نیز طبق برآوردها حدود ۱۶۰۰ نفر بود. همچنین ۲۶ فروند هواپیمای جنگی و ۱۰ فروند هواپیمای حمل و نقل صهیونیست‌ها نابود شد. این جنگ جهان عرب را داغدار و سرافکنده ساخت. در ۱۵ ژوئن ۱۹۶۷ و پس از جنگی که میان رژیم اشغالگر و کشورهای عرب صورت گرفت، قرارداد مبادله‌ای آغاز شد که این قرارداد در سال ۱۹۶۸ به ثمر نشست. در سال ۱۹۶۸ اولین عملیات مبادله اسیران میان رژیم اشغالگر و جبهه خلق برای آزادی فلسطین با میانجی‌گری صلیب سرخ انجام شد. این مبادله پس از آن انجام شد که مبارزان جبهه خلق یک هواپیمای اسرائیلی وابسته به شرکت العال را با بیش از ۱۰۰ نفرین در مسیر رم - تل آویو ربودند، و آن را وادار به فرود در الجزایر کردند. در این مبادله ۳۷ اسیر فلسطینی دارای محکومیت‌های سنگین از زندانهای رژیم صهیونیستی آزاد شدند.

جنگ‌های فرسایشی
مصر و سوریه پس از جنگ شش روزه تا اوت سال ۱۹۷۰ جنگی فرسایشی علیه رژیم صهیونیستی تدارک دیدند. شرکت در چندین نبرد محدود و انجام چند حمله تاکتیکی تا حدودی اعتماد و خودباوری را در ارتش‌های سوریه و مصر تقویت کرد. تلفات صهیونیست‌ها در طول این دوره ۱۴۲۴ نفر بود و حداقل دو هزار نفر زخمی شدند. تعداد شهدای مصری در این ایام ۵۰۰ نفر تخمین زده شده است.

غافلگیری صهیونیست‌ها در جشن

سال ۱۹۷۳ جبهه ضداسرائیل توانست برای جبران جنگ شش روزه، با هماهنگی میان خود جنگ یوم کیپور را که همزمان با جشن و تعطیلات صهیونیست‌ها

بود رقم بزند. در این جنگ آمار صهیونیست‌ها ۲۶۸۸ نفر و شهدای ضد صهیونیست حدود ۱۹۰۰۰ نفر اعلام شد. در سال ۱۹۷۴ رژیم اسرائیل ۶۵ اسیر فلسطینی را در مقابل آزادی دو جاسوس در مصر آزاد کرد.

مقاومت فلسطینی از جنوب لبنان

سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) از ۱۹۶۸، شروع به حملات از لبنان به اسرائیل کرد و اسرائیل حملات تلافی جویانه علیه لبنان را برای تشویق مردم لبنان برای مقابله با فدائیان آغاز نمود. این جنگ‌ها تا ۱۹۸۲ به طول انجامید و اسرائیل موفق شد شبه نظامیان مارونی از جمله نیروهای لبنانی به رهبری بشیر جمیل و نیز حزب فالانزبه رهبری پیر جمیل را با سلاح و تانک و مشاوران نظامی تقویت کند و در مقابل جبهه مقاومت فعال کند. به دلیل ایجاد موفقیت اسرائیل در ایجاد جنگ داخلی در لبنان آمار تلفات این دوره در هم آمیخته است. اما طبق برخی آمارها، ۱۲۱۶ صهیونیست در مقابل ۲۰۸۲۵ عرب کشته شدند.

از پیامدهای این دوره که با حمله اسرائیل به لبنان و توقف اسرائیل توسط حزب الله لبنان در آستانه رسیدن به بیروت پایان یافت، خروج ساف از لبنان بود. در این مقطع تبادل اسرای مهمی نیز انجام شد. در سال ۱۹۸۳ مبادله

اسیران میان اسرائیل و جنبش فتح صورت گرفت که در آن همه زندانیان بازداشتگاه اسرائیلی «انصار» واقع در جنوب لبنان آزاد شدند. این زندان ۴۷۰۰ اسیر لبنانی و فلسطینی داشت که در حمله سال ۱۹۸۲ به بیروت به اسارت درآمده بودند. علاوه بر این تعداد، ۶۵ اسیر دیگر نیز از زندان‌های رژیم اشغالگر آزاد شدند و در مقابل شش سرباز اسرائیلی از نیروهای ویژه (ناحال) به این رژیم تحویل داده شدند. در سال ۱۹۸۴ اسرائیل ۳۱۱ اسیر سوری را در مقابل آزادی شش اسرائیلی از شهر المقتنبره آزاد کرد. در سال ۱۹۸۵ جبهه خلق برای آزادی فلسطین موفق شد در مقابل آزادی سه سرباز رژیم اشغالگر که آنها را در جبهه لبنان اسیر کرده بود، ۱۱۵۰ اسیر فلسطینی و لبنانی را آزاد کند.

مقاومت لبنانی‌ها در برابر صهیونیست‌ها

از بهمن ۱۳۶۳ تا ۵ خرداد ۱۳۷۹، عملاً جنگ اسرائیل دیگر با جبهه مقاومت لبنانی بود که خواستار بازپس‌گیری سرزمین‌های لبنان از اشغالگران بود. در این دوره حزب الله ۱۲۷۶ شهید داشته است و در مقابل، ۵۵۹ کشته از صهیونیست‌ها گرفته است؛ هرچند بخشی از نبردهای تحمیل شده به حزب الله از سوی مزدوران





بار دیگر عملیات تبادل اسرا را با دشمن صهیونیستی انجام داد و در این تبادل سمیر قنطار و سه نفر دیگر از اسرای لبنانی را که این سه نفر در جنگ ۳۳ روزه اسیر شده بودند، به همراه بیکر صدها تن از شهدای فلسطینی و لبنانی و آزادی تعدادی از اسرای فلسطینی تحویل گرفت و در مقابل جنازه دو اسیری را که در سال ۲۰۰۶ به دست نیروهای حزب الله اسیر شده و در حملات موشکی اسرائیل به لبنان جان باخته بودند، تحویل اسرائیل داد.

عملیات بنیان مرصوص

۲۲ خرداد ۱۳۹۳، بار دیگر ارتش اشغالگر، با حمله هوایی به غزه، جنگی دیگر را آغاز کرد. حماس با عملیات بنیان مرصوص پاسخ آن را داد و جنگ تا ۴ شهریور به طول انجامید. صهیونیست ها بسیاری از فلسطینی هایی را که در پی آزادی گیلعاد شالیت آزاد کرده بود، مجدداً بازداشت کردند و فلسطین صدها اسیر داد. اسرائیل مجدد به مناطق مسکونی حمله کرد و تعداد زیادی کودک را کشت و طبق آمار سازمان ملل تا پایان جنگ بیش از ۵۲۰,۰۰۰ فلسطینی که بیش از ۳۰٪ جمعیت کل غزه را تشکیل می دهد، آواره شدند. اشغالگران قدس اگرچه ۲۲۵۱ فلسطینی را به شهادت رساند، اما بعد از ۷۳ کشته صهیونیست ناگزیر به آتش بس شد.

جنگ ۱۲ روزه

بار دیگر در سال ۱۴۰۰ اسرائیل با اخراج فلسطینیان از منازل خود در شیخ جراح و تصرف بخش هایی از بیت المقدس شرقی، جنگ دیگری را آغاز کرد. ۱۳ صهیونیست در مقاومت حماس کشته شدند و ۲۷۴ فلسطینی نیز به شهادت رسیدند.

طوفان الاقصی

در این ایام، بارها مذاکرات تبادل اسرا توسط برخی واسطه ها انجام شد. اما عدم اطمینان طرف فلسطینی و اختلافات سیاسی داخل صهیونیست ها موجب شد چندین دستاوردی نداشته باشد. اگر مهرماه ۱۴۰۰ حماس تصاویر چهار اسیر صهیونیست را در کانال کتائب القسام منتشر کرد و پس از آن برای آزادی آنها شرط تعیین کرد، امروز و پس از طوفان الاقصی دست حماس بسیار بازتر است و هر روز بر تعداد اسرای اسرائیلی افزوده می شود.



پیروزی های مکرر حماس و جنگ ۲۲ روزه

نبرد صهیونیست ها و حماس در غزه اندکی پس از خاتمه توافقنامه شش ماهه ای که بین اسرائیل و حماس و ۱۲ گروه مقاوم دیگر به امضا رسیده بود، در دی ماه ۱۳۸۷ شروع شد و ۲۲ روز به طول انجامید. سرانجام رژیم صهیونیستی ناگزیر شد به شرایط حماس تن دهد. در این جنگ اسرائیل ۱۴ کشته و ۵۱۸ زخمی داد و با استفاده از سلاح های ممنوعه، بیش از ۱۳۰۰ شهید از شهروندان فلسطینی گرفت که بخش عمده ای از آن زنان و کودکان بودند.

جنگ ۸ روزه

اسرائیل برای جبران این شکست، آبان ۱۳۹۱ به نوار غزه حمله کرد و احمد الجعبري فرمانده شاخه نظامی حماس را به شهادت رساند. پس از آن ۸ روز حملات موشکی حماس موجب عقب نشینی اسرائیل و پذیرش آتش بس شد. اسرائیل ۱۴ کشته و بیش از ۲۰۰ زخمی داشت و فلسطینیان ۱۶۶ شهید و نزدیک هزار زخمی داشتند. در بین این دو جنگ، در ۱۹ مهر ۱۳۹۰ جنبش حماس به موفقیت تبادل ۱۰۲۷ اسیر فلسطینی با گلعاد شالیت صهیونیست در بند نیروهای حماس دست یافت.

الله ۱۶۵ نظامی اسرائیلی را کشت و رژیم اشغالگر با بیماران و واحدهای مسکونی، ۱۹۵۴ لبنانی را به شهادت رساند. در سال ۲۰۰۸ حزب الله لبنان

آریل شارون، رهبر مخالفان رژیم صهیونیستی، بازید تحریک آمیزی از محوطه الاقصی در کوه معبد در اورشلیم انجام داد، آغاز شد.

انتفاضه دوم با وارد کردن دوباره سلاح در عرصه مبارزه، مقاومت اسلامی را به رخ اشغالگران کشاند و موجبات خروج آنها را از نوار غزه فراهم کرد و ایجاد تغییر در دستگاه امنیتی حکومت خودگردان را بر آنها تحمیل کرد: تغییری که هزینه ای بس هنگفت به همراه داشت. ۱۱۰۰ صهیونیست در این انتفاضه کشته شدند و اسرائیل ۴۹۰۷ فلسطینی را که بسیاری از آنها زن و کودک بودند، شهید کرد. در سال ۲۰۰۴ نیز عملیات تبادل اسرا میان حزب الله لبنان و رژیم صهیونیستی انجام شد. این عملیات با میانجیگری آلمان انجام شد و بر اساس آن جنازه سه نظامی اسرائیلی و یک نیروی احتیاط اسرائیلی با آزادی ۴۰۰ اسیر فلسطینی، ۲۳ اسیر لبنان، ۵ اسیر سوری، ۳ اسیر مراکشی، ۳ اسیر سودانی، یک لیبیایی و یک شهروند آلمانی که اسرائیل وی را متهم به وابستگی به حزب الله می کرد، مبادله شدند، تحویل بیکر ۵۹ شهروند لبنانی و تحویل نقشه میدان های مین در جنوب لبنان و بقاع غربی از دیگر مواردی بود که اسرائیل مجبور به اجرای آن در این عملیات شد.

دومین پیروزی بزرگ جبهه مقاومت

پس از رد درخواست های پیاپی حزب الله لبنان از سوی تل آویو مبنی بر پایبندی به توافق ۲۰۰۴ برای آزادی الباقی زندانیان لبنانی در اسرائیل، ۲۲ خرداد ۱۳۸۵ نیروهای حزب الله لبنان در مرز لبنان و اسرائیل با وارد شدن به خاک اسرائیل به گروهی از نیروهای زمینی ارتش اسرائیل حمله کردند و سه سرباز اسرائیلی را کشتند و دو سرباز اسرائیلی را اسیر گرفتند که عملیات «وعده صادق» نام گرفت. پس از آن ۳۳ روز جنگ میان حزب الله و اسرائیل صورت گرفت و حزب الله توانست بار دیگر اسرائیل را شکست دهد. در این جنگ حزب



جنگ ۱۲ روزه ۲۰۲۱

میدان های مین در جنوب لبنان و بقاع غربی از دیگر مواردی بود که اسرائیل مجبور به اجرای آن در این عملیات شد.

انقلاب سنگ

انتفاضه اول فلسطین یا انقلاب سنگ، شکلی از اشکال اعتراض مردم فلسطین علیه اوضاع اردوگاه ها، افزایش بیکاری، تبعیض نژادی و سرکوب مردم فلسطین به دست دولت اسرائیل بود. همزمان با تقویت مقاومت در جنوب لبنان و افزایش روحیه فلسطینیان، انتفاضه در ۱۸ آذر ۱۳۶۶ در جبالییا در نوار غزه آغاز شد و سپس به دیگر شهرها، روستاها و اردوگاه های فلسطینی انتقال یافت. این انتفاضه با سازش عرفات با اسرائیل و پیمان اسلو به پایان رسید. برحسب آمارها حدود ۳۰۰۰ فلسطینی در خلال حوادث انتفاضه به دست ارتش اسرائیل شهید شدند و در مقابل ۱۶۰ اسرائیلی به دست فلسطینی ها کشته شدند. در حاشیه تقویت جبهه مقاومت، در سال ۱۹۹۷ رژیم اسرائیل شهید احمد یاسین مؤسس جنبش حماس را به موجب توافقی با دولت اردن آزاد کرد و در مقابل یکی از عاملان موساد اسرائیل که توسط نیروهای امنیتی اردن به اسارت درآمده بودند، به این رژیم تحویل داده شد. این عامل موساد در عملیاتی ناکام سعی داشت خالد مشعل رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس را در امان ترور کنند.

انتفاضه الاقصی

انتفاضه دوم که به عنوان انتفاضه الاقصی نیز شناخته می شود، از شهریور ۱۳۷۹، پس از آنکه

اسرائیل همچون آنتوان لحد در داخل لبنان بوده است. این دوره منجر به اولین پیروزی بزرگ حزب الله در خرداد ۱۳۷۹ و عقب نشینی اسرائیل از بخش عمده ای از جنوب لبنان شد که به پیروزی ۲۰۰۰ معروف گشت.

در این دوره حزب الله تبادل اسرای موفق نیز داشت. در سال ۱۹۹۱ دو عملیات مبادله اسیران میان حزب الله و اسرائیل به وقوع پیوست که یکی در ۲۱ ژانویه ۱۹۹۱ تحقق یافت و به موجب آن ۲۵ اسیر فلسطینی از جمله دو زن آزاد شدند و در قرارداد دوم به تاریخ ۲۱ سپتامبر ۱۹۹۱ ۵۱ اسیر فلسطینی از بازداشتگاه الخیام در مقابل بازپس گیری جسد یک سرباز رژیم اشغالگر که در بازداشت حزب الله بود، مبادله شدند. در سال ۱۹۹۸ اسرائیل ۶۰ اسیر لبنانی (۱۰ نفر از زندان های اسرائیلی و ۵۰ تن از زندان الخیام وابسته به ارتش جنوبی لحد) را به اضافه بیکر ۴۰ شهید لبنانی آزاد کرد و حزب الله در مقابل، جنازه یک گروه بان اسرائیلی را تحویل داد.

در سال ۲۰۰۴ نیز عملیات تبادل اسرا میان حزب الله لبنان و رژیم صهیونیستی انجام شد. این عملیات با میانجیگری آلمان انجام شد و بر اساس آن جنازه سه نظامی اسرائیلی و یک نیروی احتیاط اسرائیلی با آزادی ۴۰۰ اسیر فلسطینی، ۲۳ اسیر لبنان، ۵ اسیر سوری، ۳ اسیر مراکشی، ۳ اسیر سودانی، یک لیبیایی و یک شهروند آلمانی که اسرائیل وی را متهم به وابستگی به حزب الله می کرد، مبادله شدند، تحویل بیکر ۵۹ شهروند لبنانی و تحویل نقشه



انتفاضه اول فلسطین یا انقلاب سنگ، شکلی از اشکال اعتراض مردم فلسطین علیه اوضاع نابسامان مردم فلسطین در اردوگاه ها، افزایش بیکاری، تبعیض نژادی و سرکوب مردم فلسطین به دست دولت اسرائیل بود





انتفاضه الاقصی ۲۰۰۵

شهدا: ۴۹۰۷ نفر

کشته‌های صهیونیست‌ها: ۱۱۰۰

جنگ ۳۳ روزه، (وعدۀ صادق) ۲۰۰۶

شهدای لبنان: ۱۹۵۴ نفر

کشته‌های صهیونیست‌ها: ۱۶۵

جنگ ۲۲ روزه سال ۲۰۰۸

شهدای لبنان: ۱۳۰۰ نفر

کشته‌های صهیونیست‌ها: ۱۴

جنگ ۸ روزه سال ۲۰۰۹

شهدا: ۱۶۶ نفر

کشته‌های صهیونیست‌ها: ۱۴

عملیات بنیان مرصوص ۲۰۱۴

شهدا: ۲۲۵۱ نفر

کشته‌های صهیونیست‌ها: ۷۳

جنگ ۱۲ روزه ۲۰۲۱

شهدا: ۲۷۴ نفر

کشته‌های صهیونیست‌ها: ۱۳

عملیات طوفان الاقصی

شهدا: ۲۶۰۰ نفر

کشته‌های صهیونیست‌ها: ۱۵۰۰

مقاومت فلسطینی از جنوب لبنان ۱۹۸۲

شهدا: ۲۰۸۲۵ نفر

کشته‌های صهیونیست‌ها: ۱۲۱۶

مقاومت لبنان از ۱۹۸۴ تا ۲۰۰۰

شهدای حزب‌الله: ۱۲۷۶ نفر

کشته‌های صهیونیست‌ها: ۵۵۹

انتفاضه اول یا انقلاب سنگ ۱۹۹۷

شهدای حزب‌الله: ۳ هزار نفر

کشته‌های صهیونیست‌ها: ۱۶۰

کشتار روستای عین‌الزیتون ۱۹۴۸

شهدا: ۴۵۵

جنگ ۱۹۴۸

شهدا: ۱۰ هزار نفر

کشته‌های صهیونیست‌ها: ۶۳۷۳

درگیری طی سال‌های ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۵

شهدا: ۵ هزار نفر

کشته‌های صهیونیست‌ها: ۹۶۷

بحران سوئز ۱۹۵۶-۱۹۶۳

شهدا: ۳ هزار نفر

کشته‌های صهیونیست‌ها: ۲۳۱

شکست حزیران (جنگ شش روزه) ۱۹۶۷

شهدای مصری: ۱۰ هزار نفر

شهدای اردنی: ۶ هزار نفر

شهدای سوری: ۱ هزار نفر

شهدای فلسطینی: ۱۸۳۰۰

کشته‌های صهیونیست‌ها: ۷۷۶ نفر

جنگ‌های فرسایشی تا ۱۹۷۰

شهدای مصر: ۵ هزار نفر

کشته‌های صهیونیست‌ها: ۱۴۲۴

غافلگیری صهیونیست‌ها در جشن ۱۹۷۳

شهدا: ۱۹ هزار نفر

کشته‌های صهیونیست‌ها: ۲۶۸۸

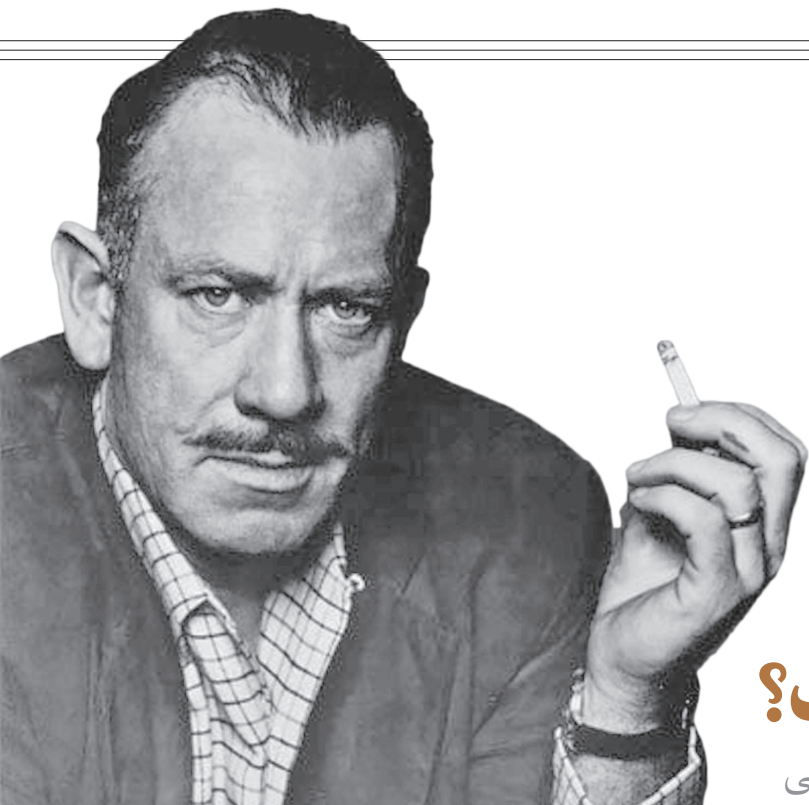


نگاهی به آمار طولانی‌ترین دفاع خونین

جنگ میراث‌داران طالبوت و جالوت

نزدیک به ۸۰ سال است که جنگ شرف در فلک سلیمان جاریست. شش‌پن انسی نما، با ادعای بازسازی معبد سلیمان دست به کشتار صاحبان سرزمین می‌زند و مردم محاصره شده و بدون سلاح‌های پیشرفته، در مقابل مدرن‌ترین تسلیحات همچنان مقاومت می‌کنند. دلیرانه جنگیدند و مومنانه شهید داده‌اند. آمار شهدا و تلفات دشمن در این طولانی‌ترین دفاع خونین، خود گویای حکایت‌های مگوست.

صادق رخ‌فرد



کتاب

آیا ماه همیشه پنهان است؟ مقاومت علیه نازی‌ها به روایت یک امریکایی



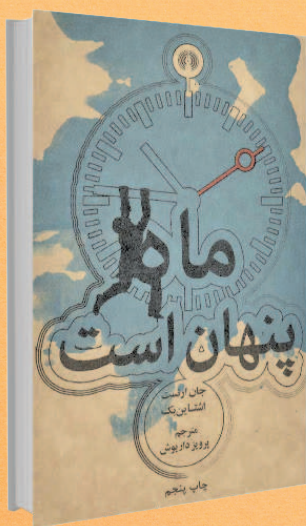
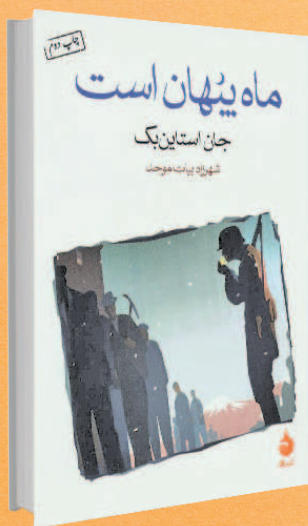
من از بشر ناامیدم
شمارانمی دانم

محمدعلی یزدانیار
دبیر گروه کتاب

Mohammadaliyazzdanyar@gmail.com



انام قاسمی
خبرنگار



جان ارنست اشتاین بک که در ایران با نام جان اشتاین بک نیز شناخته می شود، نویسنده ای امریکایی است که در ۲۷ فوریه سال ۱۹۰۲ در کالیفرنیا متولد شده و در ۲۰ دسامبر ۱۹۶۸ به علت بیماری قلبی چشم از جهان فرو بست. اشتاین بک در آثار خود همواره به مشکلات اجتماعی و واکنش نشان می داد و اغلب از زبان شوخی و طنز برای پرداختن به این مسائل استفاده می کرد. جان شیفته ادبیات رئالیست بود؛ به طوری که دوری از احساسات و تأکید بر روزمرگی‌ها به خوبی در آثار او نمایان هستند. او در کتاب‌های خود دنیایی را به تصویر می کشید که تحت سلطه انسان نبود. در واقع او جبر تحمیلی زمانه، سرنوشت سخت انسان‌ها و احساسات واقعی آنها را به رشته تحریر درمی آورد و به تأثیر وراثت و محیط در تصمیم‌گیری اشاره داشت.

این نویسنده در طول زندگی خود ۳۳ کتاب به رشته تحریر درآورده است. یکی از دلایل جذابیت آثار جان اشتاین بک در دنیای امروز، پرداختن به ناهنجاری‌های بشری از جمله تغییرات زیست محیطی است. به همین خاطر بسیاری معتقدند که کتاب‌های این نویسنده فراتر از عصر و زمان او هستند و جاودانگی خاصی دارند. وقایع داستان‌های او اغلب در جنوب و مرکز کالیفرنیا می‌گذرد و قهرمانان داستان هایش آدم‌هایی معمولی هستند که با خشونت تقدیری عدالتی دست درگیر می‌باشند. «ماه پنهان است» یکی از کتاب‌های ارزشمند جان اشتاین بک است که در مورد افزایش فاشیسم در اروپا هشدار می‌دهد. اثر درباره مقاومت مردم شهری که به اشغال ارتشی اشغالگر درآمده است. این کتاب در سال ۱۹۴۲ و در میانه جنگ جهانی دوم

نویسنده و منتشر شد و با آنکه در آن اسمی از کشورهای اشغالگر و تحت اشغال برده نمی‌شود اما روشن است که منظور اشتاین بک حمله آلمان نازی به اروپا بوده است. در واقع او در زمان کوتاه خود به توصیف نیروی در دوران اشغال نازی‌ها پرداخته است. محوریت این رمان بر اساس گفت‌وگوهای میان افراد است و در آن اثرات جنگ به خوبی در هر دو سمت دیده می‌شود. در این رمان سربازانی را می‌بینیم که پیروز میدان هستند و از اینکه به راحتی کنترل شهر را در اختیار گرفته‌اند، خوشحال‌اند. از آرام بودن مردم راضی هستند و با شنیدن خبرهای خوب، فکری نمی‌کنند که جنگ به زودی پایان می‌یابد و آنها می‌توانند به آغوش خانواده خود برگردند. اما واقعیت چیز دیگری است. در مقابل مردمی را داریم که تند خو

بودن را بلد نیستند و از شیوه جنگیدن و مقاومت و نافرمانی چیزی نمی‌دانند. همچنین سال‌ها در صلح و آرامش زندگی کرده‌اند. اما وقتی آزادی را از آنان می‌گیرند، همین مردم به سرعت تغییر می‌کنند و تک‌نکشان حاضرند که جان خود را در راه آزادی فدا کنند. در واقع نویسنده با مهارت بسیارش در توصیف جزئیات توانسته شخصیت‌ها و

نقش‌های مهم داستان‌ها را زیر ذره بین برده و افکار و احساساتشان پیرو جنگ را شرح دهد. مهم‌ترین پیام کتاب این است که مردم آزاد و افرادی که معنای آزادی را درک کرده و مزه آن را چشیده‌اند، به هیچ طریقی تن به بردگی نمی‌دهند. چاپ این رمان در سال‌های ابتدایی ممنوع بوده است و در زمان جنگ جهانی دوم یکی از پخواننده‌ترین کتاب‌های زیرزمینی اروپا محسوب می‌شد که هزاران نسخه از آن به شکل مخفیانه در فرانسه، آلمان، نروژ، هلند و ... منتشر و بلافاصله به یکی از نمادهای ادبیات مقاومت تبدیل شد و به شدت در روحیه مردم تأثیر گذاشت و در ذهنشان جای گرفت.

مهم‌ترین پیام کتاب این است که مردم آزاد و افرادی که معنای آزادی را درک کرده و مزه آن را چشیده‌اند، به هیچ طریقی تن به بردگی نمی‌دهند



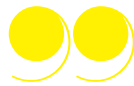
«ماه پنهان است» یکی از کتاب‌های ارزشمند جان اشتاین بک است که در مورد افزایش فاشیسم در اروپا هشدار می‌دهد. اثر درباره مقاومت مردم شهری که به اشغال ارتشی اشغالگر درآمده است



اگر کسانی هستند که صادقانه احساس می‌کنند صلح به هر قیمتی - حتی با یک رژیم وحشی آپارتاید و به قیمت محو خانه و وطن افراد از روی زمین - بهتر از جنگ است، پس وای به حال انسان!



پرویز داریوش گنجینه واژگانی خیلی غنی ای داشت؛ این را با خواندن هریک از کتاب هایش می شود فهمید. دقت و ظرافت زیادی که به خرج می داد تا ترجمه اش بهترین باشد کاملاً در آثارش مشهود است



۱۵ سال انتظار برای نهنگ سفید

پرویز داریوش یکی از مترجم‌هایی است که در طول زندگی خودش علاقه به صحبت درباره خودش و سبک و سیاق کارش نداشت. اما به طور جدی تمام وقتش را صرف ادبیات کرده بود. به عنوان شاعر زبان شعری ای که داشت بعدها روی شاملو تأثیر گذاشت. همزمان با آغاز فعالیتش به عنوان مترجم در گمرک شروع به ترجمه ادبیات داستانی و البته غیرداستانی کرد. داریوش در انتخاب کتاب هایش دقت زیادی به خرج می داد و معتقد بود به عنوان مترجم بهتر است به زبان نویسنده وفادار بماند. همین موضوع باعث شده بعضی از کتاب‌های ترجمه شده اش ساختاری غیرفارسی داشته باشند. ترجمه داریوش از کتاب‌های «خانم دالووی» و «خیزاب‌ها» باعث شد ویرجینیا وولف به مخاطب ایرانی معرفی شود و مورد استقبال قرار بگیرد.

کدام ترجمه، این بار قمست دوم!

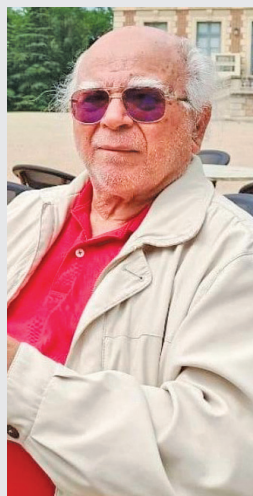
فاطمه منصوری نصرآباد
مترجم

کتاب‌های کدام مترجم را در سبد خریدم بگذارم؟

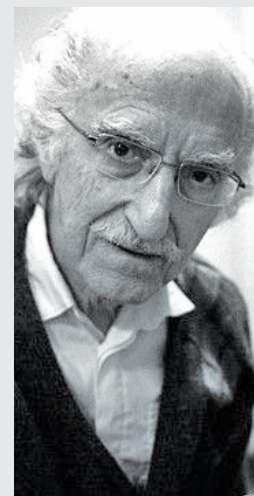
خیلی روان و جدید می گردند. اما به هر حال شاید آشنا شدن با مترجمی مثل پرویز داریوش کمی ذهنشان را قلقلک دهد تا سراغ نثر و ترجمه‌های او بروند.

که کتابخوان‌ها بخصوص کسانی که تازه کتاب خواندن را شروع کرده‌اند، روانی متن کتاب است. تجربه نشان داده خیلی از این افراد فقط به دنبال کتاب‌هایی با ترجمه

بخش دوم معرفی مترجم‌های مطرح و خوب ایرانی را قرار است درباره سه نفر بنویسم، پرویز داریوش، ابوالحسن نجفی و سروش حبیبی. به نظر من یکی از مواردی



سروش حبیبی



ابوالحسن نجفی



پرویز داریوش

مجموعه «خانواده تیبو»! نجفی در «خانواده تیبو» تمام تلاشش را کرده تا فضای فکری هر شخصیت را بفهمد، دنبال ظرفیت‌های زبان فارسی باشد و بهترین ترجمه‌ای که می شده را به ما تحویل بدهد. خلاصه کلام اینکه بگردید و کتاب‌های ابوالحسن نجفی را

رومن گاری و آلبر کامو برای ترجمه انتخاب کند. البته که این ترجمه‌ها آن قدر خوب، درست و حرفه‌ای و روان از آب درآمده‌اند که خواننده از خواندن آن لذت کافی می برد. اما می دانید یکی از جدی ترین و مهم ترین کتاب‌هایی که توسط نجفی ترجمه شده چیست؟

باعث شد نجفی آثار خوب فرانسوی را بشناسد و دست به ترجمه آنها بزند. نجفی با ترجمه‌های روانی که از آثار ژان پل سارتر ارائه کرد او را به جامعه ادبی ایرانی معرفی کرد. نجفی در طول حیات خود سعی کرد کتاب‌های مهمی از نویسندگان فرانسوی مثل ژیل پرو، تیری مونی،

مترجمی که دیگر تکرار نمی شود

ابوالحسن نجفی مترجمی است ماندگار! کسی که ادبیات را جدی می گرفت. اثری انتخاب می کرد که ارزش داشته باشد، وقت می گذاشت و سعی می کرد شخصیت‌ها را بفهمد، زبان نویسنده را بفهمد، سبک او را پیدا کند، دانش زبانی فارسی اش را وارد عمل کند تا نتیجه نهایی کتابی ماندگار باشد. نجفی در دانشگاه رشته زبان فرانسه خواند و بعد از فارغ التحصیلی به عنوان مترجم، زبان شناس و نویسنده و ویراستار حرفه خود را آغاز کرد. همین خواندن زبان فرانسه



ابوالحسن نجفی مترجمی است ماندگار! کسی که ادبیات را جدی می گرفت. اثری انتخاب می کرد که ارزش داشته باشد، وقت می گذاشت و سعی می کرد شخصیت‌ها را بفهمد، زبان نویسنده را بفهمد، سبک او را پیدا کند، دانش زبانی فارسی اش را وارد عمل کند تا نتیجه نهایی کتابی ماندگار باشد

پیدا کنید، بخرید تا ببینید ترجمه روان یعنی چه!

دریچه‌ای برای آشنایی با ادبیات جهان

سروش حبیبی یکی دیگر از مترجم‌های هم عصر نجفی و داریوش است. از چهار زبان به فارسی ترجمه می کرد، آلمانی، روسی، فرانسوی و انگلیسی. در این تقریباً چهل سالی که فعالیت ادبی خودش را شروع کرده با ترجمه اش از کتاب «بیابان تانارها» مهم ترین اثر دینو بوتزاتی، مخاطب ایرانی را با ادبیات ایتالیا آشنا کرد. دو کتاب «سگ سفید» و «خدا حافظ گاری کوپر» رومن گاری و کتاب‌های امیل زولا را که آثار مهمی از ادبیات فرانسه بود ترجمه کرد. ترجمه‌های حبیبی از نویسندگان روس مورد توجه خوانندگان ادبیات روسیه قرار گرفت.

در ادبیات روسیه یکی از ترجمه‌های خوب «آنا کارنینا» لئو تولستوی است. حبیبی بعد از آموختن زبان روسی ترجمه‌ای از «مرگ ایوان ایلیچ» تولستوی منتشر کرد که سروصدای زیادی به پا کرد. حبیبی این کتاب را مستقیماً از روسی به فارسی برگردانده است. سروش حبیبی به متن اصلی وفادار بوده و به خوبی با اصطلاح‌های روسی و تلفظ کلمه‌ها آشنا بوده است. بابت این وفاداری و تسلط متن خروجی ترجمه بسیار روان و خوب از آب درآمده است.

در واقع سروش حبیبی به خاطر تسلطش به زبان‌های مختلف و علاقه اش به مطالعه فرهنگ و ادبیات کشورهای مختلف به خوبی مقصود نویسنده را می فهمد. تلاشش برای روان و فصیح بودن متن فارسی و وقتی که برای هر ترجمه می گذارد باعث شده کتاب هایش مورد توجه خوانندگان ایرانی و البته منتقدان قرار بگیرد. گفتم حبیبی ادبیات جهان را به خواننده ایرانی معرفی کرد، کتاب «ارباب‌ها» اثر ماریو آرتورا نویسنده مکزیکی است، «انفجار در کلیسای جامع» از آلو کارپانتیه نویسنده کوبا است. الیاس کانتی هم یکی از نویسندگان بلغاری- بریتانیایی است که حبیبی کتاب «کیفر آتش» (برج بابل) او را ترجمه کرد. نثر اصلی کتاب کمی سخت و پیچیده است که حبیبی توانسته به زیبایی از پس آن بربیاید و باز هم ترجمه روان دیگری برای ما منتشر کند. هر سه این مترجم‌ها از نسلی بودند که برای معرفی کردن ادبیات جهان بخصوص ادبیات فرانسه، روس، آلمان و ایتالیا سهم زیادی داشتند. نسلی که هم کارهایشان تنوع داشت و هم روان و دقیق بود.



سروش حبیبی به خاطر تسلطش به زبان‌های مختلف و علاقه اش به مطالعه فرهنگ و ادبیات کشورهای مختلف به خوبی مقصود نویسنده را می فهمد. تلاشش برای روان و فصیح بودن متن فارسی و وقتی که برای هر ترجمه می گذارد باعث شده کتاب هایش مورد توجه خوانندگان ایرانی و البته منتقدان قرار بگیرد



هیتلر

قدم زدن در عمارت

اینجا همه چیز یک راز است!

فاطمه منفرد
خبرنگار



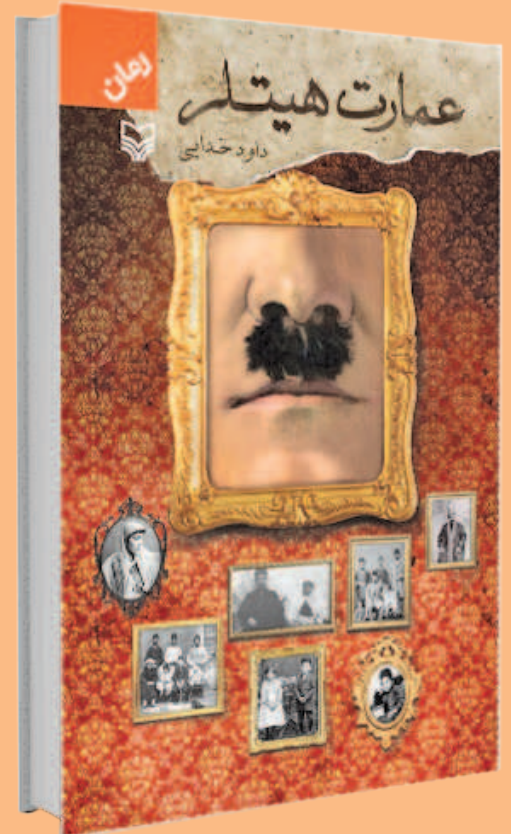
آبی که پررنگ ترین نقش را در این رمان ایفا می کنند و شاید یکی از انتزاعی ترین شخصیت هایی هستند که یک رمان ایرانی به خود دیده است. داوود خدایی در کتاب عمارت هیتلر شخصیت پردازی قوی و جذابی را ترتیب داده و تقریباً هیچ بخشی از کتاب نخواهد بود که شما را به ملال برساند. گره ایجاد شده در ابتدای داستان آنقدر جذابیت دارد که کتاب را زمین نمی گذارید تا معما را حل کنید.

هنر دیگر نویسنده وصل کردن زمان های مختلف به یکدیگر است. داستان سیر مشخصی در بعد زمان ندارد و شما به طور سیال گونه ای در زمان سفر می کنید اما هرگز خط اصلی داستان را گم نخواهید کرد. توصیفات دقیق و گاهی مفصل از وقایع، چیزی است که اغلب با آن روبه رو می شوید. جزئیات اتفاقات آنچنان متبحرانه توصیف می شود که گاهی احساس می کنید در حال تماشای یک فیلم سینمایی با صحنه پردازی های جذاب و چیدمان دقیق هستید. این قدرت قلم داوود خدایی است که در کلماتش به خوبی به رنگ ها و احساسات و اشیا جان می بخشد.

فارغ از تمام ویژگی های جذاب این رمان، حتماً

پرواز جنگنده های روسی بر فراز آسمان تبریز، پخش اطلاعاتی علیه آلمانی ها و التهاب و احساس ناامنی حاکم بر جامعه در سال ۱۳۲۰، شاید بخش کمتر گفته شده ای از تاریخ ایران است. سال هایی که مردم سردرگم بین نظامیان روسی و نفوذی های آلمانی قوه تشخیص خود را از دست داده بودند و قطار زندگی عادی از ریل خارج شده بود. در این کتاب بر خلاف انتظار، نه یک مورخ، بلکه یکی از خود مردم، آن روزها را روایت کرده است؛ فردی که روایتگر سه نسل است با تمام فراز و نشیب هایش. راوی زندگی خودش در زمان حال، راوی دوران زندگی پدر و مادرش که در سال های انقلاب اسلامی ماجراهای عجیبی را پشت سر گذاشته اند و راوی وقایع و اتفاقات زندگی پدر بزرگ و مادر بزرگش که در زمان قاجار می زیسته اند، اما ماجرا پیچیده تر از این حرف ها است.

موقعیت های مکانی متفاوت با یک خط داستانی ثابت، مشخصه ای است که بیش از هر چیز دیگر کتاب عمارت هیتلر را شبیه یک فیلمنامه کرده است. یک سؤال از صفحه اول و بند اول کتاب در ذهن شما شکل می گیرد، آن هم اینکه: «یک جفت چشم آبی متعلق به کیست؟!» چشمان



فارغ از تمام

ویژگی های جذاب این رمان، حتماً باید به پایان بندی شگفت انگیز آن اشاره کرد. غافلگیری های پی در پی و رمزگشایی هایی که در زمان درستی شکل می گیرند، همزمان با اینکه گره های ذهنی مخاطب را باز می کنند او را در بهت فرو می برند. نویسنده حتی در صفحات پایانی کتاب هم دست از تلفیق زمانی بر نمی دارد و تمام پرونده هایی را که از هر سه زمان در ذهن مخاطب باز کرده بوده به شکل هنرمندانه ای می بندد. اگر حل معماهای تودرتو و سفر در تاریخ را دوست داشته باشید قطعاً این رمان پیشنهاد خوبی خواهد بود.

باید به پایان بندی شگفت انگیز آن اشاره کرد. غافلگیری های پی در پی و رمزگشایی هایی که در زمان درستی شکل می گیرند، همزمان با اینکه گره های ذهنی مخاطب را باز می کنند او را در بهت فرو می برند. نویسنده حتی در صفحات پایانی کتاب هم دست از تلفیق زمانی بر نمی دارد و تمام پرونده هایی را که از هر سه زمان در ذهن مخاطب باز کرده بوده به شکل هنرمندانه ای می بندد. اگر حل معماهای تودرتو و سفر در تاریخ را دوست داشته باشید قطعاً این رمان پیشنهاد خوبی خواهد بود.

همه مرغ های مقلد

معصومیت در مقابل بی عدالتی

مریم رحیمی پور
آموزگار



نزدیک تر بود. ماجرای داستان از زبان یک دختر کوچک به نام اسکات، روایت می شود که در طول قصه ۶ تا ۸ ساله است. همین زاویه دید سبب می شود که چنین داستانی برای نوجوانان ساده و دل چسب باشد. اما اصل ماجرا عمیق تر از این است؛ پدر اسکات به عنوان وکیل منطقه، قرار است از یک سیاه پوست در دادگاه دفاع کند و در پس یک داستان به ظاهر ساده مفاهیم پیچیده ای بیان می شود. معصومیت در مقابل بی عدالتی و نژادپرستی. اسم کتاب هم تلمیح لطیفی به یک بخش از صحبت های پدر اسکات دارد، جایی که او پس از خریدن تفنگ بادی برای فرزندانش، از آنها می خواهد که به مرغ های مقلد شلیک نکنند، چون مرغ مقلد گناهی ندارد.

کشتن مرغ مقلد هم لطافت و بامرگی یک کتاب نوجوان را دارد، هم مانند یک کتاب بزرگسال بخشی از مسائل اجتماعی را به تصویر می کشد به همین خاطر است که دلم می خواهد در یک حلقه کتابخوانی با بچه ها در مورد آن بحث کنم، در مورد اینکه روایت یک مسأله پیچیده اجتماعی از زاویه دید یک کودک چقدر متفاوت و جذاب است. پرداختن داستان به موضوعاتی مانند تجاوز و... سبب می شود که حداقل در ذهن من رده بندی بالای پانزده سال داشته باشد و احتمالاً برای بالای پانزده ساله ها کتابی به یاد ماندنی خواهد بود.

نمی دانم دقیقاً چه شد که کتاب «مرغ مقلد» از نشر افق را خواندم. داستان این کتاب در مورد دختری است که سندروم آسپرگر دارد و برادرش در یک تیراندازی گروهی در مدرسه کشته شده و به ماجرای این دختر، فقدان برادرش و درگیری های پدرش می پردازد و روند به نسبت جالبی دارد. اما چرا این کتاب در خاطر من مانده است؟ شاید به این خاطر که در سرتاسر آن به فیلم «کشتن مرغ مقلد» اشاره می شود. فیلمی که مورد علاقه دخترک داستان و برادرش پیش از مرگ بوده است. به نظر داستان معروفی می آید اما در آن زمان من نه فیلم را دیدم، نه کتابش را خواندم. از آن روز به بعد همیشه پس ذهن تصمیم خواندن کتاب «کشتن مرغ مقلد» وجود دارد. این تصمیم بعد از اینکه نام کتاب را در لیست «بهترین پدرهای قصه ها» می بینم، تصدیق می شود. تا همین روزها که بالاخره عملی اش می کنم. حقیقت این است که اصل کتاب «کشتن مرغ مقلد» نوشته هارپر لی، از کتاب نوجوان «مرغ مقلد» اثر کاترین ارسکین، هزاران پله بالاتر است اما شباهت نام هایشان باعث می شود که اغلب کسانی که با کتاب نوجوان سروکار دارند آن دورا یکی تصور کنند. پیش از مطالعه «کشتن مرغ مقلد» تصور می کردم که با یک داستان بزرگسال و تا حدی سنگین مواجه خواهم شد اما آنچه خواندم به یک کتاب نوجوان



حقیقت این است که اصل کتاب «کشتن مرغ مقلد» نوشته هارپر لی، از کتاب نوجوان «مرغ مقلد» اثر کاترین ارسکین، هزاران پله بالاتر است اما شباهت نام هایشان باعث می شود که اغلب کسانی که با کتاب نوجوان سروکار دارند آن دورا یکی تصور کنند





معماهایی برای زندگی راز جزیره

آوا افتخار، پایه هفتم



«اسم من هالی ترزا کنت است. تا به حال در عمرم کتابی نوشته‌ام که تعجبی هم ندارد، چون فقط سیزده سال دارم، اما اصلاً نگران نباشید، کتاب زیاد خواندم و خوب می‌دانم که اول از همه باید شخصیت‌ها را معرفی کنم. فرض کنید می‌خواهم کتابم را مثل داستان‌های شرلوک هولمز شروع کنم. در کتاب‌های شرلوک داستان این طوری شروع می‌شود که چند نفر در خانه‌اش را می‌زنند و هولمز با یک نگاه به آنها همه چیز را حدس می‌زند. با ورنند از دختر حدس می‌زند که چپ‌دست است و شغلش خیاطی است و فلوت هم می‌زند... راستش را بخواهید من هم خیلی سعی کردم این کار را روی دیگران امتحان کنم، اما حدس زدن در زندگی واقعی خیلی سخت‌تر از کتاب‌هاست...»

همیشه گنج‌ها در اوج ناامیدی پیدا می‌شوند یا مکان آن وقتی فاش می‌شود که همه از پیدا کردن یک دلخوشی کوچک ناامید شده‌اند. سخن حالا و متن امروز من درباره همین تجربه‌هاست. کتاب جزیره خودمان، به قلم سالی نیکولز و ترجمه الهه مرادی و میلاد بابائزاد، داستان دختری نوجوان را روایت می‌کند که بعد از فوت والدینش، با برادران خود زندگی می‌کند. برادر بزرگ او حالا سرپرست دو نفر است اما این خانواده کوچک از پس مخارج زندگی بر نمی‌آید. خاله پولدار آنها بعد از فوتش کمی جواهر برای این خانواده به ارث گذاشته که فقط در صورت حل معما خاله

آیرین قابل دسترسی هستند. کتاب قلم زیبایی دارد، جملات کلمه به کلمه به واضح ترجمه شده بودند و منظور نویسنده را به خوبی منتقل می‌کردند و می‌رساندند ولی اسم کتاب فاجعه است. شاید در طی ترجمه چنین بلایی سر اسم آمده اما نام کتاب اصلاً به داستان مربوط نیست و در سرتاسر قصه فقط یک بار به آن اشاره شده است. به نظرم نام‌های دیگری مثل «راز جزیره» پیشنهاد بهتری به جای نام فعلی کتاب یعنی «جزیره خودمان» است.

توصیف شخصیت در طول داستان جذاب بود و من کاملاً احساسات آنها را درک می‌کردم ولی درباره ظاهر، باید گفت ظاهر شخصیت‌ها کم و نامفهوم توصیف شده است. آن قدر که من حالا دو چهره برای هالی در ذهنم دارم. نوع نوشتن گفت‌وگوها چندبار باعث شد حرف‌های شخصیت‌ها را جابه‌جا بخوانم و مسأله را خیلی خوب درک نکنم ولی بعد خواندن دوباره و سه باره قیل فهم می‌شد.

ولی یک مشکل خیلی در داستان پررنگ بود و آن هم مشخص بودن سرنوشت قصه است؛ مثلاً کاملاً مشخص بود که گنج در آخرین مکان پیدا می‌شود یا اینکه شوهر خاله آیرین هم دست به کار خواهد شد. با وجود این مشکلات، حوادث ناگهانی را دوست داشتم مثل پیدا شدن شوهر خاله یا حتی قهر کردن گروه جست‌وجو و حتی لحن تند که جانانان در بعضی قسمت‌های داستان داشت.

در کل کتاب بسیار زیبایی بود و من بابت تمام شدنش ناراحت هم شدم و قطعاً روزی آن را مجدداً می‌خوانم.



همیشه گنج‌ها در اوج ناامیدی پیدا می‌شوند یا مکان آن وقتی فاش می‌شود که همه از پیدا کردن یک دلخوشی کوچک ناامید شده‌اند. سخن حالا و متن امروز من درباره همین تجربه‌هاست

روایت جنگ چهار نسل برای وطن فلسطین در زخم داوود



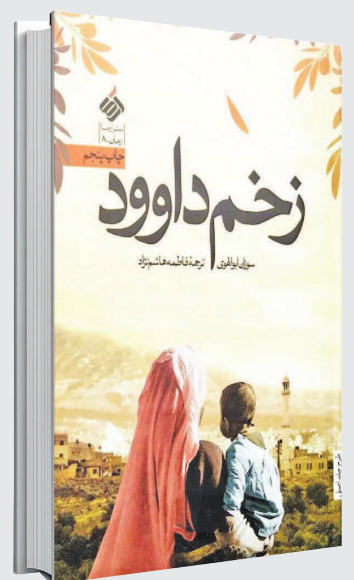
مهدیه جاهد
خبرنگار

است. جدای از پرداختن به مسأله اصلی فلسطین، مقاومت مردم، به جنگ از زاویه تغییر دادن آدم‌ها، حساس کردن انتخاب افراد و نکات ریز و کلیدی که جنگ بر خانواده و روابطشان می‌گذارد نیز پرداخته است. همچنین نگاهی ظریف به فرهنگ خانواده در فلسطین در برابر اجبار و زوری که صهیونیست‌ها برای برپایی خانواده روی تل خاکستر فلسطین برای خود دارند کرده است. داستان روایت زندگی دختری به نام امل است که از همان کودکی شاهد حملات وحشیانه ارتش صهیونیستی به سرزمینش است و خانواده‌اش را در همین مسیر از دست می‌دهد.

اما از جذابیت‌های بزرگ کتاب جذب مخاطب غیرایرانی و غیرفلسطینی است. زاویه روایت داستانی نه متعصبانه و نه اغراق‌آمیز است. ابوالهوی با تیزهوشی و همچنین تجربه زندگی در بین مردم امریکا امل را طوری شخصیت پردازی کرده است که هیچ یک از ویژگی‌های حساسیت برانگیز کشورهای غربی و اروپایی را نسبت به مسأله فلسطین و یهود ندارد؛ بلکه با ذکاوت تمام داستان را طوری پیش می‌برد که مسأله فلسطین برای ملتی غیر از خاورمیانه خواندنی جذاب و تأثیرگذار باشد.

نقطه عطف داستان تقابل و رویارویی افراد یک خانواده با هم است. آنجا که دو برادر امل نقش پررنگی در مقاومت مردم فلسطین دارند و در حال جنگ با اسرائیل هستند و از طرفی برادر دیگرشان به ارتش اسرائیل می‌پیوندد. همسری یهودی اختیار می‌کند و امل که بازمانده و شکنجه شده جنگ اسرائیل است با برادر خود روبه‌رو می‌شود. در نهایت آن طور که از این تقابل می‌توان فهمید ابوالهوی قصد داشته با قراردادن خانواده و زندگی امل به عنوان نماد فلسطینیان و جامعه عرب، در کنار جنایت‌های صهیونیست‌ها بخشی از نقدهای خودش را نیز به اعراب مطرح کند.

سوزان ابوالهوی نویسنده فلسطینی الاصل ساکن امریکاست. او که فعال اجتماعی و نویسنده فلسطینی است، با تجربه‌ای که از جنگ داشته، رمان زخم داوود را نوشته و به این بهانه، مسائل اجتماعی و انسانی را به تصویر کشیده است. فاطمه هاشم‌نژاد این رمان را در ایران به فارسی ترجمه و توسط نشر آرم منتشر کرده است. ابوالهوی در رمان زخم داوود مردمش را به تصویر کشیده است. روایت نسل در نسل خونین در جنگ فلسطین. جنگی که جدای از علت آن، ماهیتش شکست و آوارگی و نابودی است. ابوالهوی رمان را با مضمون مقاومت مردم فلسطین نوشته است و در ادامه به روند زندگی چهار نسل در جنگی نابرابر و سلطه‌گرانه پرداخته، به عشق، ایمان و غرور مردم فلسطین. کتاب زخم داوود که در سال ۲۰۰۶ در امریکا منتشر شده تاکنون به ۲۶ زبان زنده دنیا ترجمه شده است. این کتاب در فرانسه با نام صبحگاهان در جنین منتشر و تبدیل به پرفروش‌ترین رمان سال شد. ابوالهوی با شخصیت اصلی داستان یعنی امل به جنگ فلسطین از زاویه‌ای جدید پرداخته



ابوالهوی رمان را با مضمون مقاومت مردم فلسطین نوشته و در ادامه به روند زندگی چهار نسل در جنگی نابرابر و سلطه‌گرانه پرداخته است

زندگی

گفت و گویی با چند کوهنورد به بهانه روز کوهنوردی

کوه آغوش پدران



ادموند هیلاری
اولین فاتح
قله اورست،
بعد از یک
تلاش ناموفق
برای فتح قله،
جلوی اورست
با آن عظمتش
ایستاده و گفته
که من دوباره
برمی گردم چون
تو به عنوان یک
کوه نمی توانی
رشد کنی، اما
من به عنوان یک
انسان چرا...

سمیه ملاتبار
نویسنده



انگار ما جنگل‌ها را بیشتر از کوه‌های شناسیم و به همین علت از آسیب دیدن جنگل‌ها بیشتر از آسیب دیدن کوه‌ها نگران می‌بریم. انگار کوه‌ها مانند بچه‌های گوشه‌گیر در طبیعت نشسته‌اند و اگر مریض هم باشند کمتر کسی متوجه می‌شود و حالشان را نمی‌پرسد. امیدوارم حال کوهستان همیشه خوب باشد.

روز کوهنوردی مبارک برای همه کوهنوردانی که با طبیعت مهربان هستند و قدر آن را می‌دانند. ما هم با چند زن و مرد کوهنورد صحبتی داشتیم که از تجربه‌های لذتبخش و سخت کوهنوردی‌شان بشنویم، یکسری از تجربه‌هایشان چنان عجیب بود که خشکت می‌زد. چقدر خوب که این تصاویر و حرف‌های زیبا از چشم ما پنهان نمانده. به این امید که همیشه در اوج بمانند و بدرخشند.

بیشتر از ۶۰ سال سن دارد و از آخرین کوهنوردی‌اش در ماه گذشته گفت، از بام شرقی مازندران؛ فیلبند: «کوهنوردی در تابستان فیلبند خیلی لذتبخش است. فقط کافی است که بهترین مسیر کوهپیمایی را پیدا کرد تا از دریای ابر فیلبند که در بیشتر روزهای سال وجود دارد، لذت برد. تماشای حرکت ابرها و احاطه شدن در توده‌های ابر، طلوع و غروب زیبای خورشید، لحظاتی به

یادماندنی برای تیم کوهنوردی خلق می‌کند. به قول آیت‌الله نوری همدانی، «من هم حاضر در کوهنوردی با جوانان مسابقه‌دهم. واقعاً نشاطی که از کوهنوردی می‌گیرم، نشاط یک جوان سی‌ساله است، به اندازه‌ای که دوست داشتم هیچ وقت از کوه برنگردم.

زندگی هم مانند بالا رفتن از کوه است. سختی از آنجایی شروع می‌شود که به مسائل زندگی، مشکل گفتند و دورمان پر شد از مشکل. در حالی که اینها فقط مسائلی بودند که باید حل می‌شدند. حل کردن مسأله، انرژی مثبت می‌دهد ولی پشت سر گذاشتن مشکل، انرژی می‌گیرد. دقیقاً اینجاست که یاد می‌گیری استراتژی بچینی و مثل کوه پشت هم‌دیگر، پشت آدم‌ها، در پیایی. انگار از کوه نعمت‌هایی که جلو پایت ریخته شده، سنگریزه‌ای به دست گرفته باشی و بگویی خدایا این راز من قبول کن.»

من هنوز خیلی از ایران را نگفته‌ام اما هر قدر حافظه تصویری‌ام را مرور می‌کنم، به زیبایی کوه‌های بلوچستان تصویری ندارم. مجذوب جلوه‌های تک کوه‌ها و تک رشته‌های شده بودم که با ترکیب دشت، آفتاب و پهنه، قصه دیگری ساخته بودند. تا پیش از این سفرم، فکر می‌کردم بلوچستان بروهتی از بیابان‌های خشک و مرده خواهد بود که غم‌افزا است. این تفاوت جدی در تصویرهای پیشینی از منطقه و واقعیت آن از کجا آمده بود؟ به نظرم کار کتاب‌های جغرافیای مدرسه است؛ جمله‌ها و تصاویر ذهنی که از آب و هوا، فرهنگ و زیست‌بوم منطقه به من و نسل‌های بعدی داده بود.

نقل قولی از ادموند هیلاری اولین فاتح قله اورست که بعد از یک تلاش ناموفق برای فتح قله، جلوی اورست با آن عظمتش ایستاده و گفته که من دوباره برمی‌گردم چون تو به عنوان یک کوه نمی‌توانی رشد کنی، اما من به عنوان یک انسان چرا... این جمله انگار یک حلقه گمشده مهم در زندگی ما آدم‌هاست. ما اکثر مواقع یادمان می‌رود که خیلی از مشکلاتمان از چیزی که هستند، بدقلق‌تر نخواهند شد اما ذهن و جسم و روح و روان ما آدم‌ها به طرز شگفت‌انگیزی می‌توانند قوی و قوی‌تر بشود. پس باید نوری چشم مشکلات زلزله زد و گفت: من برمی‌گردم، موقتاً خدا حافظ.

وضعیت آب و هوا را چک می‌کنی برای کوهنوردی فردا، غافل از اینکه کوه با چه داستانی در انتظار است. گاهی سامانه بارشی را برایت خبر می‌کند اما در بیخ از یک قطره، در بیخ از یک

کف دست ابر، پاک پاک، غافل از اینکه طبیعت کوه قرار است به سحر خیزها چه جایزه‌ای بدهد. وقتی به بالاها می‌رسی، کیفیت همه چیزها طوری متفاوت می‌شود که به همه سختی‌هایش می‌ارزد. آخرهای مسیر دیگر پاها برای خودت نیست ولی می‌ارزد. حضور یکسری کوهنورد کاردرست هم کیفیت را خیلی بالاتر می‌برد. از لذتبخش‌ترین روزهای کوهنوردی برای من روزهای زمستان بود. حیف که پیامبر مادر حجاز گرم و خشک می‌عوث شده بود و گرنه الان مادر قرآن مان آیهای داشتیم شبیه و اذابرف باریدن می‌گیرد؛ آنقدر که لحظه شروع برف در کوه شگفت‌انگیز است.

به شخصه عاشق آن لحظه‌ای از قله سولدار هستم که آنقدر در کوه غرق شده بودیم که دیگر تهران دیده نمی‌شد؛ کمال انقطاع الی الکوه. با اینکه دیگر جانی نداشتم ولی جسمم را می‌کشیدم. راستش توجال و سولدار و اسپلیت و الوند و کلکچال و پلنگچال را شبیه خوراکی و شیرینی خامه‌ای و مارشمالو می‌بینم، دوستانم به شوخی می‌گویند که من از آن بیماری‌هایی دارم که در اشکال نامربوط، اشکال آشنا شناسایی می‌کنم. اما به نظرم حتی نماز خواندن در کوه هم بیشتر کیف می‌دهد.

مثلاً دقت کردید که آدم دوست دارد کارهایش را در دفتری یا صفحه‌ای ثبت و ضبط کند؟ غافل از اینکه به صورت پیش فرض این کار در درگاه باری تعالی دارد انجام می‌شود.

عاشق دره اوسون هم بودم که عشایر افغانستانی‌اش با جای کوهی پررنگ و پرعطر از ما پذیرایی کرده بودند. انگار همه درد مرگبار پاها را می‌گیرد. وقتی در مسیر به چشمه‌ای می‌رسی که هنوز کنارش پونه و آویشن مانده و چه عطری، همان جا که یک چرت پنج دقیقه‌ای می‌زنی و کلی سبک می‌شوی. کوه، محکم است اگر چه به ظاهر خشن است ولی تمام گل‌ها روی آن قرار گرفته‌اند و به نظرم هیچ چیز به اندازه یک کوه، شبیه پدر نیست.

راستش سختی‌ها باید حساب شده باشد. باید یک گام که برمی‌داری، خودت را تطبیق دهی، شرایط را بسنجی و بهترین حرکت بعدی را انتخاب کنی. آخر تابستان امسال بود که حس و حال عجیبی داشتم.

برای اولین بار بود که دنا را از نزدیک می‌دیدم. از هم می‌پرسیدیم، چه کسی اول به قله می‌رسد؟ احمد که جثه قوی‌تری داشت، جلوتر حرکت می‌کرد.

به آتشبار رسیده بودیم، به صخره‌ها و انگورهای

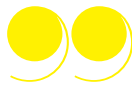
وحشی، بوته‌های کرفس وحشی و به رودخانه‌ای رسیده بودیم که به خود می‌پیچید. من شعر حافظ را زمزمه می‌کردم:

خیز تا بر کلک آن نقاش، جان افشان کنیم
این همه نقش عجب در گردش پرگار داشت
همه غرق در اعجاز طبیعت بودیم. هر چه شب دره کمتری می‌شد، سرعت ما هم بیشتر می‌شد. شب شده بود. سکوت، کوهستان را گرفته بود. پس از خوردن شام در گهواره کوهستان خوابیدیم. همه این لذت‌ها را می‌توانید بچشید؟ باعث می‌شد که هر بار از احمد بپرسیم، چرا ما بیشتر کوه نمی‌آییم؟ چرا هر هفته تکرارش نمی‌کنیم؟ راستش زندگی به سبک کوهنوردان، خروج از نقطه آسایش زندگی و دارای قابلیت تغییر است. وقتی یک کوهنورد می‌خواهد برای اولین بار از یک راه سخت صخره‌ای یا یخی عبور کند، هدفش مشخص است اما مسیر برایش کاملاً مشخص نیست. با وجودی که سعی می‌کند با مطالعه حرکت داشته باشد ولی مطمئناً در طول مسیر، بر حسب نیاز ناچار به تغییر می‌شود و اگر یک جایی متوجه شد که دارد اشتباه می‌رود، بهترین کار این است که توقف کند و شرایط را بسنجد و مسیر جدیدی را آزمایش کند. این طبیعت زندگی است.

خودم اولین دوره‌ای که در زندگی رفتم، دوره کوهپیمایی بود که اصلاً چطور کوهنوردی کنم و قدم بردارم و در سر بالایی و سر پایینی هادرست حرکت کنم و اصلاً قله کجاست. قبل از این دوره وقتی که کوه می‌رفتم، این اطلاعات را نداشتم. همینطوری عادی بالا می‌رفتم و بعدش هم پایین می‌آمدم و وسط‌ها برای خودم می‌دیدم و می‌رفتم. اما بعد از کلاس متوجه شدم که تنفس باید چطور باشد و کفش چقدر مهم است. به نظر من اولین کلید کوهنورد شدن عاشق بودن است. اگر تحمل سختی‌های مختلف مانند گرما و سرمای هوا و تشنگی را درآید، بعد از کسب توانایی‌های لازم، کوهنوردی می‌تواند ورزش خوبی برای شما باشد. من به دنبال آرامش بودم و خیلی تقریبی کوهنوردی را شروع کرده بودم اما کم‌کم نگاهم حرفه‌ای و جدی‌تر شد. آرامش کوه و طبیعت را هیچ کجا ندیده‌ام. خوشبختانه کوهنوردی از نظر سن و سال، سقفی ندارد. دیدن مردها و وزن‌های بزرگ‌تر در مسیر کوهنوردی الگوی خیلی خوبی است که هیچ وقت حس نکنیم زندگی برای ما تمام شده و منتظر پایان‌ش بمانیم.



او با فرایندهای کاری در محیط کار آشنا می شود و این امر از نوجوان، یک فرد توانمند در حل مسائل کاری می سازد که در بزرگسالی کمتر دچار خسران عاطفی در محیط های رسمی کار می شود



الهام اسماعیلی
نویسنده

مزایا و معایب کار داوطلبانه در نوجوانی

پله هایی کوتاه در نوجوانی، پیش از صخره نوردی بزرگسالانه

نرساند، محل کار را ترک نکرد و تا حدی مدیریت زمان را هم یاد گرفت که زمان استراحت را طولانی نکند و به آن کاری که باید تحویل دهد پایبند باشد.

مهارت ارتباطی همکار نوجوانم در مقایسه با روزهای اول حضورش در کتابخانه به مراتب بهتر شده بود. با افراد مختلف از جمله مدیر، کارمند، مراجعه کننده ها و کودکان ارتباط خوبی برقرار می کرد و راحت تر شده بود. تقویت مهارت ارتباطی در محیط کاری به او در گذر از نوجوانی به بزرگسالی کمک شایانی می کند و از اضطراب ورود به محیط های جدید می کاهد. او با فرایندهای کاری در محیط کار آشنا می شود و این امر از نوجوان، یک فرد توانمند در حل مسائل کاری می سازد که در بزرگسالی کمتر دچار خسران عاطفی در محیط های رسمی کار می شود. کار کردن به نوعی نوجوان را به استقلال جدیدی نائل می کند که تا پیش از آن تجربه نکرده است، خصوصاً اگر در قبال کار حقوق هم دریافت کند که خود را کاملاً مستقل از خانواده می بیند و علاوه بر نتایج مثبت و کمک به شکل گیری هویت و شخصیت نوجوان، ممکن است آسیب هایی نیز در برداشته باشد و او را به سمت صرف مواردی که بر خلاف عرف خانواده است سوق دهد، مانند خرید اقلام ممنوعه از لباس و وسایل غیر ضروری تا مواد مخدر و...

همکار نوجوانم تا حدی نسبت به شرایط کار دقیق شده بود که به این نکته فکری کرد، چه رشته ای را در دبیرستان انتخاب کند که او را به هدف شغلی اش برساند و صرفاً بر اساس علاقه اش نباشد. به طور کلی با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی جامعه خوب است که عادت به کار کردن را در همین سنین نوجوانی در آنها ایجاد و نقش والدگری را به صورت پهبادی و ناظرگونه در قبال آنها ایفا کنیم.

بیایند، به کتابخانه خبر دهند تا برایشان کار تعریف نکنم. کم کم تعدادشان زیاد شد و مجبور شدم روزها و ساعات ها را طوری تنظیم کنم تا با هم تداخل نداشته باشند، کارهای تلمبار شده و کتاب های ثبت نشده و مهر نخورده رو به اتمام بود. پس از انجام کارها، تعامل با اعضای کتابخانه (بازی کردن یا کتاب خواندن) یا معرفی کتاب به اعضای سردرگم را در پیش گرفتند. با جدیت کار می کردند و خودشان را به سایر اعضا به عنوان کمک کتابدار معرفی می کردند. ماجرا طوری پیش رفت که والدین بچه های کوچک تر از من می خواستند تا چند ساعتی فرزندشان در کتابخانه بماند و به کاری مشغول شود. حتی کودکی که سواد نداشت، می خواست کتاب ها را مرتب کند و خدا را شکر که برای او هم در کتابخانه کار هست و با استفاده از خال های رنگی گروه سنی، امکان مرتب کردن و کار کردن وجود دارد. انجام کار مفید در روز برای شان اهمیت داشت، انگاری کار، آنها را به جرگه بزرگسالان وارد می کند.

به کاری مشغول بودن، صرف نظر از اینکه چقدر برای شان مفید یا مورد علاقه باشد را دوست داشتند. نوعی برتری به سایر نوجوانان را در خود احساس می کردند و بروزی می دادند که «من هر روز میام سر کار به جای اینکه عمرم را پای تلویزیون و بازی تلف کنم. دارم یک کار مفید انجام می دهم.» والدین نیز به این روحیه فرزندانشان افتخار و از آنها در مقابل دیگران تعریف و تمجید می کردند.

جد از این موارد افتخار آمیز، کار کردن نوجوانان مزایایی دارد از جمله اینکه متوجه شدند کار کردن از آنچه فکری کردند سخت تر است و مسئولیت پذیری و تعهد در انجام کار را در آنها افزایش داد. همکار نوجوانم با اینکه ناهار نخورده بود و زمان رفتن رسیده بود اما تا کارش را تمام نکرد و به آن حد مشخص

اواسط تیرماه یکی از اعضای نوجوان کتابخانه درخواست کرد دو روز در هفته برای کمک و کار داوطلبانه به کتابخانه بیاید. با توجه به حجم بالای کار و مراجعه اعضا در تابستان، با خوشحالی قبول کردم و از او خواستم حتماً سر وقت و منظم در کتابخانه حضور داشته باشد.

قبول کرد و یکی، دو روز اول با چشمان خواب آلود و صبحانه نخورده اما بموقع می آمد. ابتدا شرح وظایف را برایش تعریف و تعیین کردم و مشغول کارهایم شدم. در انجام کارها دقت داشت و بسیار سؤال می پرسید تا کار را اشتباه انجام ندهد. مهر را در کدام قسمت کتاب بزنم؟ انتشارات را از کجا پیدا کنم؟ به چه دلیل لیبل را پشت کتاب می زنید؟ با این سؤال ها باعث شد من به بدیهی بودن کار برای خودم و انجام آنها از روی عادت توجه کنم، بیندیشم و بدانم که در آموزش به فردی دیگر تا چه اندازه ممکن است مراحل را به دلیل ساده یا بدیهی بودن جا انداخته یا فراموش کنم و این نکته ظریف، در نتیجه کار اختلال ایجاد کند.

حضورش غنیمی بود تا به من جزئیات کار در کتابخانه را یادآوری کند. بعد از دو هفته نوجوان های کلاس هفتمی و هشتمی که برای امانت کتاب می آمدند، با دیدن او و حضورش در میز امانت و کمک در کار سلف کتابخانه، هیجان زده می شدند و با نگاهی التماس گونه درخواست می کردند که ما هم در اینجا کار کنیم و کمک باشیم. حس داشتن شغل و کسب یک مهارت را به خوابیدن تا ظهر و گشت در شبکه های اجتماعی ترجیح می دادند.

برای من نظم و حضور بموقع مهم بود. در ابتدا از آنها خواستم روز و ساعت ثابت را به من اعلام کنند و اگر نتوانستند بموقع



به کاری مشغول بودن، صرف نظر از اینکه چقدر برای شان مفید یا مورد علاقه باشد را دوست داشتند. نوعی برتری به سایر نوجوانان را ایجاد می کرد تا متوجه شوند که کار کردن از آنچه فکر می کنند سخت تر است

و مسئولیت پذیری و تعهد در انجام کار در آنها افزایش پیدا می کند



اکنون پژوهشگران سازه کمال گرایی را چند بعدی در نظر می گیرند. سه بعد اصلی کمال گرایی عبارتند از: کمال گرایی خودمحور، دیگر محور و جامعه محور. علاوه بر این سه بعد، یکی دیگر از شاخص های سلامت که به تازگی در چهارچوب کمال گرایی معرفی شده است، کمال گرایی معنوی / مذهبی است

همه آنچه از کمال گرایی مثبت و منفی و انواعش باید بدانید

سیرتاپیاز کمال گرایی

فاطمه سلطانی
روانشناس

همه ما برای یک بار هم که شده واژه کمال گرایی به گوش مان خورده است. عده ای داشتن آن را جزو افتخارات شان به حساب می آورند و زدن برچسب کمال گرایی روی خود و یا فرزندان شان را عاملی در جهت رسیدن به موفقیت های تحصیلی، شغلی و... می دانند. آن روی دیگر سکه، هستند کسانی که کمال گرایی را آسیب زا و ممانعی برای حرکت سریع تر و روان تر در مسیر موفقیت تلقی می کنند و در پی درمان آن هستند. به راستی کمال گرایی چیست؟ آیا آسیب زا و بازدارنده است و یا فرد را به سمت کمال و موفقیت سوق می دهد؟

درواقع کمال گرایی عبارت است از وضع استانداردهای غیرمنطقی و سطح بالا و کمال گرایان به طرز وسواس گونه ای به سوی اهداف غیرقابل دسترس خود در تلاش هستند و ارزشمندی خود را منوط به درجه ای که از آن معیارها به دست می آورند، می کنند. تا سال ها کمال گرایی تک بعدی در نظر گرفته می شد تا اینکه در سال ۱۹۷۸ فردی به نام هماچک از نگاه منفی و تک بعدی به کمال گرایی فاصله گرفت و آن را به دو بعد کمال گرایی مثبت (بهنجار یا سازش یافته) و منفی (روان رنجور یا سازش نایافته) تقسیم کرد. از دید او هر دو گروه معیارهای متعالی برای عملکرد خود دارند. افرادی که کمال گرایی بهنجار دارند، انعطاف پذیر هستند و هرچند که معیارهایی که در نظر می گیرند به طور کامل محقق نشود، از تلاش هایی که برای دستیابی به هدف انجام می دهند احساس رضایت دارند. آنها می توانند موانع و محدودیت های محیطی و شخصی را بپذیرند. در عین حال که محیط را غیر تهدید کننده و نسبتاً حمایتگری ببینند. افرادی که کمال گرایی روان رنجور دارند، انعطاف پذیر نیستند و به همین دلیل از عملکرد خود راضی نیستند هرچند که از دید دیگران قابل ستایش باشد. آنها مدام احساس نگرانی شدید و ترس از شکست دارند. از این رو محیط را غیر حمایتگر و تهدید کننده ارزیابی می کنند. کمال گراهای روان رنجور در ارزیابی عملکرد خود منتقدانه عمل می کنند، در موقعیت های پیشرفت، درگیر عواطف منفی می شوند، برای خودشان حقی برای اشتباه کردن قائل نیستند و هنگام شکست، احساس نابسندگی می کنند. این تقسیم بندی دوگانه بعدها تغییر کرد و اکنون پژوهشگران سازه کمال گرایی را چند بعدی در نظر می گیرند. سه بعد اصلی کمال گرایی عبارتند از: کمال گرایی خودمحور، دیگر محور و جامعه محور.

کمال گرایی خودمحور:

افرادی که دارای این نوع کمال گرایی هستند، تمایل

کمال گرایی دیگر محور:

افراد دارای کمال گرایی دیگر محور به ارزیابی دیگران به صورت انتقادی و منفی می پردازند و انتظارات غیر واقع بینانه و افراطی از دیگران دارند. آنها نسبت به دیگران با خصومت و سرزنش رفتار می کنند و از آنها انتقاد می کنند. این افراد رقابت طلب، سلطه جو، کنترل کننده، بی تفاوت نسبت به نیازها و احساسات دیگران، خود محور، خشمگین و بدبین هستند. به عبارتی کمال گرایان دیگر محور، استانداردهای ایده آل و سطح بالا برای دیگران و به خصوص افراد مهم در زندگی شان وضع می کنند.

دارند تا معیارهای سخت گیرانه و غیر واقع بینانه ای برای خود تعیین کنند. آنها بر عیب ها و شکست های خود در عملکرد شان متمرکز می شوند و با دقت زیادی خود را مورد ارزیابی و نظارت قرار می دهند. در این بعد از کمال گرایی که یک مؤلفه انگیزشی است، فرد کوشش هایی انجام می دهد تا به خوبی شدن کامل برسد. هدف این افراد اجتناب از شکست است. کمال گرایی خود محور با بی حوصلگی، رقابت پذیری و حساسیت بالا به انتقاد و با ویژگی های مثبت از جمله اعتماد به نفس، مصمم بودن، سازماندهی، تفکر، پرورش دهنده، همدلی و تلاش همراه است.

کمال گرایی جامعه محور:

در بعد سوم با افرادی روبه رو هستیم که کمال گرایی جامعه محور دارند. آنها خود را ملزم به رعایت معیارها و برآورده کردن انتظارات تجویز شده از سوی افراد مهم می دانند تا از این طریق بتوانند تأیید آنها را کسب کنند. این افراد باورهای مبالغه آمیزی دارند مبنی بر اینکه دیگران از آنها انتظار کمال دارند، عملکرد آنها به شدت ارزیابی می شود و دیگران بر آنها فشار می آورند تا عملکرد بی عیب و نقصی داشته باشند. مشکلاتی که این افراد در روابط تجربه می کنند، ناشی از نگرانی زیاد از اشتباه کردن است. افراد دارای کمال گرایی جامعه محور در جستجوی تأیید دیگران هستند و ترس از شکست، عدم تأیید و طرد شدن دارند.

علاوه بر این سه بعد، یکی دیگر از شاخص های سلامت که به تازگی در چهارچوب کمال گرایی معرفی شده است، کمال گرایی معنوی /

مذهبی است. این نوع کمال گرایی ماهیتی مثبت، سالم، بهنجار و متعالی دارد. کمال گرایی معنوی / مذهبی یعنی میل و تلاش برای تحقق معیارهای متعالی معنوی / مذهبی فرد. در واقع افرادی که در زندگی به معنویت و مذهب توجه بیشتری نشان می دهند، از نظر همدلی، مسئولیت پذیری و درک، انعطاف پذیری بیشتری از خود نشان می دهند، از سلامت روانی بیشتری برخوردارند و به همین دلیل در روابط و تعاملات موفق تر عمل می کنند. این افراد ثبات و رضایت بیشتری در روابط نزدیک خود تجربه می کنند. جالب است بدانید که تحقیقات نشان داده است که افراد دارای کمال گرایی خودمحور و کمال گرایی معنوی / مذهبی، رضایت بیشتری از روابط نزدیک خود دارند؛ چرا که در این افراد شاهد تلاش های کمال گرایانه فاقد نگرانی های کمال گرایانه هستیم و این نوع

کمال گرایی ها، سالم و سازگار تلقی می شوند. کمال گرایی خودمحور سبب می شود تا افراد به دلیل داشتن توقعات بالا از خود، مشکلات شان در روابط رابه خود نسبت دهند و همین امر سبب حفاظت بیشتر از رابطه، افزایش انگیزه برای بهبود روابط و مشکلات می شود. این افراد الگوهای خاص رفتار اجتماعی از خود نشان می دهند و اغلب خصومت زیادی در روابطشان دیده نمی شود. از طرفی افراد دارای کمال گرایی دیگر محور و جامعه محور رفتارهایی از خود نشان می دهند که برای روابط بین فردی و روابط صمیمی فرد مشکل ساز هستند و استبدادی و غیر حمایتی به نظر می رسد. آنها در هنگام رویارویی با مشکلات زندگی زناشویی تعارض زیادی از خودشان نشان می دهند. همچنین افراد دارای کمال گرایی جامعه محور در روابط خود رفتارهای منفی و مخربی نشان می دهند که در رضایت از روابط نقش مهمی ایفا می کنند. آنها اغلب تعارض زیادی را تجربه می کنند، هنگام رویارویی با شرایط سخت آشفته می شوند و نمی توانند به درستی حل مسأله کنند، در سطوح بالا خشم را ابراز می کنند و رفتارهایی از خود نشان می دهند که به شدت کنترل شده است. در سطوح بالا کمال گرایی دیگر محور و جامعه محور با الگوهای پاسخ ناسازگار در روابط صمیمی مانند اجتناب از رابطه در موقعیت های دشوار حل مسأله، مشغله ذهنی و وسواس گونه و تلاش برای خاتمه دادن به رابطه روبه رو هستیم. بروز این رفتارها سبب کاهش سازگاری فرد در روابط و کاهش رضایت از رابطه می شود.



کمال گرایی معنوی / مذهبی ماهیتی مثبت، سالم، بهنجار و متعالی دارد. کمال گرایی معنوی / مذهبی یعنی میل و تلاش برای تحقق معیارهای متعالی معنوی / مذهبی فرد



تاکسی فسفری

علی غنی

نویسنده



این بدعت‌های غیرقانونی و سرخود را چند سالی است که زیادتر از گذشته در میان مردم خودمان می بینیم. محصول چند اتفاق اجتماعی در بستر جامعه ماست. از طرفی فشار اقتصادی، مردم را به سمت خودمحوری و صرفه‌نگری سوق می دهد، از طرفی هم بی عدالتی موجود در طبقات بالای حاکمیت و مسئولین امر به قدری افزایش یافته است که مردم گویا در ذهن خود به آن به گونه‌ای مشروعیت بخشیده‌اند. انگار با خود در ذهن زمره می کنند که چون بسیاری به مردم رحم نمی کنند و هر کس هر جا که بتواند کفه ترازوی خودش را سنگین تر می کند، پس دلیلی ندارد که ما هم به اخلاق و رعایت عدالت و حقوق هم‌نوع خود اصرار بورزیم، اما غافل‌اند از اینکه اگر این دست ناهنجاری‌های اجتماعی در میان مردم زیاد و زیادتر شود، دیگر حتی امنیتی هم برای زندگی در چنین اجتماعی باقی نخواهد ماند. به قول یک سری از همین مردم کوچه و خیابان که می گویند: «مایی که خودمان به همدیگر رحم نمی کنیم و حقوق هم را نادیده می گیریم، معلوم است که فردا اگر یکی از خودمان یا فرزندان بر مسند حکومت و مسئولیت بنشینند، به دیگران رحم نخواهد کرد.»

قدری هم می ترسید من از کوره دربروم، پس در همان حال که مشغول خواندن شماره کارت شد، ریزش شروع به غرزدن دوباره کرد: می دونی، تقصیر شما نیست، تقصیر ماعه... و خدا رحم کرد که دیگر چیزی نگفت، چون بنا داشتیم اگر ادامه دهد پی ماجرا را بگیرم و هر جور شده قانوناً اقدام کنم، اما چون سکوت کرد من هم دیگر چیزی نگفتم.

خلاصه با طی مراحل پیچیده واریز کارت خودم به راننده و مجدداً واریز مابه‌التفاوت تراول پنجاه تومانی خانم عقبی از کارت خودم به ایشان، قائله ختم به خیر شد و نه من و نه سایر مسافران این مسیر حاضر نشدیم یک ریال از حق قانونی خودمان عقب بنشینیم. مسأله برای هیچ‌یک از ما هزار تومان یا دو هزار تومان نبود. به قول همین آقایان راننده تاکسی، هزار تومن نه منو پولدار می کنه نه شما رو فقیر!

مسأله، ایستادن در برابر ایجاد بدعت و نوآوری در قانون و جلوگیری از سرخود اقدام کردن بود. آن مرد راننده باید می فهمید که چون صدایش بلندتر و اعتماد به نفسش در ظاهر بیشتر است، دلیل نمی شود بر حرف ناحق خود پافشاری کند و خود را حق بیندارد. این بدعت‌های غیرقانونی

هم فقط در همین یک تاکسی؟! یک دختر دیگر هم که عقب نشسته بود و ظاهری امروزی داشت، از راننده که همچنان در حال غرولند سر کرایه بود، پرسید: ببخشید من پنجاه تومانی همراهمه، پول خرد ندارید شما؟ راننده هم از خدا خواسته جواب منفی داد. دیگر وقتش رسیده بود که من هم حرفم را بزنم. رو کردم به راننده و گفتم: اینجا هیچ وقت ۱۰ تومان نمی گیرند آقای محترم! شما هم داری از خودت نرخ تعیین می کنی و دست دراز کردم و بیست تومان دادم دستش.

برای اینکه دست پیش را بگیرد و پس نیفتد، دستش را عقب آورد و در حالی که یکی از دهی‌ها را سمت من گرفته بود، با حالت عصبانی و حق به جانبش گفت: بیا آقا اینو بگیر، هر چقدر می خوام حساب کن. من هم اسکناس را مجدداً گرفتم و گفتم لطف کنید شماره کارت بدید. با تعجب گفت: شماره کارت واسه چی؟

گفتم می خوام مابقی پول خودمون رو به همراه پول این خانم که خرد نداره براتون بریزم.

حرصش درآمده بود! حس می کردم دوست دارد کله‌ام را بکند، اما چون کارش غیرقانونی بود، نمی توانست چیزی بگوید،

آخر شب بود که سوار تاکسی شدم. یک پیژوی سبز فسفری بود، از اینها که برای تاکسیرانی تولید شده‌اند. آقای میان‌سالی راننده بود. مسیر چندان طولانی نبود، هر چند شلوغی خیابان‌ها طولانی ترش می کرد. داشتیم در کیف پولم اسکناس‌ها را چک می کردم که هزینه خودم و مانده را حساب کنم که صدای دختر خانمی از صندلی شاگرد آمد:

آقا ببخشید من ۱۰ تومان دادم، بقیه نداره؟! راننده سرش را به سرعت گرداند، نگاه تندی به دختر کرد و با طلبکاری گفت: خانوم شما تو این مملکت زندگی نمی کنی؟! نمی دونی قیمتا ثانیه‌ای عوض می شه؟! جوری حق به جانب سخن می گفت که واقعاً امر بر آدم مشتبه می شد که گویا حق با راننده است. خب راست می گوید، قیمت ثانیه‌ای دارد عوض می شود و اصلاً انگار هیچ قانونی بر روند اتفاقات جامعه حکمفرما نیست. هر کس به تشخیص خودش می تواند تعرفه کرایه ماشین‌اش را مشخص کند.

اما خوب که فکر کردم، بالظله‌ای درنگ، دیدم هر روز همه ماشین‌ها همین مسیر را دارند ۷ تومان حساب می کنند پس چطور شده که امروز ناگهان تعرفه تغییر کرده، آن



مایی که خودمان به همدیگر رحم نمی کنیم و حقوق هم را نادیده می گیریم، معلوم است که فردا هر یک از خودمان یا فرزندانمان بر مسند حکومت و مسئولیت بنشینند، به دیگران رحم نخواهد کرد....

سریالی از تاریخ و هویت ایرانی برای کودک و نوجوان امروز

دیو و ماه پیشونی

عطیه عیار
نویسنده

از اسفند ۱۴۰۱ پخش سریالی شروع شد که مخاطب هدف آن کودکان دهه نودی است. «دیو و ماه پیشونی» محصول شبکه نمایش خانگی در حوزه کودک و نوجوان است که با دستمایه قرار دادن افسانه‌های

در هر شهری یکی دو نفر هستند که با موقعیت فعلی و نامطلوب آن شهر مخالفند اما به خاطر اینکه اقلیت هستند، نمی‌توانند اوضاع را تغییر دهند. دلیلش هم این است که دیوهای آن شهر را طلسم کرده‌اند و مردم نمی‌توانند علیه آن طلسم قیام کنند. با ورود ماه پیشونی وارژنگ به آن شهرها و تلاششان برای کمک به ساکنانش، انگیزه و روحیه لازم بین بقیه برای تحول ایجاد می‌شود. بعد همراه بقیه مخالفین می‌شوند تا شر دیو طلسم‌کننده را از زندگی خود کم کنند. مثلاً در یک شهر مجسمه‌های شعرا و ادیبان و دانشمندان برجسته ایران همه جا نصب است اما هیچ‌کدام از مردم حتی با اسم صاحبین این مجسمه‌ها هم آشنا نیستند. دیو این شهر آتقدر مردم را درگیر مده روز و تجملات و شبکه‌های اجتماعی کرده که از اصل و پیشینه خود دور افتاده‌اند. تنها یک نفر به اسم منیر نخواسته همراه این جریان باشد که او هم با جادوی دیو نامرئی شده و مردم نمی‌توانند او را ببینند. ماه پیشونی که به مد و شبکه‌های اجتماعی محل نگذاشته و طلسم نشده می‌تواند صدای منیر را بشنود و کمکش می‌کند تا مردم متوجه شرایط بد خود بشوند. در شهری دیگر، دو دیو مردم را با فست‌فود طلسم کرده‌اند. غذاهای فست‌فودی و ناسالم این شهر طوری است که هر کس بخورد، هیچ وقت احساس سیری ندارد و باز هم می‌خورد. همین باعث شده مردم مریض و چاق و بی‌توجه به خود و همشهریان‌شان باشند. تنها کسی که در این شهر فریب نخورده، معلم شهر است که او هم با طلسم دیوها تبدیل به یک بچه شده و کسی به حرفش گوش نمی‌کند. ماه پیشونی باز هم با فکر و تدبیر به این معلم کمک می‌کند تا اهالی راز شر دیوهای فست‌فودی نجات دهند. این رویکرد غیرمستقیم در تقبیح فرهنگ وارداتی و فراموشی اصل و سنت‌های خودی از جمله موضوع‌های ارزشمندی است که با قصه‌گویی جذاب، صحنه‌پردازی رنگارنگ و شاد به همراه موسیقی و خنده و شوخی برای بچه‌ها مطرح شده است.

بازی با افسانه‌ها

سریال «دیو و ماه پیشونی» برداشت آزادی از چندین افسانه و داستان و روایت قدیمی است. این سبک داستان‌سرایی که داستانی قدیمی را دستمایه یک پیرنگ و داستان جدید و بیه روز می‌کنند، به سنتی رایج در انیمیشن و سریال‌سازی سینمای جهان تبدیل شده است.

یکی از محبوب‌ترین نمونه‌هایش هم انیمیشن «شرک» است که هم با داستان‌های برادران گریم و هم با ادبیات متأخرتر جهان سرشوخا را باز کرد و نشان داد می‌توان طوری دیگر به ادبیات نگاه کرد.

در این سریال هم مافقط با دختری که به خاطر مهربانی اش، زیبا و ناخواهری اش به خاطر خودخواهی، به زشتی دچار شده روبه‌رو نیستیم. این روایت قدیمی از ماه پیشونی در همان یکی دو قسمت اول تمام می‌شود. در سریال ماه پیشونی بسیاری از شخصیت‌های آشنای ادبیات فارسی و حتی چند مورد از ادبیات جهان در کنار هم گرد آورده شده‌اند تا سیر داستانی متفاوت و جدید عرضه شود. البته اصل حرف‌های این پیرنگ همان حرف‌ها و نصیحت‌ها و حکمت‌های قدیمی است که با لباسی نو، نسل جدید را راهنمایی می‌کند.

همه داستان‌های ماه پیشونی

در سریال ماه پیشونی، حسن کچل را می‌بینیم که دست از تنبلی کشیده و مرد خانواده شده، کار می‌کند و درآمد خوبی دارد. به خانه عجیب و کثیف وارژنگ دیو از نوادگان ارژنگ دیو شاهنامه می‌رویم. چند روزی در شهر لیلیپوتی‌ها اقامت می‌کنیم که تنها وجه شباهتشان با لیلیپوت گالیور، کوتاه‌قامتی آنهاست. در شهری دیگر با دیوی ستمگر آشنا می‌شویم که با کودتا، حکومت شهری را گرفته و به انسان‌ها ظلم می‌کند. این دیو اسم خودش را پلئون گذاشته اما مثل اکوان دیو برعکس حرف می‌زند. کلی دیو در این داستان هستند که مردمی را طلسم کرده‌اند و شیشه عمرشان باید شکسته شود.

داستان اراده و تحول

ارژنگ دیو، پسری بی‌عار است که فقط به موسیقی و رپ چسبیده و در آن استعدادی هم ندارد. مادر ارژنگ که دیویی آزاری است، برای اینکه پسرش راز این پیله بی‌حاصل بیرون بکشد از مادر شهربانومی خواهد همکاری کنند تا ارژنگ هم با دختر آنها همراه شود و از خانه بیرون بیاید. طی همین همکاری، ارژنگ به پسری مسئولیت‌پذیر تبدیل می‌شود. الفت، ناخواهری بدجنس شهربانو که همیشه با حمایت مادرش، این دختر و خواهر کوچکش را اذیت می‌کرده، بددهن و خودخواه است. بعد از اینکه با طلسم ارژنگ زشت شد، در خانه می‌نشیند و این تنهایی و انزوا او را جذب کتاب‌های شهربانومی کند و با خواندن کتاب‌ها به کلی زیر و روی می‌شود و دست از کارهای بدش می‌کشد. تحول دیگر مربوط به مردم شهرهای مختلف در مسیر سفر ماه پیشونی است. آنها متوجه اشتباهات خود می‌شوند و در سبک زندگی خود تغییر ایجاد می‌کنند تا به سعادت برسند. در همین راستا، اثر مثبت کار گروهی و همکاری در رسیدن به موفقیت بارها و بارها در موقعیت‌های مختلف نشان داده می‌شود.

نکته قابل توجه دیگر هم یک دست نبودن بازی‌ها بود. چه کارگردان نتوانسته بازی هم‌راستایی از عوامل بگیرد و چه چنین وضعیتی خودخواسته بوده، در هر حال هم‌سطح نبودن بازی‌ها گاهی بر داستان و شخصیت‌های داستانی غالب می‌شد و تمرکز را از قصه دور می‌کرد.

شخصیت‌پردازی

طبق داستانی که نوشته شده، شخصیت شهربانو شخصیتی بی‌عیب و نقص طراحی شده است. این شخصیت نه تنها نمی‌تواند الگوی مناسبی برای کودکان باشد، بلکه حتی می‌تواند باعث ایجاد حس سرخوردگی باشد. خوب بود ماه پیشونی هجده‌ساله، گاهی با آزمون و خطا کارهایش را پیش می‌برد و شکست‌های کوچکی را هم تجربه می‌کرد تا شخصیت باورپذیرتری باشد.

در تمام داستان شهربانو یا ماه پیشونی نسبت به همه چیز اشراف و اطلاعات قابل توجه دارد. بارها هم اعلام می‌کند این اطلاعات را به خاطر کتاب خواندن به دست آورده است. این تأکید مستقیم بر کتاب‌خوانی می‌تواند تأثیر عکس هم داشته باشد و حتی حس سرکوفت زدن به بیننده بدهد. از آن طرف ارژنگ هیچ ویژگی مثبت و قابل عرضی ندارد، به جز اینکه دیو بدجنسی نیست و با آدم‌ها دشمنی ندارد. وی پسری تنبل، بی‌مسئولیت، بی‌سواد و ناتوان از خودداری است. پدر ماه پیشونی نقشی نسبتاً خنثی دارد. مردی است که عاشق همسرش بوده و بعد مرگ پرنیان و ازدواج مجدد نمی‌تواند مانع زورگویی‌های نامادری به دخترانش شود. آفت که دیو و شخصیت بد داستان است هم تا آخر داستان از این بدی دست نمی‌کشد. از طرفی تحول الفت دختر آفت چندان پایه و اساس منطقی و محکمی ندارد و آتقدر ناگهانی و با عجله است که گویی فقط می‌خواسته‌اند یکی از مشکلات ماه پیشونی را سریع‌تر حذف کنند.

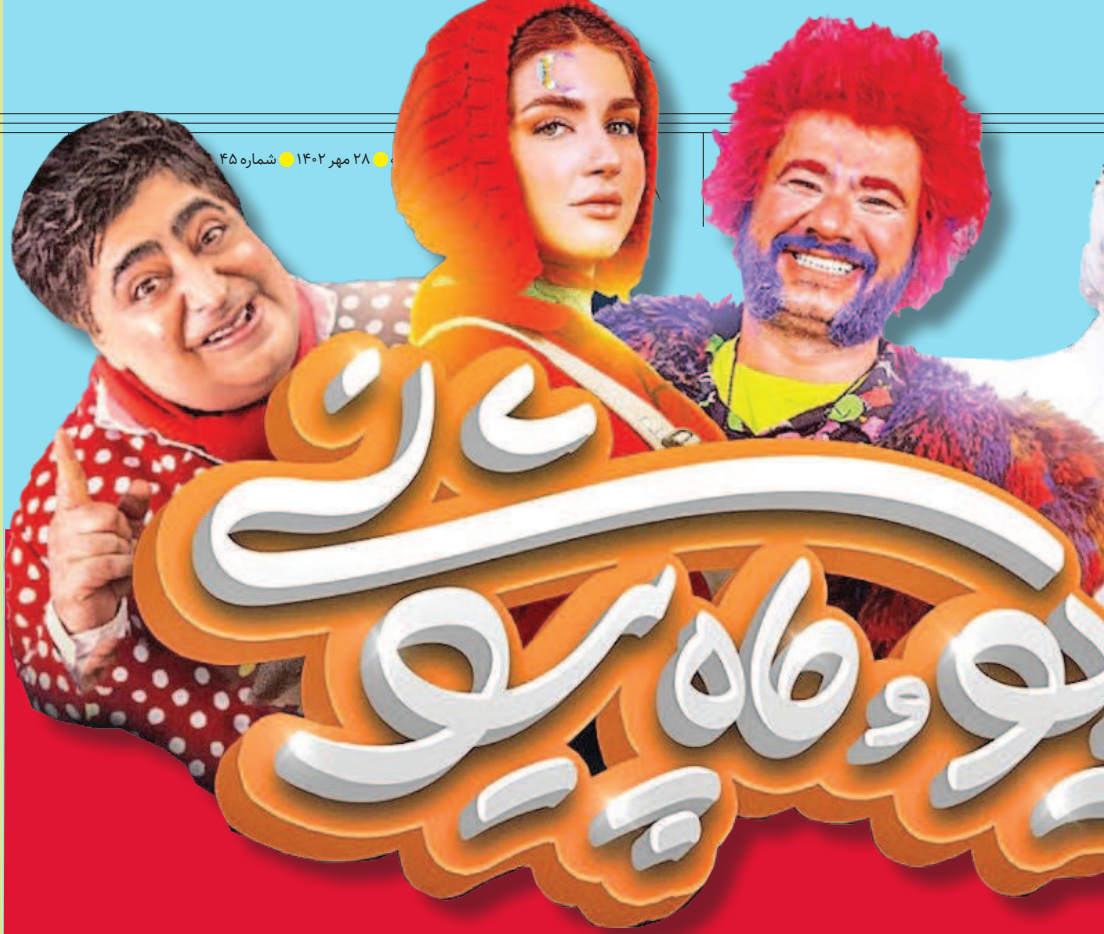
جنگل و قلعه و دریا

یکی از ویژگی‌های این سریال که از نقاط قوت بی‌نظیرش هم هست، استفاده از لوکیشن‌های طبیعی ایران در منطقه شمال است. کارگردان این سریال، حسین قناعت که خود زاده آمل است، به خوبی از زیبایی‌های زادگاه خود بهره برده و چشم تماشاچیان را با این زیبایی‌ها نوازش داده است. زمان فیلمبرداری سریال اواخر زمستان ۱۴۰۰ و بهار ۱۴۰۱ بوده و ماحصنه‌های هوایی زیادی از جنگل‌های سبز و انبوه در طول سریال می‌بینیم. لوکیشن اصلی فیلمبرداری به خصوص قسمت‌های مربوط به شهر قصه‌ها در روستاها و جنگل‌های شمال و به خصوص روستای پلیران بوده است. قناعت از همه این ویژگی‌های طبیعی در فیلم خود استفاده کرده است.

بزرگ و کوچک سینمای ایران

در این سریال به جز بازیگران شناخته‌شده سینما و تلویزیون، چند بازیگر تازه‌کار، چندین بازیگر کودک، جمعیت قابل توجهی از کوتاه‌قامتان (بازیگران شهر لیلیپوت) و البته خواننده‌های مختلف اعم از شناخته‌شده مثل گام‌نو (هومن شاهی، خواننده رپ) و ناشناس هم حضور دارند. موضوعی که در این بین خیلی به چشم می‌آید، نوع بازی بازیگرها بود. بازیگرهای حرفه‌ای مثل همیشه قوی و خوب ظاهر شده‌اند اما این خوبی به ضرر بازیگران تازه‌کار به خصوص بازیگر نقش اصلی، ستایش موسوی شده است. تلاش او برای ارائه بازی قابل قبول خیلی واضح و حتی گاهی آزاردهنده است.





قدیمی ایرانی، سعی در تعریف و تبیین راستگویی، مهربانی، کتابخوانی، وفاداری به سنت‌ها و سایر اخلاق‌ها و فرهنگ‌های مثبت بومی دارد. حال ببینیم این سریال و تیم سازنده‌اش برای رسیدن به این هدف چه کرده‌اند.

و مثل حضور مادر و پدر در هنگام سختی‌ها، دایره امنی برای او بسازد. در دوران جدی‌تر زندگی و زمان مواجهه با مشکلات، شخص با رجوع به این دایره امن می‌تواند نفسی تازه کند و با آرامش و صبوری از پس مشکلاتش بربیاید، نه اینکه فکر کند تنها مانده است.

جالب اینجاست که در یکی از قسمت‌ها ماه پیشونی نصیحت‌گر به پلیس یکی از شهرهای می‌گوید، «هیچ قومی تغییر نمی‌کنه مگه اینکه خودش بخواد».

این جمله ترجمه یکی از آیات قرآن است اما از خود گوینده آن هیچ‌جا هیچ سخنی نیست.



سخن نهایی

حسین فتاعت سابقه خوبی در فیلمسازی دارد. اکثر فیلم‌های وی در حوزه کودک و نوجوان بوده و همواره دغدغه کودکان و فرهنگ این سرزمین را داشته است.

تلاش وی برای معرفی افسانه‌ها و اسطوره‌های ایران و در رأس آنها شاهنامه فردوسی حکیم قابل ستایش است. در این دورانی که والدین ایرانی خوراکی فرهنگی قابل اعتنایی ندارند که در برابر هجمه فرهنگی غرب و شرق در اختیار کودکان و نوجوانانشان بگذارند، این تلاش‌ها ارزشمند است.

ایرادی مهم و قابل تأمل

هدف سریال دیو و ماه پیشونی این بوده که کودکان ایران زمین را متوجه فرهنگ و تمدن خود بکند. راه رسیدن به این فرهنگ را هم کتاب و کتابخوانی معرفی کرده است.

تا اینجا به نظر همه چیز عالی است اما یک ایراد قابل تأمل چندین بار در نظر نگارنده برجسته شد؛ اینکه خیلی از موارد موفقیت در سریال قائم به فرد است.

یعنی برای اینکه نشان دهند خودباوری و اتکا به تلاش‌های خود برای موفقیت چقدر مهم است، به جایی رسیده‌اند که هرگونه عوامل معنوی را حذف کرده‌اند.

این در حالی است که حتی اگر قرار باشد در این مورد به خود کتاب شاهنامه رجوع شود، حکیم فردوسی در همه کتابش از قدرت خداوند یکتا و یاری خواستن پهلوانان از باری تعالی سخن‌ها رانده است.

حتی در بسیاری از انیمیشن‌های خارجی هم یک عنصر معنوی هست که به داد شخصیت می‌رسد تا بتواند از گردنه مشکلات رد شود.

باور و توکل به خدای توانا و اختیاردار امور، رویکرد مثبتی است که می‌تواند از همین کودکی سرلوحه زندگی فرزندان ایران باشد

می‌شود، صحنه‌های طلسم شدن شخصیت‌ها و همچنین مبارزه ماه پیشونی با دیوها و آدم‌بدها هر یک می‌توانند برای ترساندن هر کودکی کافی باشند یا به راحتی آنها را دچار ناامنی عاطفی کند. من نگارنده پیش از نوشتن این مطلب، با چندین مادر در این مورد صحبت کردم و کودکان زیادی بوده‌اند که حداقل از یکی از این موارد ترسیده‌اند. برای همین اگر هنوز این سریال را ندیده‌اید و کودکانتان اصرار به دیدنش دارند، با این آگاهی، موقع تماشای کنار کودکان حضور داشته باشید. اگر ترسیدند، حضور شما می‌تواند قوت قلبی اطمینان‌بخش برای آنها باشد.

نکته مهم دیگر این است که اگرچه اول سریال می‌نویسد تماشای آن برای کودکان زیر ۱۲ سال مناسب نیست، اما برخلاف این هشدار، اکثر مخاطبان خردسال هستند.

مرگ مادر خانواده در ابتدای فیلم

(که اوآخر همان قسمت اول

می‌فهمیم نمرده و فقط

طلسم شده)، لحظه ناپدید

شدن پدر، زورگویی‌ها و

اذیت‌های آفت و صحنه‌ای

که چهره اصلی‌اش برای

یک لحظه مشخص



در سریال
ماه پیشونی بسیاری
از شخصیت‌های
آشنای ادبیات
فارسی و حتی چند
مورد از ادبیات
جهان در کنار هم
گرد آورده شده‌اند
تا سیر داستانی
متفاوت و جدید
عرضه شود. البته
اصل حرف‌های
این پیرنگ
همان حرف‌ها
و نصیحت‌ها و
حکمت‌های قدیمی
است که با لباسی
نو، نسل جدید را
راهنمایی می‌کند





آموزش یک کیک ساده برای تغذیه مدرسه

ساده و سریع مثل یک کیک صبحانه

فائزه صدیقی
نویسنده

با شروع سال تحصیلی و حضور چندین ساعته بچه‌ها در مدرسه، یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های والدین یعنی خوراکی خوردن در مدرسه و انتخاب خوراکی‌هایی که برای بچه‌ها مفید و جذاب باشند باز هم مطرح می‌شود. در کنار انواع خوراکی‌های سالم مانند میوه‌های مختلف و ساندویچ‌های خانگی هستند که تقریباً همیشه از طرف خوراکی‌های جذابی هستند که تقریباً همیشه از طرف بچه‌ها برای رنگ‌های تفریح درخواست می‌شوند. برای حل این مسأله از کیک‌های خانگی دستپخت خودتان غافل نشوید. شما می‌توانید به راحتی کیک‌های ساده و سالمی را تهیه کنید. در همین راستا امروز تصمیم داریم آموزش یک مدل کیک صبحانه را در کنار همدیگر تمرین کنیم. دستوری بسیار ساده، خوشمزه و سریع که مواد اولیه فوق‌العاده در دسترس هم دارد و شما می‌توانید با خیال راحت از جهت سالم بودن، آن را برای تغذیه مدرسه بچه‌ها آماده کنید. البته که این کیک نه تنها برای کودکان و تغذیه آنها مفید است، بلکه بزرگترها هم از خوردن آن لذت کافی را خواهند برد.

پس امروز با من همراه باشید تا در کنار هم طرز تهیه این کیک صبحانه خوشمزه را آموزش ببینیم.

مواد لازم (هم‌دمامحیط)

آرد..... یک و سه چهارم پیمانه*
 بیکنگ پودر..... یک و یک دوم قاشق چای خوری
 نمک..... یک هشتم قاشق چای خوری
 روغن مایع..... یک دوم پیمانه
 شکر..... یک پیمانه
 تخم مرغ..... ۴ عدد
 وانیل..... یک چهارم قاشق چای خوری
 شیر..... یک دوم پیمانه
 * اگر پیمانه‌های استاندارد شیرینی پزی را دارید از همان استفاده کنید، اما اگر به آنها دسترسی ندارید یک لیوان دسته‌دار فرانسوی را معادل یک پیمانه در نظر بگیرید.

مواد لازم برای دورنگ کردن کیک:

پودر کاکائو..... سه قاشق غذاخوری
 آرد..... سه قاشق غذاخوری

چند نکته در خصوص مواد اولیه

برای اندازه‌گیری آرد، ظرف یا پاکت آرد را با قاشق هم بزنید، پیمانه را با قاشق پر کنید و سرپیمانه را صاف کنید. آرد اندازه‌گیری شده را حتماً دو بار الک کنید. الک کردن به بهتر شدن بافت نهایی کیک کمک می‌کند و باعث می‌شود کیک بافت سبک‌تری داشته باشد.

هر نوع روغن مایع بی‌طعم و بو (کائولا، ذرت و آفتاب‌گردان) برای این کیک مناسب است، ولی استفاده از روغن‌های طعم‌دار مثل روغن هسته انگور، زیتون و روغن مخصوص سرخ‌کردنی برای این دستور جایز نیست.

برای تهیه کیک‌ها، بهتر است از شیر پرچرب کارخانه‌ای استفاده کنید.

در صورت دلخواه می‌توانید به مایه کیک، گردو خردشده، فندق خردشده، کشمش یا شکلات چیپسی اضافه کنید. اگر مایل به اضافه کردن گردو یا فندق به کیک هستید، حتماً آنها را قبل از خرد کردن روی حرارت گاز یا داخل فر قرار داده و تُست کنید. تُست کردن مزه و بافت خشک‌بار را تشدید می‌کند و کمک می‌کند طعم مشخص‌تر و بهتری داشته باشند، ضمن اینکه رطوبت اضافه آنها را از بین می‌برد و باعث می‌شود آجیل‌ها سبک‌تر شده و در کیک ته‌نشین نشوند.

به جای وانیل، می‌توانید از یک قاشق چای خوری وانیل مایع یا سه قطره اسانس خوراکی دلخواه (مانند اسانس توت‌فرنگی یا موز)، یا یک قاشق چای خوری رنده پوست پرتقال یا رنده پوست لیمو استفاده کنید.

برای این دستور نیاز به یک قالب ۲۳ در ۱۳ سانتیمتر دارید. اگر در این سایز قالب ندارید، می‌توانید از قالبی با گنجایش مشابه استفاده کنید، یعنی قالبی که هفت تا هشت پیمانه آب در آنجا

شود. برای اندازه‌گیری حجم قالب، بزرگ‌ترین پیمانه در مجموعه پیمانه‌های اندازه‌گیری (یک پیمانه) را بردارید، با آب پر کنید و در قالب بریزید. قالبی که هفت تا هشت پیمانه آب گنجایش داشته باشد مناسب این دستور است. کف قالب انتخاب شده را به کمک برس شیرینی پزی با روغن مایع کاملاً چرب کنید و کاغذ روغنی ببندازید.

پس از آماده‌سازی مواد اولیه، فر را روی ۱۸۰ درجه سانتیگراد روشن کنید تا گرم شود.

بگذارید حالا که به این قسمت از کار رسیده‌ایم نکته مهمی را برایتان بگویم که اوایل کار بارها باعث ناامیدی من از کیک‌پزی و شیرینی‌پزی می‌شد! دمای پخت در فرهای گازی و برقی در پخت کیک و شیرینی یکی نیست و به طور معمول دمایی که در فرهای برقی مثل ماکروفر یا سایر نمونه‌ها باید برای پخت انتخاب کنیم حدوداً بیست درجه کمتر از دمای فرهای گازی است. این عدد می‌تواند با توجه به فضا و اندازه فر برقی شما پنج درجه کمتر یا بیشتر باشد. اما در دستورهای آشپزی و شیرینی‌پزی عموماً به این مورد اشاره‌ای نمی‌شود و تنها یک دما که برای فر گازی است بیان می‌شود و اگر شما نکته تفاوت دمایی را ندانید در نهایت کیک و شیرینی سوخته و سفت تحویل می‌گیرید!

* پس با این توضیحات اگر فر شما گازی است آن را روی دما ۱۸۰ درجه بگذارید ولی اگر برقی دارید با دما ۱۶۰ درجه سانتی‌گراد آن را روشن کنید تا گرم شود.

طرز تهیه کیک صبحانه و نکات آن

آرد، بیکنگ پودر و نمک را در کاسه‌ای ریخته و با ویسک یا همزن دستی به خوبی با هم مخلوط کنید.

دقت کنید که این مرحله را به خوبی انجام بدهید چون در صورت خوب پخش نشدن بیکنگ پودر، در حین پخت حفره‌هایی در بافت کیک ایجاد می‌شود. مخلوط مواد خشک را چند دور با هم الک کنید. الک کردن به بهتر شدن بافت نهایی کیک کمک می‌کند و باعث می‌شود کیک بافت سبک‌تری داشته باشد. این مخلوط را کنار می‌گذاریم تا بعداً به مایه کیک اضافه کنیم.

در صورتی که می‌خواهید کیک را به صورت دورنگ درست کنید، سه قاشق غذاخوری پودر کاکائو را اندازه‌گیری و الک کنید و در کاسه‌ای بریزید. سه قاشق غذاخوری آرد سفید را هم به همین صورت آماده کنید.

تخم مرغ، شکر و وانیل را در کاسه تمیزی بریزید، ابتدا مواد را یک دقیقه با دور متوسط همزن برقی هم بزنید تا یکدست شوند. حالا مواد را سه تا پنج دقیقه با بیشترین سرعت همزن برقی مخلوط کنید تا روشن، حجیم و پفکی شوند.

حتماً بین هم‌زدن، همزن برقی را خاموش کنید و مواد را با ویسک از کف و دیواره‌های کاسه به وسط جمع کنید (دورگیری) تا اگر تخم مرغ‌ها به دور ظرف پاشیده شده با این دورگیری آنها را به مواد کیک اضافه کنیم تا هم بخورند و در نهایت کیک بوی زهم ندهد و سپس مجدداً به هم زدن ادامه بدهید. پس از این مرحله روغن مایع را به آرامی از کنار کاسه به مواد اضافه کنید و با دور متوسط همزن در حد مخلوط شدن هم بزنید.

در ادامه نیمی از مواد خشک را اضافه کنید و با کندترین دور همزن برقی فقط و فقط در حد مخلوط شدن





معرفی گیاه سانسوریا

گیاه ساده و کم دردسر

نسرین تقی خانی

مهندس کشاورزی و مشاور نگهداری گیاهان آپارتمانی



گیاه سانسوریا یک گیاه زینتی است که به نام‌های دیگری مثل زبان مادرشوهر و برگ شمشیری نیز معروف است. این گیاه همیشه سبز است. سانسوریا یک گیاه تصفیه کننده هوا است و مولکول‌های مضر هوا را جذب کرده و به مولکول‌های بی خطر تبدیل می‌کند.

این گیاه مقاوم است اما شرایط رسیدگی و نگهداری مناسب برای آن باعث افزایش طول عمر این گیاه می‌شود. سانسوریا انواع مختلف و متنوعی دارد که براساس ویژگی‌های برگ‌های آن نام گذاری و دسته بندی می‌شود: سانسوریا ابلق طلائی، سانسوریا نینزه آفریقایی یا لوله‌ای، سانسوریا پاکوتاه و سانسوریا بلک.

گیاه سانسوریا به سرعت خود را با شرایط محیطی تطبیق می‌دهد. سانسوریا یک گیاه مقاوم به نور کم است، اما در نور زیاد هم به رشد خود ادامه می‌دهد. نور ایده آل برای سانسوریا نور غیرمستقیم و نسبتاً زیاد است. بهتر است در آپارتمان یا ادارات این گیاه در کنار پنجره‌های جنوبی ساختمان قرار گیرد تا نور بیشتر و با کیفیت‌تری در اختیار داشته باشد. نور عامل بسیار مهمی در حیات گیاه سانسوریا است. نور کافی به شرایط آبیاری گیاه هم کمک می‌کند و از غرقاب شدن ریشه گیاه جلوگیری می‌کند.

سانسوریا یک گیاه کم‌آب است و می‌توان گفت هر دو هفته یک بار در صورت اطمینان از شرایط خشکی خاک می‌توان آن را آبیاری کرد. توجه به میزان آب در دفعات آبیاری و شرایط زهکشی خاک و گلدان از آسیب دیدن ریشه گیاه (ریشه غده مانند به نام ریزوم) جلوگیری می‌کند. سانسوریا به دما و رطوبت حساس نیست. در دمای بالای پایین و رطوبت زیاد یا کم به رشد خود ادامه می‌دهد؛ اما بهترین محیط برای رشد این گیاه باید تغییرات دمایی کم و رطوبت متعادل داشته باشد.

بهتر است این گیاه در مقابل وزش باد شدید قرار نگیرد. خاک مناسب رشد سانسوریا، خاک سنگین و ترکیبی از شن و ماسه و رس و مواد آلی است. برای کمک به تغذیه گیاه و رشد بهتر آن می‌توان از کود و مواد مغذی استفاده کرد. بهتر است از کودهای رقیق شده استفاده کنید. کود ۲۰:۲۰:۲۰ یا سه بیست گزین مناسب برای تغذیه سانسوریا است.

گیاه سانسوریا امکان رشد در گلدان و خاک باغچه را دارد. بهتر است گلدان انتخاب شده برای سانسوریا، گلدان کوتاهی باشد چرا که برای آبرسانی ریشه غده مانند این گیاه مناسب تر است.

ریزوم‌های سانسوریا در خاک کم عمق بهترین عملکرد خود را دارند. گل‌های سانسوریا

از رنگ سبز تا سفید متغیر است. گلدهی ویژگی معمول بین سانسوریاها نیست اما در صورتی که شرایط محیطی مناسب باشد، شکوفه‌های سانسوریا قابل مشاهده هستند. سانسوریا بیشتر از اینکه گلدهی بالایی داشته باشند، پاجوش دهی خوبی دارد. ریزوم‌های سانسوریا قادر به تولید ریزوم‌های بیشتر و در نهایت سانسوریاها را بیشتر است. برای تکثیر سانسوریا، روش‌های مختلفی وجود دارد. کاشت بذر، قلمه زدن یا قراردادن برگ در آب از جمله این روش‌هاست. ساده‌ترین راه تکثیر سانسوریا، کاشت بذر است. می‌توان از برگ‌های سالم سانسوریا قلمه تهیه کرد و در خاک کاشت. همچنین با قراردادن برگ سانسوریا در آب می‌توان این گیاه را تکثیر کرد. برای این کار باید آب ظرف چند وقت یک بار تعویض شود تا در نهایت ریشه‌های گیاه رشد کرده و آماده قرارگیری در خاک شود. از آفات رایج که رشد گیاه سانسوریا را تهدید می‌کند، شیشک آردی و کنه تارنکبوتی است. این آفات با مکیدن شیر گیاه، باعث پلاسیده شدن برگ‌های سانسوریا می‌شوند. گاهی نیز با ایجاد حفره و یا زخم روی برگ‌ها، گیاه را ضعیف می‌کنند.

برای پیشگیری و مقابله با این آفات بهتر است برگ‌های گیاه هر چند وقت یکبار بررسی شده و با دستمال، برگ‌ها تمیز شود. رطوبت متعادل هوا و همچنین توجه به پاک کردن برگ‌ها، می‌تواند سانسوریا را از آفات و بیماری‌ها دور نگه دارد.

سانسوریا بیشتر به سبب باور غلط و عدم آبیاری صحیح، دچار بیماری‌های قارچی می‌شود. این بیماری باعث ضعف گیاه و پوسیدگی ریشه و در نهایت مرگ گیاه می‌شود. بهتر است برای جلوگیری از دچار شدن گیاه به بیماری قارچی، در زمان آبیاری، خاک گیاه کاملاً خشک باشد و آب از زیر گلدان خارج شود. زهکشی خاک و گلدان از موارد مهم و ضروری در نگهداری سانسوریا است. دمای متعادل محیط از رطوبتی شدن هوا جلوگیری می‌کند.

از مشکلات رایج در نگهداری سانسوریا، زرد و یا کم‌رنگ شدن برگ‌هاست. این مهم نشان از نور کم و همچنین کمبود مواد مغذی گیاه دارد. با جابه جایی گیاه به محلی پرنورتر و استفاده از کودهای کمکی می‌توان این مشکل را برطرف کرد. خشک شدن نوک برگ‌های سانسوریا، می‌تواند دلایل متفاوتی داشته باشد. اگر گیاه تشنه باشد یا نور زیادی دریافت کرده باشد و همچنین دمای بالای محیط می‌تواند باعث بروز چنین مشکلی شود. برای رفع مشکل تشنگی در صورت بررسی خاک و اطمینان از خشکی خاک می‌توان نسبت به آبیاری گیاه اقدام کرد. در صورت سوختگی نوک برگ در اثر نور زیاد، می‌توان با جابه جایی گیاه به محیط با نور متعادل، شرایط را برای رشد گیاه بهبود بخشید. توجه به تغذیه سانسوریا نیز می‌تواند از کمبود عناصر تغذیه و سوختگی نوک برگ‌ها جلوگیری کند.

پودر کاکائو اضافه کنید و در نیمه دیگر مواد آرد مخلوط نشود، قسمت شکلاتی سنگین شده و ته نشین می‌شود. برای ایجاد فرم زیر یا گورخری، در هر کاسه یک قاشق بگذارید، حالا در وسط قالب سه قاشق از مایه وانیلی بریزید. سپس در وسط مایه وانیلی ریخته شده، دو قاشق مایه شکلاتی بریزید.

همین روش را تکرار کنید، یعنی وسط قسمت شکلاتی سه قاشق مایه وانیلی بریزید و مجدداً وسط قسمت وانیلی دو قاشق مایه شکلاتی. ریختن مایه یک، به صورت یکی در میان از وسط قالب را آن قدر ادامه بدهید تا مواد تمام شود.

اگر می‌خواهید کیک صبحانه با طرح زیر (گورخری) داشته باشید، با تمام شدن مواد، قالب را یک بار به آرامی روی سطح کار بکوبید و بعد در فر گرم شده قرار بدهید. اگر طرح مرمری یا ابروادی را می‌پسندید، بعد از ریختن مواد به روش گفته شده، یک سیخ چوبی در قالب بزنید و به صورت مارپیچ آن را در قالب بچرخانید، سپس قالب را یک بار روی سطح کار بزنید و بعد در فر گرم شده بگذارید. کیک را بعد از ۴۵ دقیقه چک کنید، وقتی سیخ چوبی از وسط کیک تمیز بیرون آمد کیک آماده است، در غیر این صورت پنج تا ده دقیقه دیگر به آن زمان بدهید. بعد از این مدت قالب را روی توری خنک کننده قرار بدهید و پس از حدود نیم ساعت، دور تا دور کیک را بوسیله چاقو میوه خوری از قالب جدا کنید، کیک را روی دستتان برگردانید، کاغذ روغنی را از زیر کیک جدا کنید و اجازه بدهید کاملاً سرد شود.

کیک را بعد از خنک شدن می‌توانید مثل نان تست برش بزنید و سیرو کنید یا دو قاشق غذاخوری عسل را در کاسه‌ای بریزید، روی بخار آب بگذارید تا کمی روان شود، با برس شیرینی پزی روی کیک صبحانه بمالید و بعد روی آن خشکبارهایی مثل خلال بادام، خلال پسته، گردوی خرد شده، شکلات رنده شده، پودر نارگیل و... بپاشید.

شرایط نگهداری

این کیک تا چهار روز در دمای محیط و ظرف در بسته قابل نگهداری است، در صورتی که هوای خانه گرم و شرحی است کیک را باید در یخچال بگذارید. از اینکه این آموزش را تا انتها با من همراه بودید از شما سپاسگزارم. امیدوارم لحظات شیرین زندگی‌تان هر روز بیشتر از روز قبل باشد.

هم بزنید. در صورتی که همزن برقی مناسبی ندارید و سرعت پایین همزن هم زیاد است، در این قسمت مواد را با لیسک یا همزن دستی فولد کنید. شیر هم دمای محیط را به مایه کیک اضافه کنید و در حد مخلوط شدن با کندترین دور همزن بزنید.

در نهایت باقی مواد خشک را به مایه کیک اضافه کنید. دقت کنید که بهترین روش برای اضافه کردن مواد خشک پاشیدن آرد روی مایه کیک است، آرد را به یک باره در یک نقطه نریزید تا پف مواد از بین نرود. حالا با کندترین دور همزن مواد را در حد مخلوط کنید که رگه‌های آرد در مواد دیده نشود. دقت کنید که زیاد هم زدن مواد در این قسمت باعث از بین رفتن پف کیک و شفتگی آن می‌شود. این کیک مایه نسبتاً شلی دارد. می‌توانید در این مرحله یکی از سه روش زیر را به کار ببرید:

۱- مایه کیک را به همین شکل، یعنی به صورت ساده در قالب آماده شده بریزید و در فر بگذارید.

۲- خشکبار مورد نظر مثل کشمش، گردو خرد شده، فندق خرد شده یا شکلات چیپسی را روی مایه کیک بپاشید، به آرامی فولد کنید و بعد مواد را در قالب آماده شده بریزید و در فر بگذارید.

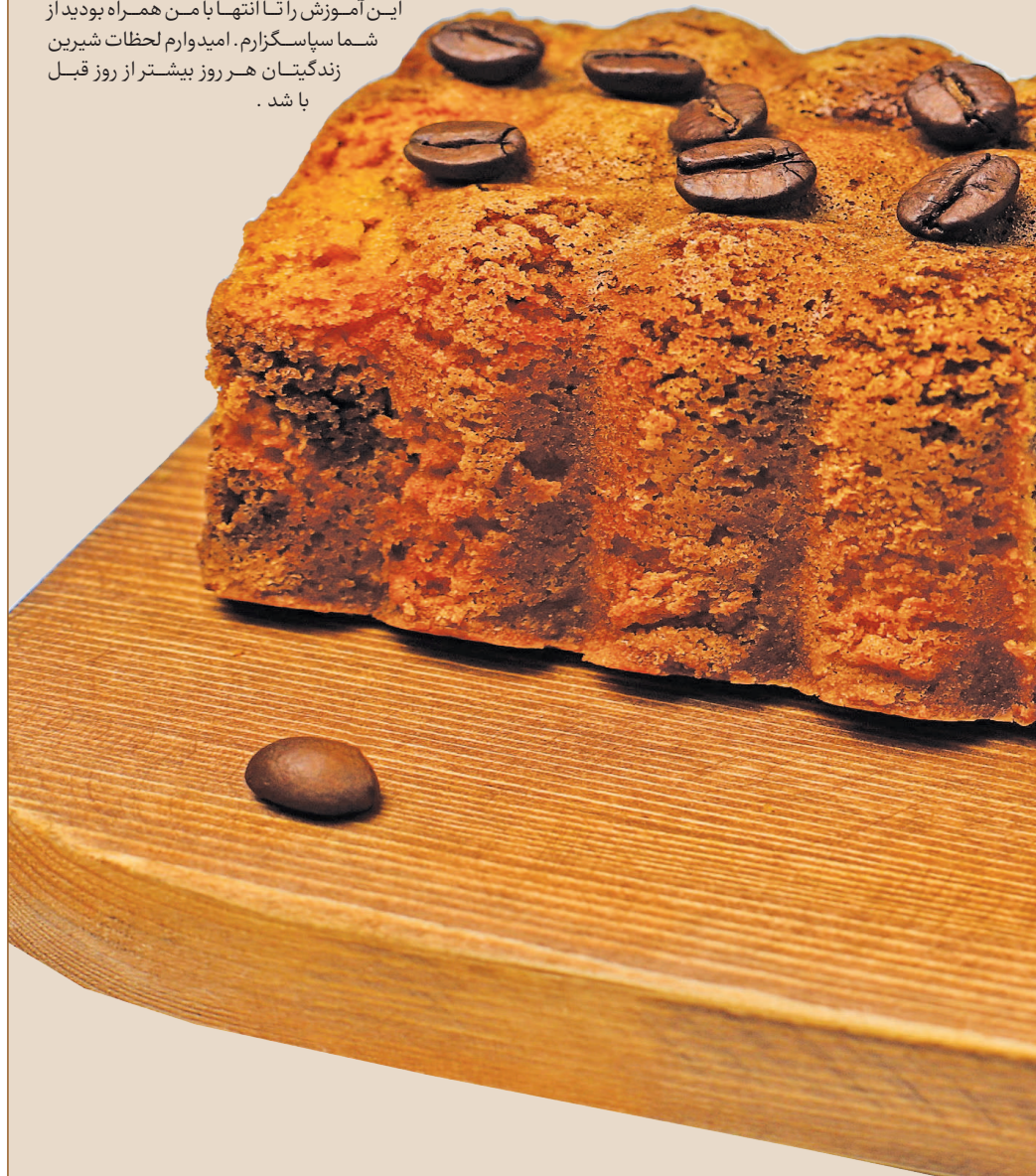
برای اینکه خشکبار در کیک ته نشین نشود، باید قبل از اضافه کردن به مایه کیک، آنها را آرد پاشی کنید. برای این کار روی خشکبار دو قاشق غذاخوری آرد بپاشید، خوب هم بزنید و بعد در الک بریزید و تکان بدهید تا آرد اضافی از آنها خارج شود.

۳- مایه کیک را به روشی که در ادامه آموزش گفته شده به شکل دو رنگ درست کنید.

اگر می‌خواهید کیک را دو رنگ کنید، نصف کمتر مواد را در کاسه دیگری بریزید. تقسیم را به طور چشمی انجام بدهید و نیازی به استفاده از ترازو یا پیمانانه نیست.

پودر کاکائو را روی قسمت کمتر آرد را روی کاسه با مواد بیشتر بریزید. هر کدام از کاسه‌ها را با ویسک یا کندترین دور همزن در حد مخلوط شدن هم بزنید. حتماً مایه شکلاتی را با لیسک دورگیری و زیر و رو کنید تا یک دست شکلاتی شود.

نکته: برای دو رنگ کردن این دستور باید هم از آرد و هم از پودر کاکائو استفاده شود. اگر فقط به نصف کمتر مواد،



طنز

امیر تاجیک عنوان کرد:
به دلیل پاره شدن
اسرائیل تا اطلاع
ثانوی، یه مسجد
وسط هیچ شکل
هندسی ای
اسیر نیست

مقامات اسرائیل از وضعیت
اسیران اسرائیلی حماس
ابراز نگرانی کردند

یک مقام اسرائیل: البته خیالمان
بابت ۱۳ نفرشان راحت است.
آنها را خودمان در حملات
موشکی به غزه کشتیم

حمله به کارمند
سفارت اسرائیل
در چین

منابع آگاه احتمال داده اند انگیزه
غذایی در این حمله مطرح بوده
است، زیرا چینی ها هرچک و
جانوری را می خورند

دبیرکل سازمان ملل:

باید در جنگ ها
از غیر نظامیان
محافظت شود

اسرائیل: چشم گوترش آقا!

یوناس گار استوره محاصره
نوار غزه را محکوم کرد

وی افزود: شناختید؟
نخست وزیر
نروژ هستیم! ببین چه
کارکردن صدای
منم دراومده!



خبر باختش

عده ای که روی اسب بازنده شرط بندی کرده بودند، عادی سازی روابط خود را متوقف کردند

سازمان ملل:

باید یک کریدور بشر دوستانه
برای کمک به غزه باز شود

دبیرکل سازمان ملل پس از ادای جمله بالا به مدت دو هفته به مرخصی رفت تا خستگی این اظهار نظر را در کند

خبر خوش به سینما و
تلویزیون ایران:

سلبریتی ها
زنده اند

اخیراً در مراسم ترحیم یک
بازیگر، تعداد زیادی از سلبریتی ها
به صورت زنده و سالم رؤیت
شدند. پیش از این به دلیل سکوت
این سلبریتی ها در برابر فجایع
غزه، نگرانی هایی راجع به فوت
ناگهانی یا ابتلای آنان به لاملونی
مزمز در جامعه به وجود آمده بود.

۱۵ مهر به عنوان روز
بدون بخیه و ترمیم
در تقویم ثبت شد

کوکب خانم در بیانیه ای اعلام کرد

دیگراز میهمانان
سرزده پذیرایی
نمی کند

وی در این بیانیه گفت:
حماس هم می خواهد
موشک بزند، قبلیش به مردم
خبر می دهد پدر آمرزیده ها!

وزارت بهداشت اسرائیل
از دولتش خواست به
تبلیغات سودجویان
توجهی نکنند و از خرید
انواع کرم ترمیم کننده
حلزون، روغن بادام تلخ و
پماد آلونته ورا خودداری
نمایند چرا که زخمشان
غیر قابل ترمیم است

۱۳ اسیر اسرائیلی در حملات صهیونیستی به نقاط مختلف غزه کشته شده اند

علی کریمی: نگفتم اسرائیل از پس خودش برمی آید؟

یک اسرائیلی با زدن رنگ موشکی به آوو کادو
آن را نارنجک جازده و با ترساندن کارمندان
بانک اقدام به سرقت می کرد

سخنگوی گردان های
القسام: حیف آن همه
موشک! با خبر بزه مشهدی
هم کارمان راه می افتاد

نارنجک و بی سیم به ماها بدهید
یک پرچم تسلیم به ماها بدهید

یک بستنی کیم به ماها بدهید
حالا که نمانده موشک و اسلحه ای

علی اکبر مدرس زاده - شاعر

میثم سنجری
طراح

چطوری حرمه؟

بهزاد توفیق فر

شاعر

راستش را بخواهید این کاریکاتور که از روی جلد مجله توفیق بهمن ماه ۱۳۴۸ برداشته ایم، نیازی به هیچ توضیح، تفسیر، تحلیل، تکمیل و تفهیمی ندارد. فقط برای آنهایی که یادشان نمی آید یا یادشان معمولاً با خودشان نیست و باید از آن طرف بیاید، می گویم که موشه دایان، یکی از جنایت کارترین افراد رژیم صهیونیستی بود که از ۱۵ سالگی و در تیم های آدم کشی هاگانا، زن و بچه و مردم فلسطینی را سلاخی می کرد. گلدامایر هم از همان ۱۵ سالگی که از خانه شان در امریکا فرار کرد به فلسطین اشغالی رفت و در کنار پرستو بودن، سلاخی و ترور را هم ادامه داد. فقط اینکه همان است که توی این جور موقعیت ها از آنهایی که اظهار پست می کنند یا نمی کنند، آدم باید بفهمد که کی به کی است و کی باکی؟ توی ده روز گذشته هم که رژیم کودک کش صهیونیستی آب را بر غزه و مردم فلسطین بسته و زن و کودکشان را سلاخی می کند، بعضی ها یادشان افتاد که رشته تحصیلی شان به انسانیت نامرتبط است و نمی توانند محکوم کنند. بعضی ها هم یادشان رفت که رمزگوشی شان چی بود و طی چند پست و کامنت در شبکه های اجتماعی مختلف، از اظهار نظر درباره جنایات ضد بشری و غیر انسانی رژیم صهیونیستی خودداری کردند!



۱- جرج براون، معاون حزب کارگر انگلیس به گلدامایر گفت: چطوری خوشگله؟
۲- موشه دایان گفت ما طالب صلحیم!
۳- جرج براون گفت انگلیس حامی اعراب است!!
کا-کا-دنیایی که صلح طلبش این باشه، طرفدار اعرابش تو، خوشگلش هم بهتر از این نمیشه!



دیالوگ حدسی



نتانیاهاو: دیدی چه خاکی به سرمون شد؟
بلینکن: غم آخرت باشه داداش.

محمد کوره پز

بلنکلین: بازم چیزی لازم داشتی رودروایی نکن. نتانیاهاو: از بایدن تشکر کن، بهش بگو سرارواش، فقط این بار، من و با کسی اشتباه نگیره.

سمیه قربانی

نتانیاهاو: مگه گفتی این پاتریوت فرق داره به گنبد آهنین تمام عیاره؟ پس این موشک ها از کجا میان؟
بلینکن: آره خب، لابد موشک هاشون سر مته آهن داره! عباس داوری

رامین زارعی

نتانیاهاو: داری به صد لیره بدی به ماه دیگه بهت برگردونم؟
بلنکن: با این اوضاع معلوم نیست ۲۵ روز دیگه رو هم ببینی!

منصورسمائی

نتانیاهاو: باباجون نجاتم بده! بلینکن: من خودم کمک می خوام پسرم!

جواد قره محمدی

نتانیاهاو: بد بختی ما رو می بینی؟ خب به خرده بیشتر سر کیسه روشل کن بلینکن: با این همه بودجه ای که ما به شما اختصاص دادیم، قشنگ می تونستیم تو مریخ ده کشور درست کنیم برا خودمون.

رامین زارعی

سه راهی

فرشته پناهی

شاعر

در دوراهی بین ثروت و علم راه سوم همیشه تنبلی است
دنبه هایش نمی رود از دست هر کسی را که پیشه تنبلی است
گفت اما مشاوری: هررررررررر
مشکلی هست ریشه تنبلی است! ریشه هر طلاق هم گاهی خالی از هر کلیشه، تنبلی است
علت اینکه نیست فرهادی در پی کوه و تیشه، تنبلی است یا اگر که گرسنه می ماند، مشکل شیربیشه تنبلی است
علت اینکه می روند فضا با کوکا بین و شیشه تنبلی است شد تلنبار هر کسی کارش زخم خورده ز نیش تنبلی است یا اگر کار را عقب انداخت تو بدان قوم و خویش تنبلی است
رختخوابش کپک زده از بس روز و شب هی سیریش تنبلی است
گاه گرگ سیاه بد بختی رفته در جلد میش تنبلی است
هرچه بد بختی و مصیبت هست همه اش بیخ ریش تنبلی است
عاقبت هم جهنمی بشود هر که بردین و کیش تنبلی است
جهل از بی معلمی است گهی کی دلش همیشه تنبلی است؟! پس جناب وزیر کاری کن!
گفتن «نه نمیشه»، تنبلی است!!
علت اینکه از سرگوشی شاعری پانمیشه تنبلی است!

درس‌های پساواری



بعد از 2023



قبل از 2023





نازنین اسماعیل زاده
طراحی و ایده پرداز
باتشکر از سید محمد جواد طاهری



۱۰ سال نسل کشی و بمباران
آدمتون نگرد؟ باید به ایران
مظالم رو به این روز بیندازن؟



نه به جنگ و
خون ریزی!
این کار جدیه
آخه!



عموما لطفاً به ایران
حمله کنین. سر بازان
اوم رابک سید. منگ
امروز عصر وقتتون
آزاده؟

حجاب استایل صورتی جیف



Live
عباز
بسیوزی فلسطین
لطفاً قدس را
مصادره نکنین.
بچه ها اینطرح
مخصوصاً سفر به
قدس هست.

حجاب استایل صورتی جیف



Live
دز زمان
طوفان الاقصه
کاش آتیش
هیچ جنگ نباشیم.
بچه ها بابت سفره
لباس فقط از
طریق اینترنت.

فناوری

همتی نوین از دانشمندان سلول‌های بنیادی

داروی درمان لک و پیس ایرانی، آماده برای صادرات



ریکالرسل به عنوان داروی جدید درمان بیماری لک و پیس یکی از تولیدات جدید کشور در حوزه سلول‌های بنیادی است که اخیراً در سفر رئیس دولت امارات معرفی و در خصوص تولید آن در ابوظبی هم‌اندیشی شد. رئیس مجلس در دیدار با رئیس دولت امارات، دو نوع داروی دانش بنیان ایرانی را به عنوان نماد پیشرفت کشورمان به او هدیه داد. داروی سلولی «ریکالرسل» و واکسن نو ترکیب آنفلونزا «فلوگارد» دو محصول فناورانه ایست که دانش فنی تولید آن در کشور بومی شده و به مرحله تولید رسیده است.

در نتیجه، بخش‌هایی از پوست رنگ خود را از دست می‌دهند و سبب ایجاد لک روی آن می‌شود. این وضعیت، در هر جای بدن ممکن است رخ دهد، شایع‌ترین مناطق درگیری پوستی عبارت‌اند از: صورت، لب‌ها، دست‌ها، بازوها و پاها. نواحی درگیر و وسعتی از پوست که تحت تأثیر «ویتیلیگو» قرار می‌گیرد در افراد مختلف متفاوت است. از هر صد نفر، یک یا دو نفر به این بیماری مبتلا می‌شوند.

از درمان‌های رایج این بیماری، می‌توان پمادهای موضعی، داروهای سرکوب‌کننده سیستم ایمنی، نور درمانی و لیزر را نام برد. هزینه بالای روش‌های مذکور و عدم پاسخ مناسب بدن بیمار، دوره درمان طولانی و هم‌چنین امکان بازگشت لک‌ها سبب شد که دانشمندان به دنبال روش درمانی نوینی جهت درمان این بیماری باشند. سلول درمانی، روشی است که به کمک پزشکی نوین توانسته امیدهای تازه‌ای را برای درمان این بیماران ایجاد کند.

تنها تعداد کمی از کشورهای پیشرفته می‌توانند محصولات پلاکت انسانی را که جایگزین پروتئین گوی است، استفاده کنند که در حال حاضر نیز این محصولات با قیمت بسیار گران در حال وارد شدن به کشور است.

وی تصریح کرد: خوش بختانه این شرکت با کمک نخبگان و متخصصان خود توانست این محصول را تولید و مجوز آن را نیز از سازمان غذا و دارو کسب کند. بنابراین علاوه بر این که کشور را در حوزه محصولات با فناوری بالا، به خودکفایی رسانده‌ایم و صادرات آن را نیز در برنامه داریم، گلوگاه قیمت تمام‌شده محصول خود را نیز برطرف کرده و با این کار توانستیم قیمت این محصول را به مقدار زیادی کاهش دهیم، به طوری که قیمت درمانی این محصول برای بیماران کشورمان بسیار معقول و قابل پرداخت است. مدیرعامل سل تک فارمد تأکید کرد: در ادامه نیز در حال بازنگری فرآیندهای تولید خود هستیم تا محصولات دیگر این شرکت را که در حوزه سلول درمانی و برای بیماری‌های لاعلاج تولید می‌کنیم، کاهش قیمت داده و به بازار ایران عرضه کنیم. با کاهش قیمت این داروها در داخل کشور، می‌توانیم توریست درمانی را نیز در برنامه خود قرار دهیم و به این شکل، علاوه بر این که مانع ارزبری از طریق مواد اولیه داروهای موردنظر شده‌ایم، در زمینه این محصولات درمانی خودکفا شده و ارزآوری نیز خواهیم داشت. «پیس» یا «ویتیلیگو»، یک بیماری پوستی است که در آن سلول‌هایی که مسئول ایجاد رنگ پوست هستند (ملانوسیت) از بین رفته و دیگر رنگدانه پوست (ملانین) تولید نمی‌کنند. ملانین، رنگدانه‌ای است که عامل تعیین‌کننده رنگ پوست، مو و چشم‌های ما است.

مدیرعامل شرکت دانش بنیان سل تک فارمد، در این زمینه اظهار داشت: این شرکت در سال‌های اخیر، پژوهش‌ها و بررسی‌های زیادی روی محصولات دانش بنیان و با فناوری بالا، برای درمان بیماری‌هایی که به سختی معالجه شده و یا لاعلاج هستند، انجام داده است.

مهدی هادی ادامه داد: شرکت سل تک فارمد، اخیراً مجوز یک محصول سلول درمانی، تحت عنوان «ریکالرسل» را برای درمان بیماری خودایمنی «ویتیلیگو» یا «پیس»، دریافت کرده است. «ریکالرسل»، یک محصول سلولی است که حاوی یک ویال یا سلول زنده است، که از طریق گرفتن نمونه از پوست بیمار دریافت می‌شود. با استخراج سلول‌های مدنظر و کشت و تکثیر این سلول‌ها، می‌توان سلول‌ها را آماده و در اختیار پزشک قرار داد، پزشک نیز با تزریق آن به بیمار، بیماری ویتیلیگو یا لک و پیس را درمان می‌کند.

وی افزود: موضوع بسیار مهمی که وجود دارد، این است که سلول‌های بنیادی و محصولات سلول درمانی نه تنها در ایران، بلکه در تمام دنیا و حتی کشورهای پیشرفته نیز قیمت تمام‌شده بالایی دارند و کارخانه‌ها مجبور هستند که این محصولات را با قیمت بسیار بالایی به دست بیماران برسانند و بسیاری از بیماران نیز با توجه به قدرت خرید پایین، در تهیه آن با مشکل مواجه هستند. کاهش قیمت تمام‌شده دارو برای بیمار

مدیرعامل سل تک فارمد ادامه داد: این محصولات در کشورهایی مثل آمریکا از ۱۵ هزار دلار برای مشکلات کوچک تا ۴۰۰ هزار دلار برای درمان‌های متغیر هزینه دارد. به گفته هادی در شرکت سل تک فارمد، با بررسی‌های انجام شده گلوگاه کاهش هزینه این محصولات دارویی، مواد اولیه آن شناسایی شد. وی ادامه داد: محصولات سلول درمانی، هم‌اکنون در شرکت سل تک فارمد در حال تولید است و به شکل انبوه می‌توانیم آن‌ها را وارد بازار کشور کنیم. هم‌چنین برنامه‌ریزی برای صادرات آن‌ها با برند ایرانی در اروپا نیز در حال انجام است.

هادی، درباره کارایی این محصول دارویی گفت: محصول PL جایگزین سرمی به نام FBS است که از خون گاو گرفته می‌شود و تا به حال در تمام دنیا از این ماده پروتئینی برای کشت، تکثیر و تولید محصولات سلول درمانی استفاده می‌شد.

اما به دلیل بیماری‌های مشترک میان انسان و دام، اخیراً در دنیا هیچ شرکتی اجازه استفاده از محصولات دامی را به عنوان ماده اولیه محصولات دارویی ندارد و این امر کار سلول درمانی را بسیار گران‌تر کرده است. به طوری که



«ریکالرسل»، یک محصول سلولی است که حاوی یک ویال یا سلول زنده است، که از طریق گرفتن نمونه از پوست بیمار دریافت می‌شود. با استخراج سلول‌های مدنظر و کشت و تکثیر این سلول‌ها، می‌توان سلول‌ها را آماده و در اختیار پزشک قرار داد، پزشک نیز با تزریق آن به بیمار، بیماری ویتیلیگو یا لک و پیس را درمان می‌کند

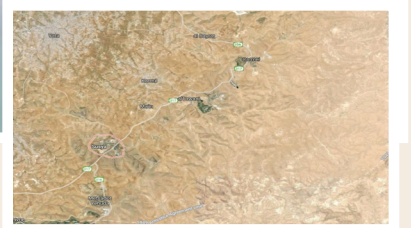
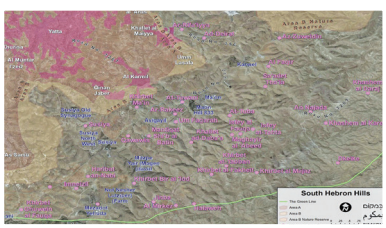


در عین حال که برخی محتواهای تولیدی گویای این واقعیت است که اتفاقاً رسانه‌هایی هستند که جانبدارانه رفتار کرده و سیاست‌های پشت پرده خود را دنبال می‌کنند، کافی است نگاهی به اخبار و ادبیات گفتاری در خصوص اخبار بیندازید تا مظلوم‌نمایی یک جبهه و جانبداری از آن را به عینه مشاهده کنید



جنگ روایت هادر نوار غزه

رسانه‌ها کدام طرف جنگ را خشن می‌خوانند؟



می‌گوید: «فکر نمی‌کنم اسرائیل بتواند تک‌تک اعضای حماس را منحل کند، زیرا این ایده اسلام افراطی است. اما شما می‌توانید آن را تا جایی که می‌توانید، ضعیف کنید تا عملیاتی نشود.»

استفاده از کلمات خاص و ادبیات گفتاری برای یک سوی جبهه جنگ از شیطنت‌های رسانه‌ای است که موجب می‌شود مخاطب ناآگاه در مسیر فکری که رسانه به دنبال آن است، قرار گرفته و از واقعیت دور شود.

حذف هویت در گوگل مپ

نه تنها در اخبار بلکه در تحقیق سیاست‌ها نیز رسانه‌هایی هستند که مداخله می‌کنند؛ تا جایی که به ظاهر یکی از بی‌طرف‌ترین رسانه‌ها یعنی گوگل مپ در اظهار نظرهای جدید به حذف روستاهای فلسطین در نقشه متهم شده است. در اکتبر ۲۰۱۶ گروهی از فلسطینی‌های همکار در «اتحاد بازسازی» ۳ در برلین گیم کالیفرنیا نامه‌هایی را به دفاتر گوگل و اپل در سیلیکون ولی تحویل دادند و تقاضا کردند هر دو نقشه‌هایشان را با داده‌های گمشده به روز کنند. دانا بارنسکی واکر، بنیانگذار و مدیر اجرایی اتحاد، به مجله اینترنتی تروث آوت توضیح داد که «در نقشه‌های اپل، حداقل ۵۵۰ روستا از دید جهان مخفی شده‌اند. نقشه‌های گوگل ۲۲۰ روستا (در منطقه سی ۴) را نشان نمی‌دهد». در حال حاضر نقشه‌های گوگل و اپل شهرک‌های با مجوز و بی‌مجوز اسرائیلی را نشان می‌دهند، که همه بر اساس حقوق بین‌الملل غیرقانونی هستند و سیاست رسمی آمریکا را نقض می‌کنند و همزمان مناطقی حومه‌ای را خالی نشان می‌دهد که در واقع دربرگیرنده صدها روستای فلسطینی است. در وضعیتی که آتش جنگ در غزه همچنان شعله‌ور است، بی‌شک بازی‌های رسانه‌ای می‌تواند با آگاهی و دقت مخاطبان خنثی شود.

در نوار غزه از برق، آب، غذا و خدمات پزشکی «کشتار دسته‌جمعی» است، تأکید کرد که شاخه نظامی این جنبش، گردان‌های عزالدین قسام، تنها دستگاه‌های نظامی و امنیتی اسرائیل را هدف قرار می‌دهد و به غیرنظامیان آسیبی نمی‌رساند.

ادبیات گفتاری به نفع چه کسی است؟

اما در عین حال که برخی محتواهای تولیدی گویای این واقعیت است که اتفاقاً رسانه‌هایی هستند که جانبدارانه رفتار کرده و سیاست‌های پشت پرده خود را دنبال می‌کنند، کافی است نگاهی به اخبار و ادبیات گفتاری در خصوص اخبار بیندازید تا مظلوم‌نمایی یک جبهه و جانبداری از آن را به عینه مشاهده کنید.

به عنوان مثال بی‌بی‌سی در خبری آورده است: «نخست‌وزیر بنیامین نتانیاهو پس از آنکه جنگجویان این گروه شبه‌نظامی در حمله وحشیانه‌ای به اسرائیل ۱۳۰۰ نفر را کشتند، گفت، هر عضو حماس یک مرد مرده است.» هدف عملیات شمشیرهای آهنین بسیار بلند پروازانه‌تر از هر چیزی است که ارتش قبلاً در غزه برنامه‌ریزی کرده بود. اما آیا این یک مأموریت نظامی واقع‌بینانه است و فرماندهان آن چگونه می‌توانند آن را انجام دهند؟

تهاجم زمینی به نوار غزه شامل نبردهای شهری خانه‌به‌خانه است و خطرات زیادی برای جمعیت غیرنظامی دارد. حملات هوایی تاکنون جان صدها نفر را گرفته است و بیش از ۴۰۰۰۰ نفر خانه‌های خود را ترک کرده‌اند.

ارتش وظیفه اضافی نجات حداقل ۱۵۰۰ گروگان را دارد که در مکان‌های نامعلومی در سراسر غزه نگهداری می‌شوند. هرزی حلوی، رئیس ستاد نیروهای دفاعی اسرائیل (IDF)، قول داده است که حماس را برچیده کند و رئیس سیاسی آن در غزه را مشخص کرده است. اما آیا چشم‌انداز نهایی برای چگونگی نگاه غزه پس از ۱۶ سال حکومت خشونت‌آمیز حماس وجود دارد؟

امیر بار شالوم، تحلیلگر نظامی از رادیو ارتش اسرائیل

فلسطینی، از سال ۲۰۰۰ تاکنون نیروهای صهیونیستی و شهرک‌نشینان بیش از ۲۳۰۰ کودک فلسطینی را به شهادت رسانده‌اند. در خصوص قتل عام کودکان نیز جنبش حماس با انتشار بیانیه‌ای ضمن تکذیب قتل کودکان توسط نیروهای فلسطینی، جنایتکار اصلی رژیم صهیونیستی توصیف و اعلام کرده است: «رژیم اشغالگر از طریق بمباران هوایی و شلیک موشک‌های ممنوعه بین‌المللی ۱۰۵۵ غیرنظامی فلسطینی از جمله بیش از ۳۰۰ کودک و ۲۰۰ زن را به شهادت رسانده و ۵۱۵۰ غیرنظامی دیگر که بیش از ۱۲۰۰ نفر از آنان کودک و ۱۰۰۰ نفر نیز زن هستند، را مجروح کرده و ۱۰۰ نفر از کادر پزشکی را هم شهید یا زخمی کرده است و هنوز هم ۱۰۰ نفر از شهروندان اعم از زن و کودک و سالخورده زیر آوارها در حال جان دادن هستند. غیرنظامیان همچنان به شیوه‌ای هدفمند مورد هدف قرار می‌گیرند و این رژیم اقدام به قطع برق و آب به روی ساکنان غزه کرده و مانع از ورود کمک‌های غذایی و دارویی برای آنان می‌شود.»

در این بیانیه با اشاره به اینکه ادعاهای مورد بحث «فقط روایت‌های ساخته‌شده از سوی اسرائیل برای تهمت‌زدن به ملت فلسطین و مقاومت آنها است»، آمده است: آخرین این تهمت‌ها این بود که کودکان را به قتل رساندند و غیرنظامیان را هدف قرار دادند.

در بیانیه فوق تأکید شد که پذیرش و ترویج بدون تحقیق روایت اسرائیل و جانبداری از آن «فروپاشی رسانه» بوده و این ادعاها در راستای «تلاش برای سرپوش گذاشتن بر جنایات کشتار جمعی» توسط اسرائیل در نوار محاصره‌شده غزه صورت می‌گیرد. اما با بر ملا شدن ماهیت واقعی تصاویر کودکانی که ادعا می‌شد قتل عام شده‌اند، سارا سیدنر خبرنگار CNN بابت خبر دروغ سربریدن نوزادان توسط حماس عذرخواهی کرد. خانم سیدنر نوشت: خبر سربریدن نوزادان توسط حماس کذب بوده و دولت اسرائیل امروز اعلام کرده نمی‌تواند اخبار دفتر نتانیاهو را تأیید کند.

همچنین حماس با بیان اینکه محرومیت غیرنظامیان

با وجود اینکه برخی رسانه‌های شناخته‌شده خود را بی‌طرف و حرفه‌ای می‌دانند اما در جنگ اخیر حماس و اسرائیل باز هم دست آنها رو شده است.

حتماً این ایده را شنیده‌اید که رسانه می‌تواند واقعیت را وارونه جلوه دهد؛ موضوعی که تنها سدان، آگاهی هر چه بیشتر مخاطب و برخورد درست با اخبار است. در جنگ اخیر حماس و اسرائیل بار دیگر شیطنت‌های رسانه‌ای باعث شد تا نظر افکار عمومی در خصوص میزان حرفه‌ای‌گری رسانه‌ها جلب شود.

در این مدت هر چند بسیاری از کشورها علناً خود را بی‌طرف نشان داده و اعلام کرده‌اند که در این جنگ نقشی نداشته و یا نمی‌خواهند داشته باشند، اما برخی رسانه‌های وابسته یا فعال در جغرافیای خاص با موضع‌گیری خود بمباران جدیدی به راه انداخته‌اند. از مصادیق علت جنگ و خشونت‌آمیز خواندن یک جبهه و تظاهر به مظلومیت جبهه دیگر تا اخبار اشتباه از میزان کشته‌شده‌ها و وضعیت غیرنظامیان، نمونه‌ای از برخوردهای غیرحرفه‌ای بوده است.

ساختن بعد از ویران کردن

بمب‌خبری در روزهای اخیر مربوط به وضعیت کودکان جنگ بوده و هر چند کشته‌شده غیرنظامی از هر دو جبهه اعلام شده اما در خبری، اسرائیل، حماس را به سربریدن کودکان و به اسارت گرفتن آنها متهم کرد.

این در حالی است که بر اساس گزارش سازمان ملل متحد که وب‌سایت دفاع از حقوق کودکان فلسطینی آن را منتشر کرده، نیروهای صهیونیستی و شهرک‌نشینان از سال ۲۰۰۸ تاکنون حداقل ۳۷۵۲ غیرنظامی فلسطینی را در سراسر کرانه باختری اشغالی از جمله بیت‌المقدس شرقی و نوار غزه به شهادت رسانده‌اند. همچنین بر اساس اسناد جمع‌آوری‌شده توسط بنیاد دفاع از حقوق کودکان

فرهنگ

در شرایطی بازیگران
و کمپانی های
فیلمسازی دنیا برای
حمایت از اسرائیل
بسیج شده اند که
سهم فلسطین از
ظرفیت حمایت
هنرمندان دنیا
سکوت سنگینی
است که بوی
منفعت طلبی
می دهد.
منفعت طلبانی که
در دو میدان اما
با یک هدف و در
یک جبهه؛ پشت
تا پشت هم مقابل
فلسطین جبهه
گرفته اند



سکوت فراگیر سلبریتی ها در برابر جنایات اسرائیل

هانیه شجاعی زند

نویسنده

بی گناهی که درد، خشونت و عدم اطمینان فوق العاده‌ی بی تجربه می‌کنند، انجام دهیم. شرکت والت دیزنی اعلام کرده دو میلیون دلار به سازمان‌هایی که در حال ارائه کمک‌های بشردوستانه هستند، اهدا می‌کند. اما تنها کمپانی‌های هالیوودی حامیان اسرائیل نیستند بلکه هنرمندان هم بنا به وظیفه‌ای که دارند پیام حمایت‌شان را به دنیا مخابره کردند. از جمله این اشخاص مدونا، گل گدوت، نینا دوبرو، سوفیا ریچی، آشلی تیزدل و کایلی جنر هستند. این سلبریتی‌ها با توجه به تبعات حمایت‌شان از اسرائیل از طرف مردم حق طلب و انسان دوست دنیا ترجیح داده‌اند تا در زمینی بازی کنند که برای آن مشهور شدند. هرچند با فشار فالورها و ریزش چند میلیونی کاربران‌شان مجبور شدند کامنت‌های حمایتی خود از اسرائیل را پاک کنند. علاوه بر پست‌های فردی در رسانه‌های اجتماعی، یک بیانیه توسط ۷۰۰ هنرمند و اینفلوئنسر امضا شده است. هنرمندانی مانند «کریس پاین»، «مام بیالیک»، «لیو شرابیر»، «گل گدوت»، «جری ساینفلد»، «مایکل داگلاس»، «امی شومر»، «جیمی لی کورتیس»، «رایان مورفی» از مردم اسرائیل حمایت کردند.

دست وحشت پشت سلبریتی‌های هالیوودی

مرور تاریخ به عقب نشان می‌دهد همین معترضان امروز به قیام فلسطینیان، ۱۰ سال پیش در برابر جنایات اسرائیل علیه مردم فلسطین با هشتک فلسطین را آزاد کنید از مردم مظلوم دفاع کرده‌اند. کسانی مانند ریچانا، جان کیوزک، مدونا، میا فارو، ماریو بالوتلی، خاویر بارد، کری واشنگتن، پنلوپه کرو، راب اشناپدر

در حالی اسرائیل در غزه در حال نسل کشی و کودک کشی است که هنرمندان و کمپانی‌های فیلمسازی هالیوود، اسرائیل را در این جنایات تنها نگذاشته‌اند و هر روز خبر حمایت یکی از آنها از درز رسانه‌ها منتشر می‌شود.



رابرت ایگر، مدیرعامل شرکت والت دیزنی در مقابل نسل کشی اسرائیل بالحنی سرشار از دلسوزی برای رژیم کودک کش اسرائیل پیام حمایت خود را این گونه اعلام می‌کند و می‌گوید: به دنبال حملات وحشتناک علیه یهودیان در اسرائیل در هفته گذشته، ما باید هرکاری که می‌توانیم برای حمایت از مردم

یک جبهه، پشت تا پشت هم مقابل فلسطین جبهه گرفته‌اند. از عکس دسته جمعی کوئنتین تارانتینو در یک پایگاه نظامی اسرائیل در چند روز اخیر تا اعلام حمایت دو میلیون دلاری والت دیزنی از اسرائیل و در کنار آنها سکوت هنرمندان در سایر کشورها بخصوص ایران سهم نابرابر فلسطین را در عرصه رسانه و فیلم نشان می‌دهد.

وجدان‌های خاموش زیر خاکسترمنافعت طلبی

در شرایطی بازیگران و کمپانی‌های فیلمسازی دنیا برای حمایت از اسرائیل بسیج شده‌اند که سهم فلسطین از ظرفیت حمایت هنرمندان دنیا سکوت سنگینی است که بوی منفعت طلبی می‌دهد. منفعت طلبانی که در دو میدان اما با یک هدف و در

چرا فلسطین باید آزاد شود

در حقیقت حامیان اسرائیل از کسانی پشتیبانی می‌کنند که محسن بهاروند در بریتانیا در توصیف آنها می‌گوید: در تاریخ روابط بین الملل رژیم مخوف تر، بی رحم تر و ضد بشری تر از رژیم صهیونیستی ظهور نکرده است.

معاون پیشین حقوقی و بین المللی وزارت امور خارجه و سفیر پیشین ایران در بریتانیا در ادامه توصیف و تشریح خود از اسرائیل می‌گوید: هیچ جنایتی نیست که این رژیم به صورت مکرر انجام نداده باشد. اشغال، تجاوز، جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت، جنایت علیه غیرنظامیان، انفجار منازل مسکونی، از بین بردن مزارع و باغات، زندانی کردن کودکان، ترور بیسم، آدم ربایی، تبعیض نژادی، آپارتاید، نقض گسترده و وسیع حقوق بشر و هر جنایتی که تاکنون علم حقوق آن را شناسایی کرده است توسط این رژیم ارتکاب یافته است. فقط ارتکاب یک فقره از این جنایات گسترده و سازمان یافته کافی بود تا سیاستمداران یک کشور را در معرض تعقیب قضایی و تفر بین المللی قرار دهد، ولی هیچ کشوری و هیچ محکمه‌ای تاکنون جرأت نکرده است جنایتکاری از ساختار سیاسی این رژیم به پای میز محاکمه کشانده و او را مجازات کند.



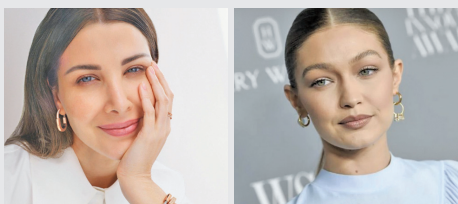
این داستان تنها در هالیوود جریان ندارد. همین جا در قلب حامیان مظلومان دنیا یعنی ایران هم هنرمندان در یک اجماع تقریباً جمعی خود را کنار کشیده‌اند و در سکوتی همه‌گیر ترجیح داده‌اند واکنشی در حمایت از مردم مظلوم فلسطین از خود نشان ندهند

رابطه سببی هالیوود و اسرائیل

شاید یادآوری داستان تکراری بنیانگذاران هالیوودی خالی از لطف نباشد. نیل گابرنویسنده یهودی تبار در کتابش تحت عنوان «امپراطوری از آن خودشان: چگونه یهودیان هالیوود را اختراع کردند» به سال ۱۹۸۸ نشان داد که بزرگ‌ترین استودیوهای هالیوود از جمله کلمبیا، مترو گلدوین مایر، برادران وارنر، پارامونت، یونیورسال و فاکس قرن بیستم توسط یهودیان تأسیس شده‌اند و به واسطه یهودیان اروپای شرقی اداره می‌شوند. زمانی که فیلم‌های ناطق پا به عرصه ظهور گذاشتند، هالیوود مورد تاخت و تاز نویسندگان یهودی قرار گرفت. اسکات فیتزجرالد از تأسیس صنعت فیلمسازی غرب به منزله جشنی برای یهودیان یاد می‌کند و معتقد است که اداره هالیوود به واسطه یهودیان بیشتر شبیه یک تراژدی است.

احاطه هالیوود توسط یهودیان چنان سریع صورت گرفت که هنری فورد در کتاب «استقلال نازپرورده» به این نتیجه می‌رسد که یهودیان تنها بر ۵۰ درصد از صنعت فیلمسازی احاطه ندارند بلکه تمامی آن را در اختیار دارند. لابی صهیونیسم در هالیوود، در عرصه تولید فیلم‌های کودکان نیز تاکنون بسیار مؤثر و فعال عمل کرده است. امروز در سراسر دنیا «والد دیزنی» نامی آشناست و بیشتر کودکان شخصیت‌های کارتونی والد دیزنی را به خوبی می‌شناسند. بد نیست بدانیم اولین شخصیت مشهور آثار والد دیزنی: «میکي ماوس» نمادی از همان یهودی سرگردان و بی‌کس است که مدام از سوی رقیبان قوی تر تهدید می‌شود و او صرفاً با اتکا به زیرکی و چالاک‌گی خویش، بر تمامی دشمنان فائق می‌آید. امروز هم تداوم این شخصیت کارتونی را در انیمیشن «تام و جری» می‌توان مشاهده کرد که موشی بدجنس و فریبکار با تکیه بر شیطنت‌ها و ناجوانمردی‌هایش به طرز اعجاب‌آوری همیشه بر گربه‌ای نادان و احمق پیروز می‌شود. این قبیل آثار در دادن حس اعتماد به نفس به مخاطبان یهودی و همچنین در دادن الگویی دغل و بدجنس به کودکان و نوجوانان بی‌گناه جهانیان تأثیر بسزایی دارد. و امروز دیزنی در مأموریت جدید سرمایه خود را پای کار آورده و دو میلیون دلار به سازمان‌هایی که کمک‌های بشردوستانه در اسرائیل ارائه می‌کنند، اهدا می‌کند.

دنیای هنر خالی از لطف نیست



«جی جی حدید» مدل فلسطینی تبار از جمله چهره‌هایی است که با انتشار بیانیه‌ای نسبت به حملات روزهای گذشته واکنش نشان داد. «نانسی عجرم» نیز روز گذشته با انتشار پیامی در صفحه «توییتر» خود نوشت: «خداوند، از فلسطین، لبنان و همه کشورهای عربی ما محافظت کن! ما شایسته زندگی در صلح در سرزمین خود هستیم.» البته از میان انبوه هنرمندان ایرانی برخی از جمله رضا رشیدپور، ملیکا زارعی، آریتا ترکشوند، علیرضا خمسه، علیرام نورایی، پویا بیاتی، ژیلا صادقی، جواد قارایی و علی اکبر قلیچ را می‌توان نام برد که با انتشار پیامی در صفحات خود نسبت به حملات رژیم صهیونیستی واکنش نشان دادند.

نسل‌کشی اسرائیل در فلسطین است و ساده‌لوحانه است اگر هنرمندان مان را تا این اندازه کوتاه‌نظر تصور کنیم.

سکوت هنرمندان بخصوص آنهایی که منتظر کوچک‌ترین جرعه‌ای هستند تا به اسم انسانیت و حق خواهی شعار بلند سربدهند از چند منظر قابل بررسی است.

بررسی نظام فکری و دنیای حبابی شکل گرفته در بستر زندگی اغلب این هنرمندان در دایره خودتحقیری در مقابل غرب تعریف می‌شود در حقیقت این دسته از هنرمندان همیشه به سمتی می‌ایستند که غرب به عنوان وطن اصلی آنها ایستاده. این هنرمندان که اغلب دو تابعیتی محسوب می‌شوند مبنای فکری و ایدئولوژی خود را غرب تعریف کرده‌اند و همین بهانه برای سکوت‌شان کفایت می‌کند.

در عین حال دسته‌ای دیگر از هنرمندان هستند که به امید حضور در جشنواره‌های خارجی و عبور از روی فرش قرمز جشنواره‌ها و در سطوح پایین‌تر پذیرفته شدن آنها در میان اهالی هنری که از سمت سفارتخانه‌های خارجی حمایت می‌شوند ترجیح می‌دهند سکوت کنند تا از کسانی دفاع کنند که تبعاتی دارد و منافع‌شان را به خطر می‌اندازد.

این بی‌تفاوتی تا به آنجاست که خبرنگار بنگاه رسانه‌ای انگلیس بی‌بی‌سی، به علت نوع گفتار و سیاست رسانه‌ای این شبکه خبری درباره جنگ غزه استعفا داد.

به گزارش فرارو، نوح آبراهامز جوان ۲۲ ساله یهودی است که برای بخش ورزشی رادیو بی‌بی‌سی کار می‌کند. او با انتشار پیامی در پیام‌رسان ایکس (توییتر)، اعلام کرد دیگر برای بی‌بی‌سی کار نمی‌کند و از این پس هیچ همکاری با این شبکه خبری نخواهد داشت.

وی علت این کارش را نوع سیاست خبری بی‌بی‌سی اعلام کرده است که بر اساس آن، نیروهای حماس باید تروریست خوانده شوند حال آنکه این جوان یهودی نظر دیگری دارد و معتقد است نیروهای حماس، مبارزان آزادی‌خواه هستند. مردم مظلوم فلسطین بیش از ۷۰ سال در سکوت رسانه‌ای و بی‌توجهی جامعه بین‌الملل امروز را با طوفان الاقصی جشن می‌گیرند و پیروزی محتمل آنها در آینده‌خار چشم‌کسانی است که برای رسیدن به منافع شخصی خود ترجیح دادند نه تنها پشت مظلومیت مردم فلسطین نباشند بلکه برای تطهیر خود از این حمایت، در مقابل آن جبهه گرفته‌اند.



تنها کمپانی‌های هالیوودی حامیان اسرائیل نیستند بلکه هنرمندان هم بنا به وظیفه‌ای که دارند پیام حمایت‌شان را به دنیا مخابره کردند. از جمله این اشخاص مدونا، کل گدوت، نینا دوبرو، سوفیا ریچی، آشلی تیزدل و کابیلی جنر هستند

رانی گیرم! مرور این واکنش‌ها در جامعه هنری جهان نشان می‌دهد که با وجود تبلیغات وسیع رسانه‌های غربی بر ساخت تصویر مظلوم نمایان از اسرائیل و گستردگی جریان‌های رسانه‌ای علیه نیروی مقاومت سبب نشده است تا پیام حق طلبی مردم فلسطین به گوش مردم دنیا نرسد، اما آنچه عیان است دنیای شکل گرفته امروز که بر پایه اصول لیبرالیسم و منفعت‌طلبی خود را تعریف کرده است هنرمندان برای در امان ماندن از تبعات همراهی با جبهه حق ترجیح می‌دهند با سکوت کنند یا مانند مدونا برای رهایی از غضب و خشم ناشی از حمایتش از مردم فلسطین ۱۰ سال بعد پرچم حمایت از اسرائیل را بلند کند.



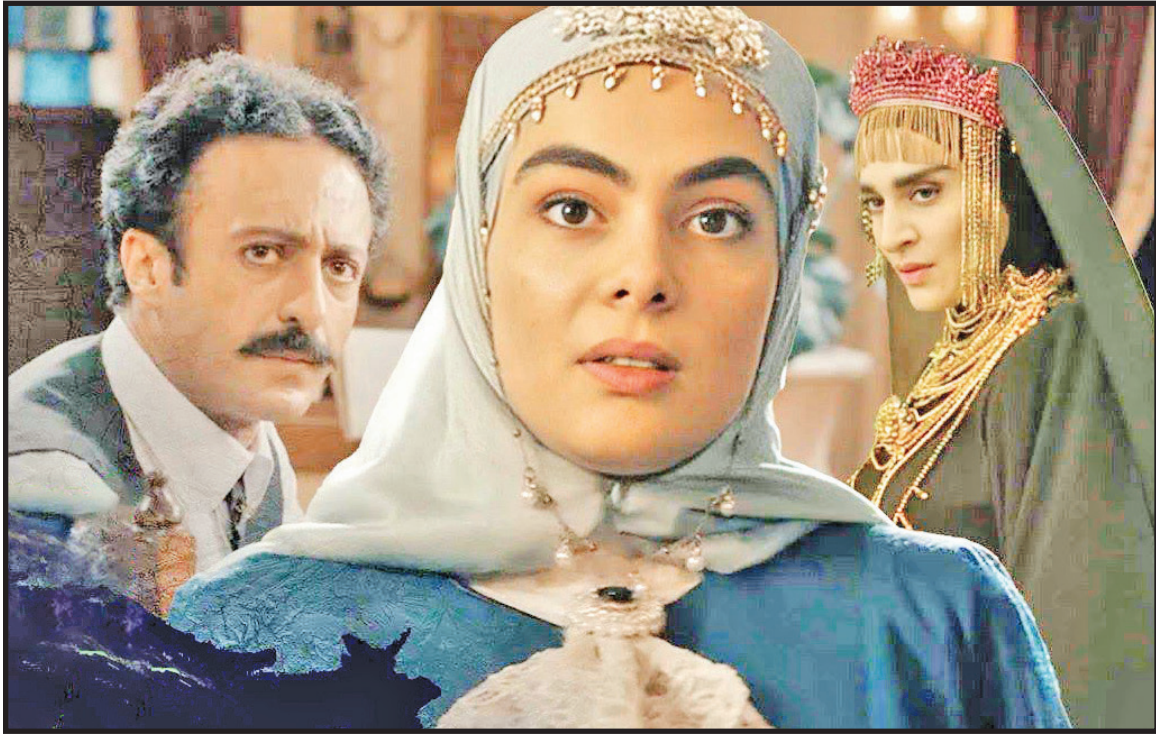
کوئنتین تارانتینو در یک پایگاه نظامی اسرائیل

هرچند که این سلبریتی‌ها خیلی زود پست‌های توییتر و اینستاگرام خود را پاک کردند و برای تطهیر خود این گونه واکنش نشان دادند. ریچانا پست توییتر خود را پاک کرد، هاوارد عذرخواهی کرد و گفت که پستش اشتباه بوده و او هیچ وقت درباره مباحث سیاسی جهان نظر نداده و هیچ وقت هم نظر نخواهد داد و گومز هم یک پست دیگر در ادامه گذاشت و گفت: البته برای واضح‌تر شدن بیشتر باید بگویم من سمت کسی





«رحیل» داستانی عاشقانه رامحملی برای نقد خرافه و سیاست بازی های کودکانه کرد و در عین حال به شناسایی جامعه در حد فاصل دوران قاجار و پهلوی پرداخت و در کنار نمایش چهره شخصیت هایی که مابه ازای واقعی آنان در تاریخ وجود داشته است، ماجراهایی را نقل کرد که طی پژوهش حاصل شده است



چرا به سراغ ساخت اثری با موضوع تاریخی از دوران قاجار رفتید؟

داستان پردازی حول تاریخ یا داستان گویی تاریخی از دیرباز و در ادبیات ایران و جهان رواج داشته است؛ وقتی به دل تاریخ می زنید، قرائتی از اتفاقات فراموشی و فرامگانی می یابید که می تواند چراغ راه آیندگان باشد. داستان سریال رحیل از قاجار آغاز و به پهلوی می رسد و در جریان روایت ماجراهای مختلف، نوعی شناخت از آدمیان آن برهه زمانی پیش رو می گذارد که می تواند برای این دوران هم جذاب باشد که زمانی اجداد ما با چه مسائل و مصائبی روبه رو بودند و چقدر خودشان و چقدر ساختار حاکم در مشکلاتشان نقش داشته است. در مورد سیر داستانی سریال «رحیل» در فصل دوم توضیح دهید.

سریال «رحیل» در دو فصل ۲۰ قسمتی طراحی شده است که بخش فصل اول به اتمام رسیده و در حال آماده سازی فصل دوم آن هستیم که در ایام فاطمیه روی آنتن خواهد رفت؛ سیر داستانی دو فصل در امتداد یکدیگر بوده و شخصیت های اصلی ثابت هستند و فقط برخی کاراکترهای فرعی در فصل دوم افزوده خواهند شد و به نوعی یک قیاس میان مدرن ایجاد خواهد شد.

لطفاً در مورد ترکیب هوش مصنوعی با رئال برای طراحی برخی نماها و استفاده از تکنیک های خاص تصویربرداری در این کار توضیح دهید. فکر می کنم هر سریالی که برای مخاطب ایرانی تولید می شود، باید استانداردهای بالای تکنیکی را داشته باشد. خوشبختانه در کشورمان تکنیسین های رایانه ای حادثی



رحیل

قصه ای زنانه در دل تاریخ ایران

بهناز شریفی
روزنامه نگار

سریال تاریخی «رحیل» که به نویسندگی فرهاد نقدعلی و کارگردانی مشترک رامین عباسی زاده و مسعود آب پرور از اواخر مردادماه روی آنتن شبکه سه سیما رفت، روایتی از پایان دوران قاجار و ابتدای دوران پهلوی را مقابل چشمان مخاطب آورد و قرار است فصل دوم آن در ایام فاطمیه پخش شود. این مجموعه که حول قصه ای زنانه روایت شده بود، داستان فردی به اسم مها و از دربار قاجار را روایت می کرد که قصد داشت دیگر زنان اندرونی را با خود متحد و یک تعزیه عاشورایی اجرا کند و در عین نمایش بخش مهمی از تاریخ کشور، مباحث اجتماعی و سیاسی آن دوران را نیز نمایش می داد. «رحیل» داستانی عاشقانه رامحملی برای نقد خرافه

داریم که خیلی برمتدسی جی آی (جلوه های رایانه ای) تسلط دارند و هر چه بیشتر از این تکنیسین ها استفاده کنیم، هم کیفیت کارهایمان بالا می رود و هم در سایه اشتغالزایی، آنها رشد می کنند؛ در سریال «رحیل» سعی کردیم همه نماها طبیعی و کاملاً منطبق با بازه زمانی داستان باشد و ترکیب رئال با سی جی آی در این مسیر بود. هوش مصنوعی نیز ابزاری است که با فرماندهی انسانی از آن سود جستیم و هم تیزتر از خلاقانه ای -تیزتر از اول سریال- به کمک آن تولید شد و هم بعد از فوت حسام محمودی -که بازیگر شریفی بود- به مادر انتخاب بازیگر برای ادامه کاراکتر وی کمک کرد.

میزانسن های تئاتری سریال و اینکه با قاب بندی تئاتری به سمت فیلمبرداری رفته اید در کنار وجه زنانه سریال بحث برانگیز بوده است؛ این نظرات برای شما قابل پیش بینی بود؟ تئاتر و سینما و تلویزیون، مدیوم هایی کاملاً به هم پیوسته هستند که نمی توان تأثیر پذیری آنها را منکر شد و البته ثریا قاسمی، کاظم هژیرآزاد، فرخ نعمتی و نسیم ادبی که در سریال «رحیل» هم با آنها همکاری داشته ایم در تئاتر سابقه دارند؛ اینکه بخواهیم افتراقی میان سینما با تئاتر و تلویزیون ایجاد کنیم، منطقی نیست

سینما و تلویزیون برگردانیم، باید به ریشه های تئاتری این مدیوم ها توجه بیشتری کنیم و برای جسم و روح مخاطب، ارزش قائل شویم. در مورد وجه زنانه سریال هم باید بگویم همواره در سریال هایمان جایگاهی خاص برای کاراکترسازی زنانه قائل بودم و بخشی عمده ای از بار درام را بر شخصیت های زن قرار می دادم و در «رحیل» نیز با تنوعی منحصر بفرد از کاراکترهای زنانه رویه رو هستیم که هر یک به نوبه خود سرنوشت خویش را رقم می زنند بدون آنکه بدانند تقدیر چه بازی هایی برای آنها تدارک دیده است.

استقبال از کار را چگونه دیده اید و به نظر شما تفاوت این اثر با سایر آثار تاریخی پخش شده از تلویزیون چیست؟

اقبال مخاطبان با وجود تغییر مداوم زمان پخش سریال به دلیل برگزاری مسابقات ورزشی و... خوب بوده و با توجه به عرضه سریال در سامانه تلویزیون برخی از مخاطبان نیز ترجیح داده اند سریال را یکجا در تلویزیون ببینند. سریال «رحیل» سعی داشته استانداردهای مخاطب پسندی را رعایت کند و هزارگانه ای در تاکسی های اینترنتی یا هایپرمارکت ها درباره برخی کاراکترهای سریال و عاقبت شان، بحث هایی درمی گیرد و حتی بازی برخی بازیگران جوان تر سریال که با «رحیل» معرفی می شوند در شبکه های اجتماعی، مورد تحلیل مخاطبان قرار گرفته است. تلویزیون رسانه ای است که باید فراگیر باشد و تمام متخصصان سریال و تولید محتوا بتوانند در جهت اقبال مخاطب برای آن و با آن همکاری کنند. در سال های فعالیت همواره سعی کرده ام پس از بررسی محصولات همکاران داخلی و محصولات روز خارجی، برای تولید محصولی استاندارد و به روز برنامه ریزی کنم و خوشحالم که هیچ گاه در تولید سریال هایم کم فروشی نکرده ام.



تئاتر و سینما و تلویزیون، مدیوم هایی کاملاً به هم پیوسته هستند که نمی توان تأثیر پذیری آنها را منکر شد و البته ثریا قاسمی، کاظم هژیرآزاد، فرخ نعمتی و نسیم ادبی که در سریال «رحیل» هم با آنها همکاری داشته ایم در تئاتر سابقه دارند؛ اینکه بخواهیم افتراقی میان سینما با تئاتر و تلویزیون ایجاد کنیم، منطقی نیست



مروری بر زندگی و آثار داریوش مهرجویی

آغاز و پایانی متفاوت برای سینمای موج نوی ایران

مریم اسدزاده
نویسنده

خبر مرگ داریوش مهرجویی برای هر ایرانی غیرمنتظره و غریب بود. او پیرمردی کم حاشیه در سینمای این روزها بود و مانند دیگرانی که دائم از تریبون هنرمندان برای دیده شدن و در جریان اصلی سینما قرار گرفتن استفاده نمی کرد. حتی برای مجوز اکران فیلم لامینور هم که بعداً برایش مشخص شد که عنادی در کار نبوده است، دیگر سکوت کرد. او در ماجرای

اغتشاشات زن، زندگی آزادی گفت من یک هنرمندم و نظری ندارم! با این توضیحات او در رده مخالفان جمهوری اسلامی نبود، اما باید به نظرات او در فیلم هایش توجه کرد و اینکه آیا فیلم هایش هم مانند مصاحبه هایش کاری با سیاست و جامعه نداشتند؟ مهرجویی از معدود افرادی است که هم قبل از انقلاب و هم پس از آن فیلم توقیفی داشته اند.



او که دانش آموخته موسیقی و سینما و فلسفه بود و دو مورد آخر را در آمریکایی گرفته بود، فیلمهایی می ساخت با استفاده از همین دانشی که داشت. در فیلم هایش ارکان ثابتی چون بیان مسائل فلسفی البته با دیدگاه خودش و توجه به مخاطب و آداب سینما و همینطور موسیقی مشهود بود. شیفته فلسفه و سینما

او که دانش آموخته موسیقی و سینما و فلسفه بود و دو مورد آخر را در آمریکایی گرفته بود، فیلمهایی می ساخت با استفاده از همین دانشی که داشت. در فیلم هایش ارکان ثابتی چون بیان مسائل فلسفی البته با دیدگاه خودش و توجه به مخاطب و آداب سینما و همینطور موسیقی مشهود بود. شیفته فلسفه و سینما

او در ابتدای کار با فیلم الماس ۳۳ وارد سینمای ایران شد، گویی نه تنها از ینگه دنیا علم سینما و فلسفه را که حتی هنرپیشه های غربی را به ارمان آورده بود. اما این فیلم که هزینه های دو میلیون تومانی که رقمی

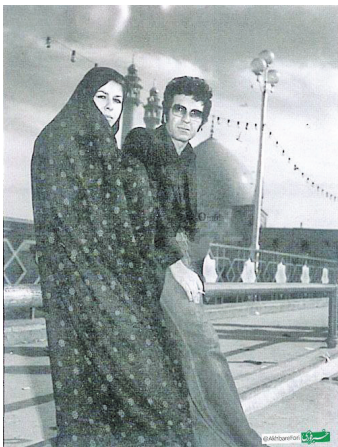
او در ابتدای کار با فیلم الماس ۳۳ وارد سینمای ایران شد، گویی نه تنها از ینگه دنیا علم سینما و فلسفه را که حتی هنرپیشه های غربی را به ارمان آورده بود. اما این فیلم که هزینه های دو میلیون تومانی که رقمی

کسی که به او یاد داد چگونه با بازیگران کار کند یاد می کند و البته تأثیر استاد خوب، در کارهای او کاملاً مشهود است. او قدرت گرفتن بازیگر از هنرپیشه گانی که در سینما مطرح نبود را داشت و آنها را تبدیل به ستاره های سینمایی کرد. افرادی چون خسرو شکیبایی و گلشیفته فراهانی با فیلمهای مهرجویی به سینما معرفی شدند.

مهرجویی پس از الماس ۲۳ با بازیگران تئاتر که برخی کارمند اداره هنرهای دراماتیک بودند فیلم گاو را ساخت. از عزت الله انتظامی تا عزت الله رضانی فر، از علی نصیریان تا خسرو شجاع زاده و... این فیلم که در

گروه فیلمهای موج نوی سینمای ایران قرار میگیرد، با فیلم فارسیهای آن دوران بسیار فاصله داشت البته پیش از مهرجویی افرادی چون فرخ غفاری با جنوب شهر و ابراهیم گلستان با خشت و آینه و... این موج راه انداخته بودند، اما فیلم گاو فیلمی بود که برای مخاطب عام هم قابل فهم و درک بود.

مهرجویی با این فیلم توانست خود را در سینمای ایران و جهان مطرح کند. به گفته اطرافیان شاه، او فیلم را دیده بود و پیامش را درک کرده بود. فیلم با اینکه در جشنواره سپاس برنده شد اما توقیف شد، سال بعد نسخهای از آن به جشنواره ونیز در سال ۱۹۷۱ قاچاق شد، نسخهای که بدون دوبله و زیرنویس اکران شد اما به بزرگترین رویداد جشنواره تبدیل شد. جوانی رابونی منتقد روزنامه اوونیر نیز گاو را کشف دوباره ایران نامید که با وجود نداشتن بروشور و زیرنویس اما می توان درباره اش نوشت: «فیلمبرداری خوب، نورپردازی آگاهانه و میزانشن های دقیق همه و همه می توانستند تم احساسی و گاه به شدت فلسفی فیلم را القا کنند.» لوموند در مقاله ای بعد از موفقیت فیلم گاو در جشنواره فیلم ونیز نوشت: «جشنواره ونیز به معرفی ایران می پردازد. صدای سینمای ایران برای نخستین بار به گوش می رسد و همراه با آن صدای کارگردان فیلم داریوش مهرجویی که سبکی تمام و کمال دارد، به طوری که آثار کورو ساوای ژاپنی و ساتیاجیت رای هندی را کم رنگ می کند.»



این فیلم مورد استقبال لوکینو ویسکونتی، ویتوریو دسیکا و فردریکو فلینی، کارگردانان مطرح ایتالیایی نیز قرار گرفت.

مخالف سرسخت رژیم پهلوی

مهرجویی آن زمان به عنوان مخالف سر سخت رژیم پهلوی شناخته می شد و حتی درباره امام خمینی و انقلاب با تلویزیون سوئیس مصاحبه ای دارد که این روزها در فضای مجازی دست به دست می شود.

با این وجود سبک جدید او در سینمای ایران باعث فیلم دایره مینای او، در همان عصر پهلوی، یعنی سال ۱۹۷۷ میلادی، اولین فیلم نماینده ایران در اسکار باشد، البته جزو ۵ کاندید نهایی نبود. اما همین انتخاب نشان دهنده تفاوت آثار او با دیگران همپایانش بود. آثار مهرجویی از گاو تا هامون و از سهگانه زنانه سارا، پری، لیلیا تا مهمان مامان هم مورد توجه منتقدین و هم مورد اقبال مخاطبان بود. مرگ تلخ او شاید شبیه مرگ پازولینی باشد اما آثار او هرگز سبک مهرجویی مختص خودش بود.



مهرجویی آن زمان به عنوان مخالف سرسخت رژیم پهلوی شناخته می شد و حتی درباره امام خمینی و انقلاب با تلویزیون سوئیس مصاحبه ای دارد که این روزها در فضای مجازی دست به دست می شود

زوم

مغز متفکر تحمیل شکست سنگین اسرائیل، محمد ضیف فرمانده گردان‌های قسام است که اطلاعات محدودی درباره او وجود دارد

همان‌مردم‌روز

محمد صادق علیزاده
سردبیر



می‌گویند، می‌گویند و می‌گویند

می‌گویند او در یکی از بمباران‌های هوایی کور اسرائیل مجروح شده؛ می‌گویند یک چشم و یک پایش را از دست داده. می‌گویند ستون فقراتش آسیب دیده. می‌گویند هیچ‌گاه از ابزارهای ارتباط مدرن و تلفن همراه و نظایر آن استفاده نمی‌کند. می‌گویند همسر و دختر شیرخواره‌اش در بمباران‌های اسرائیل شهید شده‌اند. می‌گویند و می‌گویند و معلوم نیست چقدر از این می‌گویند‌ها درست باشد. او تا الان در دام اطلاعاتی اسرائیلی‌ها نیفتاده است. او استاد تمام عیار اطلاعاتی و حفاظتی است. به همین دلیل هم اصلاً بعید نیست چهره نامعلومی که صبح شنبه پانزدهم مهر روی آنتن تلویزیون الاقصی ظاهر شد و آغاز عملیات ضد اسرائیلی را با تونالیته صدایی تغییر یافته اعلام کرد خود ضیف نباشد و دشمن را فریب نداده باشد.

مبارزانی مثل شبیح

همین عملیات طوفان الاقصی که با وجود بیش از یک سال تمرین و پیگیری و سازماندهی حدود ۱۵۰۰ رزمنده فلسطینی اما از دید و اطلاع اطلاعاتی و جاسوسی اسرائیلی‌ها پنهان ماندن هم در جایی مثل نوار غزه که طولش نهایتاً از تهران پاریس تا کرج است و عرضش هم به اندازه شمال تا جنوب تهران. حفاظت اطلاعات و پنهان‌کاری عملیات و مقدمات آماده‌سازی آن با همه وسعت به قدری سنگین بود که هیچ‌کس جز خود ضیف و چند نفر از اطرافیان در شاخه نظامی مقاومت نمی‌دانستند قرار است چه اتفاقی بیفتد.

یکی از مقامات حماس به رویترز گفته «در جلسات مشترک مقاومت (حزب الله، ایران، حماس و جهاد اسلامی) هم هر چگاه این موضوع مطرح نشد. حتی ایرانی‌ها که دشمن خوبی اسرائیل هستند هم از جزئیات موضوع اطلاع نداشتند.» در تمام ماه‌های گذشته که فلسطینی‌ها مشغول تمرین برای عبور از موانع و دیوارهای اطراف نوار غزه بودند - فتنس‌ها، دیوارهای مرتفع، موانع فلزی مجهز به حسگرها و تجهیزات الکترونیکی، برج‌های مراقبت مجهز به سامانه‌های تشخیص نزدیک شدن انسان‌ها و مسلسل‌های خودکار برای تیراندازی به آنها و امثالهم - ارتش اسرائیل متوجه نقشه بزرگ فلسطینی‌ها نشد. تازه بعد از رخنه در همه این موانع بود که کار تیم‌های ویژه‌ای که ضیف طراحی کرده بود شروع شد.

او نقشه‌های دقیقی از محل سکونت بعضی چهره‌های مهم نظامی اسرائیلی در شهرک‌های اطراف غزه داشت. بعد از ایجاد رخنه، تیم‌های ویژه فلسطینی برای بازداشت و دستگیری این افراد و انتقال آنها به داخل نوار غزه اعزام شدند. به همین دلیل اینکه چند چهره مهم نظامی و اطلاعاتی و کماندویی اسرائیلی در داخل منزل خودشان توسط فلسطینی‌ها دستگیر شدند امر اتفاقی و از روی حادثه نبود. مردم‌روز، محبوب و ۵۹ ساله فلسطینی تا پیش از این وقایع محبوب‌ترین شخصیت فلسطینی بود. حالا و بعد از این چک سهمگین به اسرائیل حتماً در قلب و ذهن اهالی غزه و کرانه باختری جای بیشتری هم باز کرده. این رامی توان از واکنش‌های مردم زجرکشیده غزه دید وقتی زیر بمباران سنگین اسرائیلی‌ها و تخریب و انفجار و وپ و گلوله همچنان قربان صدقه آرمان فلسطین می‌روند.

فقط یک تصویر! از سوژه گزارشی که پیش روی شماست فقط یک تصویر وجود دارد. تصویری که حدود ۳۴ سال قبل و در اواخر دهه ۸۰ میلادی اسرائیلی‌ها از او گرفتند؛ زمانی که از بد حادثه پایش به بازداشتگاه آنها باز شده بود. خیلی از رفقای هم تصور نمی‌کردند دوست هم‌بندشان سه دهه بعد یک مغز متفکر نظامی باشد و یکی از بزرگ‌ترین ضربه‌های نظامی تاریخ اسرائیل را به آنها بزند. یک مردم‌روز الهیات خوانده که روزگاری سری هم در فعالیت‌های تئاتری داشته و در نهایت معمار بزرگ‌ترین عملیات نظامی و اطلاعاتی علیه اسرائیل بعد از جنگ ۱۹۷۳ شد. او حدود ۲۰ سال است که در صدر لیست جوخه‌های ترور اسرائیل قرار دارد؛ محمد ضیف! ضیف در عربی یعنی میهمان! برای چه به او محمد ضیف می‌گویند؟! محمد برای پنهان ماندن از دام‌های جاسوسی و اطلاعاتی اسرائیلی‌ها هیچ دوشبی را در یک مکان نمی‌گذرانند. به همین خاطر هم به او لقب میهمان داده‌اند.

حماس بزرگ‌ترین جریان مقاومت در فلسطین است و گردان‌های عزالدین قسام هم شاخه نظامی حماس. ضیف فرمانده گردان‌های قسام است. او همان جایگاهی را دارد که عماد مغنیه در جنبش حزب الله لبنان داشت.

در کنار همه اینها چند ویژگی دیگر هم دارد که او را از یک مقام صرف نظامی به یک چهره هوشمند استراتژیک هم ارتقا می‌دهد. او برخلاف بعضی چهره‌های سیاسی حماس - که البته حالا همه به حاشیه رفته‌اند - در وقایع سوریه دچار خطا نشد و هیچ‌گاه حامی و متحد اصلی آرمان فلسطین را فراموش نکرد.

رفیق روزهای سخت

برای همین در زمانی که بعضی چهره‌های عرب به دلیل بحران سوریه از ایران فاصله گرفتند، شاخه نظامی آن و ضیف، همچنان هدف اصلی خود را مبارزه با اسرائیل قرار داد و در کنار ایران باقی ماند. او در زمره فلسطینیانی است که قائل است راه حل مسأله فلسطین نه از مسیر مذاکره و راهکارهای سیاسی بلکه از مجرای مبارزه و قوی شدن می‌گذرد. به همین دلیل هم در سال‌های تلخ بحران سوریه او و شاخه نظامی مقاومت فلسطین همچنان روابط گرمی با تهران داشتند. آنقدر گرم که روابط شخص سردار قاسم سلیمانی با او ضرب‌المثل بود. میزان گرمی این روابط از پیامی که او در روز ابتدای عملیات طوفان الاقصی منتشر کرد هم می‌توان فهمید زمانی که خطاب به «دلاوران مقاومت اسلامی در لبنان و ایران» گفت: «امروز روزی است که دشمن می‌فهمد آن زمان گذشته که عربده می‌کشید و دانشمندان و بزرگان را ترور می‌کرد.» مقصود او از دانشمندان و بزرگان، ترور دانشمندان ایرانی و رهبران حزب الله است. ضیف هیچ‌گاه از نوار غزه خارج نشده.

حضور دائمی او در متن میدان و در عین حال مبارزات سه دهه اخیرش او را تبدیل به محبوب‌ترین چهره فلسطینی در میان مردم غزه کرده است. مردم در غزه به شدت به او علاقه دارند هر چند نمی‌دانند او در کجای نوار ۴۰ در ۱۳ کیلومتری این منطقه ساکن است، کی و چطور تردد می‌کند و با چه کسانی حشر و نشر دارد.

زنان

زنان در اوج بازی های آسیایی

بررسی نحوه عملکرد و نیازهای تیم بانوان ایران در بازی های آسیایی هانگژو چین

فاطمه امی

کارشناس ارشد مطالعات خانواده دانشگاه شهید بهشتی



پایین تر از دوره قبل قرار گرفت اما با وجود این، مسابقات هانگژو دستاوردهای دیگری نیز در بخش بانوان برای ایران داشت. بانوان ایرانی سال هاست که در مسابقات بین المللی ورزشی جای خود را باز کرده و در دوره نسبت به قبل حضور و فعالیت گسترده تر دارند، طوری که امسال حضور بانوان ورزشکار ایران ۲۰ درصد رشد داشت. مسابقات هانگژو شاهد مدال آوری و درخشش ۱۶ ورزشکار خانم ایرانی در رشته های مختلف بود. رشته هایی نظیر: قایقرانی، ووشو، تکواندو، کوراش، کاراته، تیراندازی، وزنه برداری، کبیدی، دوچرخه سواری، اسکیت، تنیس روی میز، جودو، کوهنوردی، بدمینتون، تنیس، دوومیدانی، شطرنج، تیراندازی با کمان و سوارکاری.

سرانجام نوزدهمین دوره از بازی های آسیایی که امسال در هانگژو چین برگزار شده بود به اختتامیه رسید؛ مسابقاتی که هر ۴ سال یک بار برگزار شده و هر دوره کشوری آسیایی میزبان آن است. کاروان ایران که ۲۸۹ ورزشکار در ۳۴ رشته ورزشی داشت و مزین به نام شهید حججی بود، مقام هفتم را در این مسابقات از آن خود کرد. تیم ورزشی ایران در این دوره از بازی های آسیایی ۵۴ مدال گرفت که ۱۳ مدال از آن طلا، ۲۱ مدال نقره و ۲۰ مدال برنز تشکیل می داد. ۱۶ دوره است که ایران یکی از شرکت کنندگان مهم بازی های آسیایی است و در ادوار گذشته نیز تیم ایران در جایگاه های دوم، پنجم و ششم قرار گرفته است. ایران در این دوره یک پله

جامعه زنان ورزشکار مادرگیر مشکلات فرهنگی و بعضاً حقوقی هستند که هر چند وقت یک بار سهم رسانه های معاند، پوشش خبری ممنوع الخروج شدن یک خانم ورزشکار با مهاجرت او است که قرار است در لایحه مقابله با خشونت علیه زنان فکری به حال آن شود؛ لایحه ای که امید است زودتر فکری برای به سرانجام رسیدن آن شود.

بی توجهی رسانه های ایرانی

اساساً رسانه های ایرانی عادت کرده اند به حواشی و هر چیزی که برای رسانه های غربی مهم باشد، واکنش نشان دهند زیرا موفقیت زنان ایرانی در بازی های آسیایی آن هم بدون حاشیه برای رسانه های غربی چندان اهمیتی نداشت. رسانه های ایرانی نیز تنها به ذکر نام آنها بسنده کرده و می روند تا دور بعدی مسابقات آنها را به فراموشی بسپارند. به همین دلیل مطالبات در زمینه بهبود شرایط ورزش بانوان اندک است و در بعد رسانه ای ضریب چندانی نمی گیرد. گویا اولویت مردم نیز در بحث ورزش، توجه به حضور زنان در ورزشگاه و تماشای فوتبال است. سمت دیگر ماجرا مشکلات جدی تر آنها مانند نیاز به مربی های خانم و حرفه ای است. در واقع حرفه ای شدن زنان ورزش و رسیدن به مقام مربیگری برای زنان با مشکلات درآمدی و کمبود امکانات مواجه است که نتیجه آن سهم کمتر زنان در برخورداری از مربی های برتر خانم است و این مسأله هر سال مطرح می شود مثلاً اردیبهشت ماه امسال نایب رئیس بانوان هیأت کشتی استان تهران در مصاحبه با رسانه ها تأکید می کند که یکی از چالش های بزرگ کشتی آلیش، کمبود مربی است: «به دلیل برگزار نشدن دوره های مربیگری، در استان تهران فقط ۵ مربی کشتی آلیش داریم

در حالی که استاندارد جهانی آن، ۶۰ مربی است.»

امید رزمی پیروزی دختران

با وجود مطالبات همیشگی ورزشکاران زن در مورد نبود تجهیزات و محیط مناسب برای تمرین، هر بار شاهد این هستیم که دختران ایران زمین افتخار آفرینان عرصه ورزش می شوند. حالا که مسابقات آسیایی به پایان رسیده و ورزشکاران چشم انتظار مسابقات المپیک هستند، فرصت مناسبی است تا با یک هم افزایی در بخش های دولتی و خصوصی و نهادهای مربوطه برای حضور قوی تر زنان در المپیک تلاش کنند و از سوی دیگر رسانه نیز نقش فعال تری در پیگیری امور بانوان ورزشکار و ورزش حرفه ای زنان بازی کند.



اولین های زنانه

تیم ورزشی ایران شامل ۲۱۱ آقا و ۷۶ خانم بود. ۷۶ خانم ورزشکاری که در ۱۹ رشته ورزشی شرکت کردند و برخی از آنها صاحب اولین مدال های زنانه یک رشته ورزشی شدند؛ مانند زینب آقایی که اولین مدال زنان رشته کوراش ایران را کسب کرد. ترانه احمدی در رشته اسکیت و فرزانه پرتو آذر هم در رشته دوچرخه سواری کوهستان صاحب اولین مدال زنانه ایران در رشته خود شدند.

داستان افتخار آفرینی زنان ورزشکار ایرانی به همین جا ختم نمی شود بلکه جابه جایی رکوردهای جهانی نیز یکی از افتخارات آنها بود. رومینا سالک در رشته اسکیت رکورد انفرادی جهان را شکست. همچنین ۲۰ خانم ایرانی در نقش داور و ناظر این مسابقات نیز حضور داشتند. بانوان ورزشکار اعزامی از سوی ایران صاحب مدال طلا شدند اما ۷ مدال نقره و ۱۱ مدال برنز را از آن خود کردند. سارا بهمنیار آخرین مدال را کسب کرد و حسن ختامی برای این دوره از مسابقات آسیایی شد.

محرومیت های دوچندان برای زنان

گذشته از شرح موفقیت های آن ها، لایه عمیق تری نیز در ورزش بانوان وجود دارد. ویژگی عمده زنان ورزشکار این است که به دور از هیاهو حاشیه و البته بدون دریافت توجه و بودجه کافی در حال تلاش هستند. آنها بعد از نقش های اجتماعی دیگر خود و تحمل شرایطی که گویا مادگی پذیرش زنان مسلمان را ندارد، هر بار لبخند بر لب مردم ایران می نشانند اما به نظرمی رسد به موفقیت آنها آن طور که باید توجه نشان داده نمی شود. بخشی از این دیده نشدن را می توان در اعطای هدایای عجیب به بانوان ورزشکار دید. مثلاً سارا عبدالملکی نایب قهرمان پارا قایقرانی آسیا، خرداد ماه امسال پس از به دست آوردن مدال نقره از سوی شورای شهر به عنوان قدردانی، قوری هدیه می گیرد. این بخش مضحک ماجرا است اما سمت دیگر، بودجه هایی است که به ورزش های غیر فوتبالی، خصوصاً در بخش زنان اختصاص نمی یابد. در واقع با وجود اینکه زنان ورزشکار از لحاظ کمی و کیفی در حال رشد هستند اما هنوز توسط نهادهای حاکمیتی جدی گرفته نمی شوند و اساساً اهمیت فعالیت ورزشی حرفه ای زنان را نمی دانند.

حواشی مهم تر از متن

طبق بیانات رهبری، یکی از برترین تبلیغ ها برای حجاب و اسلام، حضور زنان ورزشکار در مسابقات بین المللی و درخشیدن آن هاست. به همین جهت حضور و افتخار آفرینی آنها اهمیت بسیاری دارد. آن هم در شرایطی که هجمه های رسانه ای، تصویر زن ایرانی را به عنوان فردی محدود و منفعل به همه مخابره کرده است. توجه به ورزش بانوان و همچنین مشکلات و بی توجهی هایی که در حق آنها می شود، بارها در کلام رهبر معظم انقلاب دیده و شنیده شده است اما به نظرمی رسد نهادها و سازمان های مربوطه در موضوع ورزش حرفه ای زنان توجه نشده اند تا برنامه ریزی دقیقی داشته و بودجه مناسب به آن اختصاص دهند. این بی برنامه گی ها منجر به این می شود که برخی از زنان در ورزش های تیمی و فردی از مسابقات بین المللی جامی می مانند. در اولویت نبودن ورزش حرفه ای زنان را در کنار این موضوع بگذارد که هنوز



موفقیت زنان ایرانی در بازی های آسیایی برای رسانه های غربی اهمیتی نداشت و رسانه های ایرانی نیز تنها به ذکر نام آنها بسنده کرده و می روند تا دور بعدی مسابقات آنها را به فراموشی بسپارند

جمعه

ایران

• مدیر مسئول: محمدحسن روزی طلب
• سردبیر: محمدصادق علیزاده
• معاون فنی: محمدملاعلی اکبری
• دبیر تحریریه: ونوس بهنود
• دبیران:
• سید پویا هاشمی (گزارش و گفت و گو)
• صادق رخ فرد (تاریخ)

• محمدعلی یزدانبار (کتاب)
• آیه طائبی (زندگی)
• فاطمه سادات رضوی (طنز)
• فرناز اینانلو (زنان)
• زینب فروزنده (زوم)
• فاطمه کهربایی (فرهنگ)

• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ شماره: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط
مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
• پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی
• نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
• صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۳۸۸
• انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:
۸۸۵۴۸۸۹۲-۵

فرا تهران

روایتی از مراسم اختتامیه چهارمین سوگواره روضه‌های داستانی در قم

وقتی داستان نویسان روضه می گویند



رشد ۴۰۰ درصدی آثار رسیده به جشنواره چهارم

در ابتدای مراسم اختتامیه که با حضور مسئولان و مدیران حوزه هنری و نویسندگان شناخته شده داستان دینی در سالن زائر مجتمع آموزشی تربیتی هدایت قم برگزار شد، سید علی نقیب دبیر سوگواره و مسئول واحد آفرینش های ادبی حوزه هنری قم ضمن خیر مقدم به حاضران، استادان و نویسندگان، روند برگزاری سوگواره را تشریح کرد و یادآور شد که این سوگواره در دو دوره ابتدایی به صورت استانی و از سومین دوره به صورت ملی برگزار شده است و در دوره چهارم آثار ارسالی رشدی ۴۰۰ درصدی داشته اند.

وی در تشریح روند انتخاب آثار هم متذکر شد که آثار در سه مرحله؛ غربالگری، داوری اولیه و داوری نهایی بررسی شدند و ۱۰ اثر به عنوان راه یافته نهایی شناخته شد که از این میان ۵ اثر شایسته تقدیر شناخته شدند. مرتضی شریفی از قم، زینب نجفی از قم، مریم زارعی از بوشهر، مریم اشعری از قم، نسیم اسدپور از تهران، فاطمه نصراللهی نسب از قم، سمانه قلی زاده از قم، اکبر صحرایی از شیراز، مصطفی سلیمانی از قم و معصومه دین محمدی از زنجان صاحبان ۱۰ اثر راه یافته به مرحله نهایی بودند.

نقیب همچنین اشاره کرد که در دوره آینده که پنجمین دوره این سوگواره خواهد بود، بخش روایت نویسی نیز به سوگواره اضافه می شود و آثار در دو بخش داستان و روایت نویسی فراخوان و ارزیابی خواهند شد. همچنین

محمد مهدی بهمنی

خبرنگار

مراسم اختتامیه چهارمین سوگواره ملی «روضه های داستانی» به پایان رسید. این رویداد که به همت حوزه هنری استان قم از مردادماه بارسانه های شدن فراخوان این سوگواره آغاز شد، طی روزهای اخیر با معرفی برگزیدگان و اهدای جوایز، چراغ چهارمین سوگواره نیز خاموش شد. طی روند برگزاری این سوگواره از تاریخ ۲۰ شهریور، مصادف با پایان مهلت ارسال آثار شرکت کنندگان به دبیرخانه جشنواره، فرایند داوری توسط داوران مطرح حوزه داستان، آغاز شد و این فرایند در سه مرحله ادامه یافت. این سوگواره در دو بخش مناسب های ایام محرم و صفر و با تاکید بر موضوع ویژه اربعین حسینی به سرانجام رسید. طی مهلت ارسال آثار، نویسندگان سراسر کشور ۲۰۰ اثر ارسال کردند که بین هزار تا سه هزار کلمه بود.

ارزشی و دینی ما را به شعاری نزدیک می کند و از هنر و هنرمندی و هنر داستان نویسی دور می کند. اما در واقع چنین نیست و می توان در حوزه داستان نویسی دینی به گونه ای عمل کرد که آثار هنری جذاب و جریان ساز خلق شود. وی تصریح کرد که اغلب نویسندگان خوب کشور با این موضوعات آثار شایسته و قابل دفاعی تولید کرده اند. می توان با تمرین و حرکت مستمر کارهایی خلق کرد که جریان ساز باشد. داستان نویسی دینی باید در سطح کشور تبیین شود و قم می تواند پایگاه اصلی و جریان مهمی باشد برای صدور داستان نویسی دینی و مفاهیم مرتبط با آن و سوگواره «روضه های داستانی» قدم اثرگذار و مهمی در این مسیر خواهد بود.

لزوم برگزاری نشست های تخصصی برای تبیین داستان نویسی دینی

همچنین علی اصغر عزتی پاک مدیر دفتر

داستان انتشارات شهرستان ادب و داور بخش نهایی سوگواره با تشکر از حوزه هنری قم برای پیشرو بودنش در پرداختن به موضوعات و داستان های دینی، اشاره کرد که برای بالا بردن کیفیت آثار تولیدی ضرورت دارد که فکر کنیم و اقدام به برنامه ریزی بنماییم. می توان در همین راستا کارگاه ها و نشست های تخصصی و محتوایی خوبی برگزار کرد تا مباحث تبیین شود و نویسندگان بتوانند در مسیر درست قدم بردارند و راه رسیدن به مقصد برایشان هموارتر، کوتاه تر و شفاف تر شود.

وی همچنین تصریح کرد که یکی از لوازم ضروری داستان نویسی دینی این است که نویسندگان به جزئیات و تاریخ وقایع دقت نظر بیشتری داشته باشند.

پایان روضه های داستانی چهارم فرارسید

خوانش ۳ داستان برگزیده در قالب نمایشنامه خوانی توسط هنرمندان عرصه نمایش استان قم و پخش روضه داستانی مجدالدین معلمی مدیر بنیاد ملی کتاب سازمان تبلیغات اسلامی در قالب یک فیلم، که برگرفته از روایتی واقعی بود، از دیگر بخش های این مراسم بود.

در پایان و با حضور مسئولان حاضر و داور سوگواره از ۵ برگزیده به شرح زیر تقدیر شد. مریم زارعی از بوشهر، نسیم اسدپور از تهران، فاطمه نصراللهی نسب از قم، سمانه قلی زاده از قم و معصومه دین محمدی از زنجان



بعضی چنین تصور می کنند که پرداختن به موضوعات ارزشی و دینی ما را به شعاری نزدیک می کند و از هنر و هنرمندی و هنر داستان نویسی دور می کند. اما در واقع چنین نیست و می توان در حوزه داستان نویسی دینی به گونه ای عمل کرد که آثار هنری جذاب و جریان ساز خلق شود